



برنامه پیشنهادی

حضرت آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی
در حوزه تربیت بدنی و ورزش

خرداد ۱۴۰۰



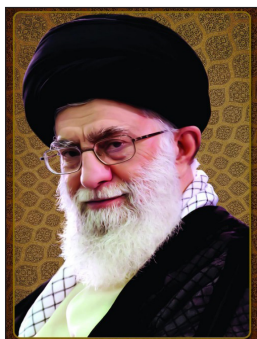
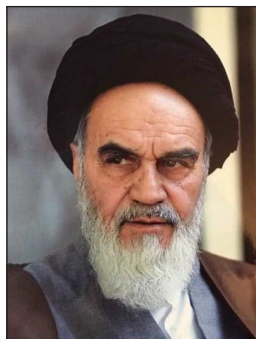
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره تربیتی
دوره تربیتی
دوره تربیتی

برنامه پیشنهادی
آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی
در حوزه تربیت بدنی و ورزش

«امیدوارم که شما ورزشکاران، انقلاب ایران را عملاً به کشورهای دیگری که می‌روید صادر کنید.»

حضرت امام خمینی (ره)



«اگر بخواهید جسم را به قدرت، به زیبایی، به توانایی، به بروز قدرت‌ها و استعدادهای گوناگون برسانید باید ورزش کنید.»

مقام معظم رهبری

«بسیاری از ارزش‌ها می‌توانند از طریق ورزش منتقل شوند.»

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی



فهرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۳	کلیات
۱۵	مدل کارکردی برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و ورزش
۲۱	ابعاد کلی برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و ورزش
۳۳	برنامه عمومی (کوتاه مدت و میان مدت)
۳۵	ورزش مدارس
۴۳	ورزش همگانی (همگانی شدن ورزش)
۶۵	ورزش حرفه‌ای
۹۱	ورزش قهرمانی
۱۰۳	ورزش بانوان
۱۰۹	منابع و زیرساخت‌ها، اقتصاد و مدیریت استعداد در ورزش
۱۲۵	برنامه ویژه (بلند مدت)



عنوان اثر:

برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی
در حوزه تربیت بدنی و ورزش

مدیر مطالعه:

دکتر محمد مهدی فروردین

ناظر مطالعه:

دکتر احمد راستینه هفشجانی

تهیه و تدوین:

دکتر صادق ستاری فرد، دکتر مهدی مرادی

اظهار نظر کنندگان:

دکتر امیررضا خادم، دکتر علی رغبتی، آقای محمود صیدانلو، خانم رباب شهریان، دکتر عباسعلی گائینی، آقای طهمورث قاسمی، آقای علی قاسمی، دکتر داوود عزیزی، دکتر میثم رحیمی زاده، آقای امیر پریچهره، دکتر عبدالرضا ساور، دکتر ابراهیم علیدوست قهفرخی، دکتر شهرام علم، دکتر محمدحسین قربانی، دکتر مهدی شهبازی، دکتر مهدی شریعتی فیض آبادی، خانم زهرا مرادی، دکتر مریم منظمی، دکتر مجتبی کرمی تیره شبانکاره، دکتر موسی بیات، دکتر رضا مستمع، دکتر محمد جعفری.

پیش‌گفتار

حق حاکمیت ملی و حاکمیت قانون دو عنصر اجتناب‌ناپذیر در اداره امور کشور هستند؛ تربیت بدنی و ورزش از این قاعده مستثنی نیستند. بر این اساس، ضروری است رویکردهای کلی برنامه پیشنهادی با توجه به وضعیت موجود و مسائل مربوط و نیز ظرفیت‌ها، امکانات و فرصت‌های پیشرو و همچنین مبتنی بر اصول مصرح قانون اساسی، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی ابلاغی نظام (از جمله اقتصاد مقاومتی، آمایش سرزمین، سلامت، جمعیت، اشتغال، تحول در نظام آموزش و پرورش، اصل ۴۴ قانون اساسی) بیانیه گام دوم انقلاب، مطالبات و منویات مقام معظم رهبری و نیازهای عمومی مردم تنظیم و تدوین شوند.

در این ساحت؛ عدالت محوری در توزیع امکانات و منابع و رفع محرومیت‌ها و منع تبعیض در توزیع منابع عمومی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی فعالیت‌ها و جلوگیری از اقدامات و زمینه‌های فسادزا، اصلاح ساختارهای اداری و مالی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها،

منطق‌سازی اندازه‌ی دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید، تأکید بر بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال و گسترش خدمات بهینه، هدایت، نظارت و حمایت بر امور مربوطه، تقویت زیرساخت‌های ارزش‌آفرین از حیث اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ترویج و تقویت ارزش‌های فرهنگی، ملی و انقلابی در همه برنامه‌ها و افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق و تربیت انسان‌های سالم، با انگیزه، شاداب و متدین، توجه به جوانان مومن و انقلابی در عرصه‌های سیاستی، اجرایی و میدانی به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، ارتقاء جایگاه ملی و استفاده مطلوب از ظرفیت‌های بین‌المللی و مراقبت از تهدیدهای پیشرو، حفظ و تقویت کرامت افراد و اشخاص به‌ویژه بانوان، پیشکسوتان و مربیان، بسترسازی در جهت ورزش رایگان برای همه در تمام سطوح، توسعه تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس، گسترش امکانات ورزشی سلامت‌محور در سطح کشور، صیانت و ارتقاء عزت ملی، غرور ملی، خودباوری، هویت ملی و همبستگی اجتماعی و پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های اجتماعی در عرصه تربیت‌بدنی و ورزش کشور در ساحت‌های ورزش مدارس، همگانی، قهرمانی، حرفه‌ای و بانوان بسیار حائز اهمیت است.

مقدمه

دولت سیزدهم رسماً اولین دولت گام دوم انقلاب و آخرین دولت چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. بنابراین، برنامه‌ریزی جهت پوشش خلاءها و ضعف‌های گام اول انقلاب و بسترسازی برای تحقق منویات و مطالبات گام دوم و اهداف مقرر در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ضرورت، اهمیت و فوریت دو چندان دارد. تدوین برنامه، اقدامی هدفمند و مبتنی بر تفکر و عقلانیت است که با بهره‌گیری از رویکرد «آینده‌نگاری» و تحلیل روندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فناوری و محیطی و تحلیل دقیق نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای موجود و پیش‌رو، مناسب‌ترین گزینه‌ها برای دستیابی به اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت ورزش کشور را انتخاب کرده و تحقق آن‌ها را به شکلی پایدار و بنیادین دنبال می‌کند.

ورزش کشور در طی گام اول انقلاب، غالباً از بی‌برنامگی و حرکت بر مدار سلیقه و روزمرگی رنج برده است در حالی که در طی ۴۳ سالی که از عمر شکوه‌مند جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، تقریباً هر دولتی بنا بر رویه مرسوم،

برنامه‌ای بلندمدت و راهبردی یا سندی ملی تهیه نموده است ولی غالب این برنامه‌ها چون مبتنی بر اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای کلان بوده است و تحلیل‌ها نیز غالباً مبتنی بر واقعیات ورزش ایران نبوده است بیشتر جنبه انتزاعی پیدا کرده و نهایتاً در حوزه اجرا جنبه عملیاتی شدن به خود نمی‌گرفتند. نکته حائز اهمیت دیگر، این است که غالب برنامه‌ها دارای ادبیاتی تکراری در محتوا و ساختار بوده‌اند و شاید به صورت ظاهری و صوری، اندک تفاوت‌هایی با هم داشته‌اند. مجموعه موارد فوق‌الذکر موجب گردید که ورزش ایران در طی ۴ دهه گذشته بر اساس قانون تاسیس سازمان تربیت بدنی مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۳ اداره شود. از سوی دیگر، تلاش و پیگیری‌های مؤثری که در ۵ سال گذشته در بین حوزه‌های دولت، مجلس و شورای نگهبان صورت گرفت موجب نهایی‌سازی محتوا و ابلاغ قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۶ شد و وزارت ورزش و جوانان نیز موظف بود که آیین‌نامه اجرایی این قانون را تا تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ تهیه و تدوین نماید که این امر میسر نشد.

ورزش در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه رفیعی برخوردار است چونکه در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، تربیت بدنی و ورزش هم‌عرض آموزش و پرورش تعیین شده است و جدای از وزارت ورزش و جوانان، دارای نهادها و دستگاه‌های ورزشی متعدد دیگری از جمله کمیته ملی المپیک، کمیته ملی پارالمپیک، ۵۲ فدراسیون ورزشی، ۳۲ اداره کل ورزش و جوانان استانی، حدود ۵۰ انجمن ورزشی ملی، وجود اداره ورزش و جوانان در کلیه شهرستان‌های سراسر کشور، بالغ بر ۱۴۰۰۰ هیأت ورزشی استانی و شهرستانی، بالغ بر ۲۵۰۰۰ باشگاه ورزشی و چندین اداره و دفتر تربیت بدنی و ورزش در غالب نهادها و دستگاه‌های غیرورزشی سراسر کشور است. از شواهد و قرائن مشخص است که علیرغم نگاه مؤثر نظام حکمرانی به ورزش از حیث ساختاری، ولی محتوا و برنامه‌ها در توازن و تعادل با ساختارهای موجود نیست. فلذا تیم برنامه‌ریز دولت سیزدهم با شعار «ایران قوی» که برآمده از شعور و مبتنی بر عقلانیت است، تلاش نمود که کلیه قوانین داخلی موجود مرتبط با ورزش، اسناد بالادستی، برنامه‌های راهبردی تدوین شده دولت‌های مختلف در طی ۴ دهه اخیر و همچنین مطالعه برنامه‌ها، سیاست‌ها، اسناد و تجربیات کشورهای

پیش‌رو در امر ورزش را بررسی نماید و برنامه‌ای کاربردی و مبتنی بر نظام مسائل و واقعیات روز ورزش ایران و جهان تدوین نماید.

این برنامه در دو بخش عمومی و اختصاصی و به لحاظ زمانی در سه سطح کوتاه‌مدت (تا ۲ سال)، میان‌مدت (۳ تا ۵ سال) و بلندمدت (بالای ۵ سال) و مبتنی بر ۶ محور مبنایی و مسأله‌خیز از جمله ورزش مدارس، ورزش همگانی، ورزش حرفه‌ای، ورزش قهرمانی، ورزش بانوان، منابع و زیرساخت‌ها (اماکن و زیرساخت‌های ورزشی، لوازم و تجهیزات ورزشی، منابع مالی، منابع انسانی با تمرکز بر مدیریت استعداد) تهیه و تدوین شد به نحوی که در دید کوتاه‌مدت دو رویکرد وجود دارد اول آنکه مسأله‌های هر حوزه احصاء شد و راهکارهای عملیاتی و اقدام‌های متناظر جهت حل مسائل و برطرف نمودن موانع و چالش‌ها ارائه شد و دوم اینکه تا پایان سال ۱۴۰۰ با بهره‌گیری از متخصصان حوزه‌های علم و عمل، پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان مبتنی بر محتوای قانون مذکور و مسائل حوزه‌های مختلف ورزش کشور تهیه و نهایی خواهد شد. در نگاه میان‌مدت و بلندمدت نیز به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد که ورزش ایران به توازن لازم دست یافته که در پایان دولت چهاردهم، پیشرفت و رشد متوازن ورزش حاصل شود. نکته حائز اهمیت و قابل تمایز این برنامه‌ها نسبت به ۴ دهه گذشته، تمرکز حداکثری بر ورزش بانوان و ورزش رده‌های سنی پایه و به ویژه ورزش مدارس است که در میان‌مدت و بلندمدت، ورزش سلامت محور (همگانی) و رقابت محور (حرفه‌ای و قهرمانی) را توسعه و تعمیم داده و در نهایت پشتوانه‌سازی و پایدار خواهد نمود.



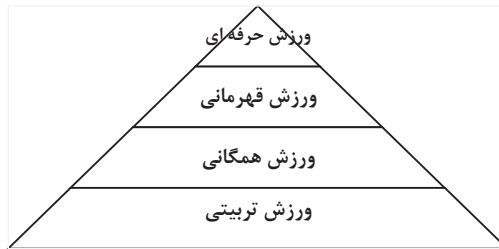
کلیات



مدل کارکردی برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و ورزش

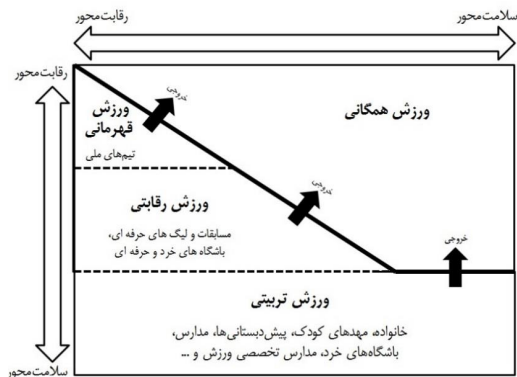


ورزش از منظر کلان به دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شود. حوزه سخت‌افزاری مرتبط با اماکن و فضاهای ورزشی، لوازم و تجهیزات، منابع و قوانین و مقررات و ... است و حوزه نرم‌افزاری مبتنی بر مؤلفه‌های ورزش همچون مدارس، همگانی، قهرمانی، حرفه‌ای و ... است. در سند جامعی که در ۱۳۸۲ توسط سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران (وزارت ورزش و جوانان کنونی) تدوین شد مؤلفه‌های ورزش و ارتباط بین آن‌ها بدین نحو ارائه شد.



شکل ۱. مدل ارائه شده در سند جامع ورزش سال ۱۳۸۲ و رابطه بین مؤلفه‌های ورزش

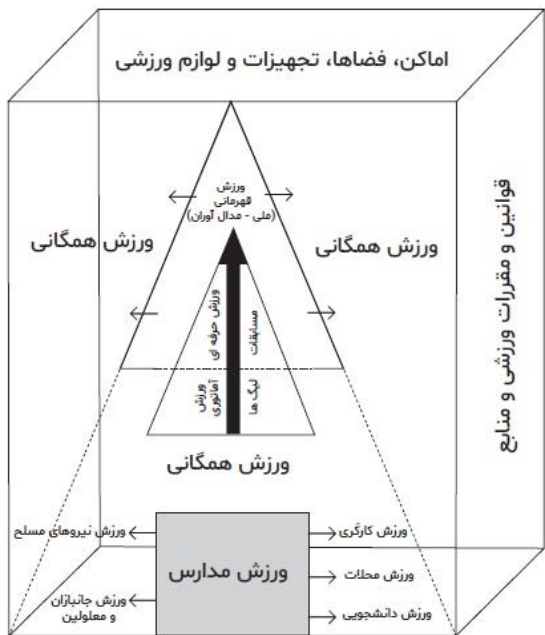
در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، سند توسعه ورزش کشور (پیش‌نویس / انتشارنایافته) توسط وزارت ورزش و جوانان تهیه و تدوین شد که در آن سند، مدلی با عنوان الگوی توسعه ورزش کشور بر اساس اهداف و تعامل مؤلفه‌ها ارائه شد.



شکل ۲. الگوی توسعه ورزش کشور بر اساس اهداف و تعامل مؤلفه‌ها

هم اکنون با توجه به تغییرات صورت گرفته و فضای پویای ورزش و مطالعات صورت گرفته و چالش‌های دو مدل برنامه‌ریزی قبلی، مدلی بومی و کارکردی مبتنی بر دو حوزه کلان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش ارائه شده است و بیشتر تمرکز بر دو مؤلفه ورزش همگانی و ورزش قهرمانی و تأکید بر ورزش مدارس است که در بعد ورزش همگانی و مدارس به جنبه سلامت‌محور و در بعد ورزش قهرمانی به جنبه رقابت محور ورزش توجه می‌شود؛ ضمن آنکه به نظام حکمرانی حقوقی کشور و زیرساخت‌های ورزشی در سطوح مختلف توجه دارد.





شکل ۳. مدل مفهومی رابطه بین حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش و همچنین مؤلفه‌های ورزش

در این مدل کارکردی، ورزش همگانی به عنوان قاعده ورزش شناخته می‌شود و مشتمل بر ورزش افسار مختلف از جمله ورزش مدارس، ورزش دانشجویی، ورزش محلات، ورزش کارگری، ورزش نیروهای مسلح، ورزش جانبازان و معلولین است و از سوی دیگر ورزش قهرمانی به عنوان قله و اوج ورزش همگانی و همچنین ورزش ملی و مدال آور قلمداد می‌شود.

ورزش حرفه‌ای در این مدل کارکردی به عنوان میانجی و پلی بین ورزش همگانی و ورزش قهرمانی است که با برگزاری مسابقات و راه‌اندازی لیگ‌ها تلاش دارد که ورزشکار را از سطح آماتوری به سوی حرفه‌ای شدن ارتقا بخشد. در این مدل کارکردی، ورزش مدارس به عنوان ستون و استوانه ورزش و همچنین مدخل ورزش در هر دو بعد ورزش همگانی و ورزش قهرمانی تلقی می‌شود و ورزش تربیتی (آموزشی یا پرورشی) که در سند جامع ورزش تدوین

شده در سال ۱۳۸۲ به عنوان قاعده ورزش تلقی می‌شد به عنوان يك رویکرد کلی که در تمام دوران زندگی از بدو تولد تا مرگ و در سنین مختلف که فرد ورزش می‌کند، لازم است فلذا رویکرد آموزشی - پرورشی در ورزش در همه ابعاد ورزش مدارس، همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی و برای همه اقشار جامعه در راستای تربیت جسم و روح ساری و جاری خواهد بود.

سیاست دولت آینده مبتنی بر مدل ارائه شده در شکل (۳) می‌باشد که هر دو حوزه کلان سخت‌افزاری (پشتیبانی حقوقی و منابع از ورزش) و نرم‌افزاری (مؤلفه‌های بیرونی) ورزش را پوشش می‌دهد. در هر دو بخش کلان ورزش، تلاش بر این است که مسائل کلیدی و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش مدارس، ورزش همگانی (سلامت محور)، ورزش قهرمانی - حرفه‌ای (رقابت محور) و همچنین کسب و کارهای ورزشی و اماکن، فضاها، تجهیزات و لوازم ورزشی و مهمتر از همه منابع و اقتصاد ورزش ارائه و راهکارهای اجرایی مناسب و متناسب با تثبیت و تقویت حاکمیت ملی و حاکمیت قانون در همه ابعاد ورزش و تأمین و توزیع عادلانه و متوازن منابع، امکانات و زیرساخت‌های ورزشی برای آحاد ملت ارائه شود.



ابعاد کلی برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و ورزش



حوزه تربیت بدنی و ورزش به دلیل گستردگی و تنوع جوامح هدف، تقریباً آحاد مختلف مردم از هر جنس و سنی را شامل می‌شود. همچنین ورزش مقوله‌ای است چندبعدی که بر غالب بخش‌ها اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... تأثیرگذار بوده و به‌شدت نیز تأثیر می‌پذیرد. بر همین اساس این مقوله علاوه بر اصل سوم قانون اساسی و در متن سیاست کلی ابلاغی مقام معظم رهبری از جمله سیاست‌های کلی سلامت و ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش و بسیاری از قوانین مهم کشور از جمله قوانین برنامه پنج‌ساله مورد تأکید نظام حکمرانی واقع شده است.

مباحثی چون ورزش همگانی، ورزش قهرمانی، ورزش حرفه‌ای، ورزش بانوان، ورزش جانبازان و معلولان، ورزش مدارس، ورزش دانشجویی، اماکن و تجهیزات ورزشی، تفریحات و گردشگری ورزشی و وجود بیش از ۵۰ فدراسیون ورزشی در کنار حدود ۱۴ هزار هیأت ورزشی، بیش از ۲۵ هزار باشگاه ورزشی و فعالیت اقشار مختلف جامعه به ویژه، میلیون‌ها کودک و نوجوان و جوان این مرز و بوم در این بستر با مدیریت و نظارت وزارت ورزش و جوانان و کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک و دیگر دستگاه‌های اجرایی متولی امر بخش عمده‌ای از ابعاد و اجزای ورزش را در بخش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، ورزش به ویژه در ابعاد حرفه‌ای و قهرمانی و رقابت بین

کشورها، پتانسیل ایجاد فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را برای کشور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی دربردارد که اگر به‌درستی شناسایی، مدیریت و هدایت نشود چه‌بسا که آثار منفی و پیامدهای جدی بر حوزه‌های مختلف جامعه خواهد گذاشت.

بنابراین، شناسایی وضع موجود، شناخت نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای این بعد مهم از ساحت فرهنگ و جامعه و مبتنی بر این سیاست‌گذاری، خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی در این راستا بسیار حائز اهمیت است.

۱) توسعه و تعمیم ورزش همگانی و تقویت ورزش مدارس

الف) وضع موجود

۱. میزان مشارکت مردم ایران در فعالیت‌های بدنی و ورزشی نسبت به میانگین جهانی بسیار پایین است، حدود ۴۸/۹ درصد مردم ایران هیچ‌گونه فعالیت بدنی و ورزشی و همچنین حدود ۶۶ درصد نیز فعالیت بدنی و ورزشی مؤثری ندارند. از سوی دیگر، توزیع جمعیتی افراد فعال و نیز چاق در استان‌های مختلف کشور روبه ناهمگونی دارد و کاملاً از حیث جغرافیایی متفاوت است که برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمینی را می‌طلبد. از حیث دامنه سنی، کم‌تحرک‌ترین افراد در بازه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال قرار دارند. مطابق داده‌های مرکز ملی آمار این مدت زمان فعالیت طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ به طور ثابت به میزان ۱۵ دقیقه برآورد شده بود با این حال در سال ۱۳۹۶ به ۲۷ دقیقه افزایش یافته است که می‌تواند ناشی از اثر مداخله حکم حمایتی قانون برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده از سوی قانونگذار، مبنی بر هزینه‌کرد بخشی از منابع حاصل از مالیات بر ارزش‌افزوده برای توسعه ورزش همگانی باشد. میزان ناچیز فعالیت بدنی و ورزشی ایرانیان زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که آن را با میانگین زمان حضور روزانه افراد در شبکه‌های اجتماعی سال ۱۳۹۶ یعنی بیش از یک ساعت با پرداخت هزینه به‌مراتب بسیار کمتر مقایسه نماییم.



۲. به علاوه رمز موفقیت ورزش در هر کشوری پشتیبانی مالی و اعمال نظارت مستمر در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های این حوزه است، بدون منابع مالی پایدار و شفافیت و نظارت در موارد مصرف در بخش ورزش، اجرای سیاست‌های توسعه ورزش با شکست مواجه خواهد شد. در ایران، ورزش همگانی از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌کند، از درآمدهای مالیاتی سهم دارد، از کمک خیرین نیز بهره‌مند است، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار است، رسانه عمومی نیز از این بخش حمایت معنوی می‌کند و به ترویج و تعمیم این بخش می‌پردازد.

۳. تعمیم ورزش همگانی که انتها می‌بایست به تضمین سلامت عمومی کشور و تقویت زیربنای ورزش حرفه‌ای و قهرمانی منجر شود در خلاء اتفاق نمی‌افتد و نیازمند بستر سالم، در دسترس و باکیفیت ورزشی است. واقعیت این است که امروزه ورزش ایران فاقد یک نظام منسجم ورزشی در ابعاد مدارس و همگانی است. برای نمونه نظام ساختارمند واحدی جهت استعدادیابی مبتنی بر آمایش ورزشی وجود ندارد؛ برخی رشته‌های ورزشی و فدراسیون‌های مربوط براساس گرایش‌ها و سلائق فردی مسئولان ورزشی در کشور توسعه یافته‌اند و خود باعث ایجاد مسائل و چالش‌هایی برای مدیریت کارآمد و اثربخش موضوع شده است. در همین راستا، ارتباط ارگانیک نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی به‌عنوان منبع پرورش استعدادهای ورزشی با نظام استعدادپروری ورزش کشور قطع بوده و متأسفانه هیچ سازوکاری برای استعدادیابی و استعدادپروری با رویکرد بین‌بخشی مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه سهم برنامه‌های ورزش همگانی در استعدادیابی نیز نامشخص و مبهم است و برنامه‌ای برای استفاده از ظرفیت بیش از ۲۵۰۰۰ باشگاه ورزشی عمومی و ۳۵۰۰۰ معلم ورزش در حوزه استعدادیابی ورزشی مشاهده نمی‌شود.

۴. مضافاً اینکه مطابق قانون اجازه تأسیس باشگاه ورزشی و ورزشگاه توسط مردم با نظارت دولت (مصوب ۱۳۶۹) با مجوز کمیسیون ماده (۵) وزارت ورزش و جوانان و ادارات تابعه تشکیل می‌شوند. این اماکن و مؤسسات ورزشی در اختیار باشگاه‌ها و یا به‌عنوان باشگاه



محل فعالیت، به موجب ماده (۱۳۴) قانون مالیات‌های مستقیم از پرداخت مالیات معاف هستند، درحالی که مشمول پرداخت مالیات بر ارزش افزوده می‌شوند. یعنی اینکه باشگاه‌دار از محل عواید ورزشی حاصله از پرداخت مالیات معاف است اما با توجه به سیاست تعمیم ورزش برای همه در تمام سطوح ذینفع اصلی که مردم باشند باید برای شرکت در برنامه‌های ورزشی مالیات پرداخت کنند که این نیازمند بازنگری و اصلاح رویه موجود به گونه‌ای است که آحاد مردم در انجام فعالیت‌های ورزشی و حضور در برنامه‌های ورزشی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف باشد. نکته قابل تأمل اینکه هیچ هدفمندی و وجه تمایز مشخصی بین رشته‌های فعالیتی از حیث سنجیت با فرهنگ ایرانی - اسلامی و اولویت ورزشی کشور (ورزش‌های پایه و پرمدال) برای شمولیت و برخورداری از این مشوق‌ها پیش‌بینی نشده است و لذا از این حیث تفاوتی بین رونق باشگاه‌های ورزشی بدنسازی با ورزش‌های رزمی یا ورزش‌های ملی لحاظ نشده است.

۵. یکی از مهم‌ترین منابع انسانی در حوزه ورزش که کمک بسیاری به توسعه ورزش کشور می‌کند مربیان ورزش هستند. اما خود این افراد برای آنکه تبدیل به مربیان کارا و اثربخش شوند نیاز به آموزش و ارتقای سطح کیفی دارند. در حال حاضر حدود ۳۰۰ هزار مربی فعال ورزشی در کشور وجود دارد که صرفاً براساس شرکت در یک یا چند دوره مربیگری، مجوز اشتغال ورزشی دریافت کرده‌اند و این در حالی است که مرجعی برای تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای، عمومی و اخلاقی آنها برای ارائه خدمات تخصصی و مطلوب به مردم وجود ندارد. مضافاً اینکه نظام بیمه‌ای، قراردادهای مالی و حقوقی و اشتغال ایشان از آن دست مسائلی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و پیش‌بینی ضوابط حقوقی مشخص و مدون نیازمند است.

۶. ازسوی دیگر، بدون تردید، وجود زیرساخت‌ها، اماکن و فضای مناسب و بهینه ورزشی و دسترسی آسان به آنها، سنگ بنای توسعه ورزش در همه ابعاد مدارس و همگانی تا قهرمانی و حرفه‌ای است. میزان سرانه فضای ورزشی کشور حدود ۰/۶۵ مترمربع (یک گام بلند) است

که ۱۵/۰ متر مربع آن را فضای سرپوشیده تشکیل داده است، ۵۰/۰ مترمربع متعلق به اماکن روباز است که حدود ۵۷ درصد از این رقم را زمین‌های خاکی تشکیل می‌دهند. کسر زمین‌های خاکی از کل نشان می‌دهد میزان سرانه فضای ورزشی کل کشور حدود ۴/۰ مترمربع (نیم گام) است.

۷. به علاوه، کم تحرکی کودکان و نوجوانان و کاهش فعالیت بدنی دانش‌آموزان و افزایش حدود ۲۷ درصدی اضافه وزن و چاقی دانش‌آموزان یکی از نگرانی‌های جدی نظام تعلیم و تربیت و تهدیدی جدی برای نظام اجتماعی و سلامت کشور تلقی می‌شود (یعنی تقریباً از هر ۴ دانش‌آموز یک نفر دارای اضافه وزن یا از چاقی رنج می‌برد)، سرانه فضای ورزشی مدارس کمتر از ۳/۰ مترمربع است، حیاط و فضای آزاد مدارس برای انجام فعالیت ورزشی بهینه‌سازی و استاندارد نشده است، به دلایل مختلف از جمله عدم امکان فعالیت دانش‌آموزان در ساعات غیرآموزشی، آلودگی هوا، گرد و غبار، وضعیت جوی، سرما و گرما و تراکم بالای مدارس، بعضاً فضای کم حیاط مدارس و مدت زمان حداقلی برای تحرک، امکان انجام فعالیت بدنی مؤثر برای دانش‌آموزان از طریق مدرسه میسر نیست. با این حال، طی دهه اخیر، رویکردهای تحولی به طور جدی در ورزش مدارس عملیاتی نشده است؛ با وجود تأکید سند تحول و سیاست‌های تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش بر توسعه‌ی تربیت بدنی و ورزش در مدارس، ورزش مدارس تغییر محسوس و عملیاتی و تحولی که می‌باید در ابعاد تحولی شامل نیروی انسانی، محتوا و برنامه و ساختار ورزش مدارس ایجاد نشده است. به رغم زحمات و تلاش جامعه معلمین ورزش کشور به جهت مشکلات برنامه‌ای، ساختاری و محتوایی درس تربیت بدنی و ورزش مدارس، بعضاً به سبک و سیاق دهه‌های پیشین اداره می‌شود. حضور ۳۵ هزار معلم ورزش با ۱۴ میلیون دانش‌آموز در بیش از ۱۱۵ هزار مدرسه نیازمند برنامه‌ریزی منطبق بر اسناد بالادستی و توقف روزمرگی تا تحقق تحول در ورزش مدارس مبتنی بر مطالبات سند تحول و سیاست‌های تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش و در راستای بیانیه گام دوم انقلاب است.



ب) وضع مطلوب و سرفصل کلی برنامه‌ها

افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی، وجود ساختار ورزشی هدفمند، منسجم و چابک، همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و پرهیز از جزیره‌ای عمل کردن، موازی‌کاری‌ها و تداخل وظایف و هدررفت منابع، در دسترس بودن و آسان بودن و ارزان بودن ورزش برای همگان، وجود زیرساخت‌های ورزشی مناسب و متناسب (ترجیحاً سرپوشیده) و با امکان دسترسی بهینه برای همه اقشار (پرهیز از ساخت اماکن ورزشی خارج از بافت شهری و روستایی) ایجاد ضوابط حقوقی و قانونی برای فعالیت مربیان ورزشی، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های ایمنی، بهداشتی، سلامتی و اخلاقی محیط ورزشی، استقرار نظام تعرفه‌ای معین و مدون برای برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی، نظارت مستمر بر فعالیت باشگاه‌های ورزشی خرد و کلان، هدفمند کردن معافیت‌های مالیاتی برای فعالیت‌ها و رشته‌های ورزشی در جهت رونق ورزش‌های پایه و سلامت‌محور، معافیت آحاد ملت از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده برای فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی، ایجاد تسهیلات مالی از محل صندوق توسعه ملی برای احداث اماکن ورزشی برای بخش غیردولتی و تدوین سند سیاستی متناسب با چالش‌های موجود تا رفع موانع و بسترسازی و فرصت‌آفرینی برای توسعه و تعمیم ورزش همگانی، بهینه‌سازی و استانداردسازی اماکن و فضاهای آزاد و ورزشی مدارس، استفاده از زیرساخت‌های ورزشی دستگاه‌های اجرایی برای مدارس و دانش‌آموزان، تهیه و تضمین اجرای محتوا و برنامه درسی تربیت بدنی در همه پایه‌های تحصیلی، آزادسازی فضاهای آزاد و ورزشی مدارس جهت استفاده دانش‌آموزان و خانواده‌ها در ساعات غیرآموزشی و تدوین سند ملی تقویت ورزش مدارس از سوی شورای عالی آموزش و پرورش از جمله برنامه‌های کلی برای رسیدن به وضع مطلوب می‌باشند.



۲) حمایت و ارتقاء ورزش قهرمانی و ملی کشور

الف) وضع موجود

۱. یکی از عارضه‌های موجود در ورزش کشور، چندپارگی و چندبارگی نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر و نحوه اداره و انجام امور این نهادهای ورزشی است. به‌علاوه، گستردگی و بسط فدراسیون‌های ورزشی علی‌رغم کم بودن مخاطبان برخی از رشته‌ها و ناکارآمدی آن فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی تابعه و بعضاً فقدان ضوابط حقوقی و قانونی مدون، مشخص و شفاف در حوزه اداری و مالی با وجود حمایت‌های زیرساختی و بودجه‌ای وزارت ورزش و جوانان از جمله چالش‌های این بعد از ورزش است. قابل تأمل اینکه، بالاترین نهاد ورزش قهرمانی کشور یعنی کمیته ملی المپیک حدود ۴۰ سال است بدون شرح اساسنامه مصوب نهادهای رسمی قانونگذاری کشور در حال فعالیت است. ناکارآمدی ساختار ورزش قهرمانی کشور (به‌ازای هر دو باشگاه محلی یک هیأت ورزشی وجود دارد) و ناکارآمدی حمایت‌های مالی وزارت ورزش و جوانان (بیش از ۶۰ درصد بودجه جاری وزارت ورزش و جوانان در قالب کمک تخصیص می‌یابد) ضرورت سامان‌بخشی این بعد از ورزش قهرمانی کشور را مشخص می‌کند.
۲. به‌علاوه، ورزش کشور در شرایط کنونی بیشترین چالش‌ها را در حوزه بین‌الملل دارد. با توجه به مسائل و چالش‌های ورزشی بین‌المللی و اتخاذ رویکرد جنگ نرم در زمین ورزش، نفوذ نظام سلطه بر نهادهای مذکور به‌تبع آن مو جب شد تا چالش‌هایی از جمله کم شدن اوزان المپیکی رشته‌های مدال‌آور ایران، ایجاد تسهیلات و حمایت‌های مالی و حقوقی برای پناهنده‌های ورزشی و حضور مستقل آن ورزشکاران ذیل پرچم کمیته ملی المپیک برای حضور در مسابقات ورزشی مربوط، سلب امتیاز میزبانی مسابقات ورزشی، محکومیت، محرومیت و تعلیق اشخاص حقیقی و حقوقی ورزشی و تشدید تنش‌زایی برخی دولت‌ها در این‌باره برای کشورمان به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، ضعف مدیریت ورزشی کشور در حمایت



و هدایت و جذب و نگهداشت ورزشکاران ممتاز ملی و موضوع مهاجرت و ترک تابعیت برخی از آنها، همچنین ضعف عمده ضوابط حقوقی در عقد قراردادهای همکاری با مربیان و ورزشکاران خارجی و ضعف در ایجاد ارتباط بین‌المللی مؤثر باعث شده است تا بخشی از حقوق کشور و ملت در این حوزه تضییع شود. لذا از این حیث با ایجاد پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و امنیتی موجب خسران مادی و معنوی کشور در عرصه‌های داخلی و خارجی شود.

ب) وضع مطلوب و سرفصل کلی برنامه ها

منطقی‌سازی اندازه ورزش کشور و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور با تأکید بر بازاریابی مأموریت و ساختارهای اداری و مالی کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی تابعه به‌گونه‌ای که ساختار ورزش کشور با هدف صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و افزایش کارآمدی ورزش و شفافیت در تصمیم‌ها و اقدام‌های متخذه استقرار یابد. همچنین از جمله شرایط احراز صلاحیت اعضای هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک و هیأت‌رئیس فدراسیون، عضویت در تیم‌های ملی رشته‌های ورزشی، تسلط به زبان انگلیسی و عربی، آشنایی به اصول حقوقی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای کشور (از طریق برگزاری آزمون) قید شود. با این هدف که در رأس کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی کشور، اشخاص دارای صلاحیت‌های عمومی و شخصیت‌های شناخته شده ورزشی گمارده شوند. مضافاً حمایت‌های مادی و معنوی از قهرمانان ملی و پیشکسوتان ورزشی کشور در مصادیقی از قبیل بیمه اجتماعی، پرداخت مقرری ماهانه، جذب و استخدام و از طریق اصلاح اساسنامه صندوق اعتباری حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان ورزش و اصلاح قانون سرباز قهرمان و همچنین اصلاح وضعیت حقوقی فدراسیون‌های ورزشی و ارتقای جایگاه ورزش ملی در عرصه‌های بین‌المللی، اصلاح نظام اداری، ساختاری و مالی فدراسیون‌های ورزشی، صیانت از ارزش‌های فرهنگی، ملی و انقلابی در عرصه ورزش ملی و قهرمانی، توسعه زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به‌ویژه مناطق جنوبی و سواحل مکران نیز حائز توجه است.



۳) ساماندهی ورزش حرفه‌ای و رونق اقتصاد ورزش

الف) وضع موجود

۱. باشگاه‌های ورزشی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد توسعه و ترقی و تعالی ورزش قلمداد می‌شوند. اگرچه به لحاظ سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک به‌عنوان بالاترین و تأثیرگذارترین نهادهای ورزش شناخته می‌شوند و در لایه‌های بعدی نیز فدراسیون‌های ورزشی و ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها قدرت تأثیرگذاری دارند ولی در واقع باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای یکی از عناصر مهم وجودی ورزش هر کشور هستند. در حال حاضر موضوع حرفه‌ای و مشاغل ورزش حرفه‌ای و ضوابط بیمه‌ای و مالیاتی مشخص و مدونی در نظام حقوقی ورزش کشور وجود ندارد، برخی از باشگاه‌های حرفه‌ای به‌طور مستقیم به مؤسسه‌های دولتی وابسته‌اند، برخی نیز وابستگی‌هایی به شرکت‌های دولتی دارند؛ این در حالی است که به موجب حکم قانون برنامه پنجم و ششم توسعه، پرداخت هرگونه وجه از محل بودجه عمومی دولت برای این قبیل باشگاه‌ها ممنوع بوده، اما نحوه اداره امور آنها از حیث قواعد و ضوابط مدیریتی (موضوع شایسته‌گزینی، ثبات مدیریتی و پرهیز از سلیقه‌نگری) و مالی به‌ویژه ایجاد منابع درآمدی پایدار (پخش تلویزیونی مسابقات، حقوق مالکیت معنوی، برند، حامیان مالی و درآمدهای روز مسابقه) و نحوه هزینه‌کرد (هدررفت منابع خاصه قراردادهای بازیکنان و مربیان) از حیث حقوقی دارای ابهام‌ها و خلاءهای قانونی است.
۲. با این وجود، قریب به ۱۵ سال است که برای واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از سوی مجلس و دولت، شیوه‌های مختلفی پیش‌بینی شده است که تاکنون به سرانجام نرسیده است. باید اذعان کرد که بدون فراهم شدن زیرساخت‌های درآمدزایی باشگاه‌ها و تعیین ضوابط حقوقی و قانونی نظام باشگاه‌داری موضوع واگذاری مالکیت دو باشگاه ورزشی مذکور و حتی دیگر باشگاه‌های ورزشی بدون پیش‌نیازهای حقوقی و قانونی مربوط و عدم استقرار نظام باشگاه‌داری حرفه‌ای صرفاً رهاسازی باشگاه‌های تلقی می‌شود.
۳. وابسته بودن ورزش کشور به واردات (حدود ۷۰ درصد کالاها، اقلام و

تجهیزات ورزشی وابسته به واردات است)، گران بودن ورزش و تبدیل شدن آن به کالای لوکس، عدم شکل‌گیری باشگاه‌های ورزشی به معنای واقعی کلمه و تیم‌داری بجای باشگاه‌داری، تمرکز باشگاه‌ها بر تیم‌داری در چند رشته ورزشی محدود، عدم سرمایه‌گذاری در رشته‌های پایه و مدال‌آور، عدم حمایت حقوقی و مالی از باشگاه‌ها و نظام باشگاه‌داری، عدم پیش‌بینی لازم برای سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش حرفه‌ای در هر دو بعد باشگاه‌داری و تأمین زیرساخت ورزش حرفه‌ای و تولیدات ورزشی، عدم شفافیت در اداره امور باشگاه‌ها و ضعف در ثبات مدیریتی باشگاه‌های ورزشی.

ب) وضع مطلوب و سرفصل کلی برنامه‌ها

مدیریت مطلوب باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای کشور مستلزم تدوین، تصویب و استقرار ضوابط و نظام حقوقی مناسب تا رفع مسائل و چالش‌های فوق‌الذکر در قالب نظام جامع باشگاه‌داری کشور است. به علاوه، در حوزه ورزش حرفه‌ای، استقلال مالی باشگاه‌های حرفه‌ای در عین حال حفظ حاکمیت ملی و حاکمیت قانون و نیز پیش‌بینی ضوابط بیمه‌ای و شغلی برای ورزشکاران و نیز تعیین ضوابط حقوقی برای عقد قراردادهای دارای اهمیت است. رشته‌های ورزشی دارای اولویت سرمایه‌گذاری به ورزش‌های ملی - هویتی، ورزش‌های واجد ارزش، ورزش‌های استراتژیک، ورزش‌های پایه و پرمدال و ورزش‌های رزمی تعیین شوند. همچنین باشگاه‌های ورزشی خاص کودکان، زنان و معلولان در رشته‌های ورزشی فوق‌الذکر برای استفاده از مزایا و مشوق‌های مالیاتی و هدمند کردن رشد و اشاعه ورزش در جامعه استقرار یابند. مضافاً، «مردمی‌سازی» باشگاه‌های ورزشی با حفظ مالکیت و نظارت دولتی و امکان مدیریت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی می‌تواند در وضع موجود اقدامی راهگشا قلمداد گردد. به علاوه، ایجاد سازوکارهای حقوقی و قانونی جهت تأمین منابع درآمدی پایدار (پخش تلویزیونی مسابقات، حقوق مالکیت معنوی، برند، حامیان مالی و درآمدهای روز مسابقه)، امکان بهره‌مندی از منابع صندوق توسعه ملی برای تقویت و رشد و گسترش ورزش حرفه‌ای و قهرمانی و زیرساخت‌های و تولیدات ورزشی مربوطه و نیز پیش‌بینی معافیت مالیاتی و حمایت مالی از باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای که در رشته‌های ملی - هویتی، واجد ارزش، استراتژیک، پایه و مدال‌آور، رزمی و بانوان و رده‌های سنی پایه و همچنین در شهرهای کم جمعیت فعالیت و تیم‌داری می‌کنند، از جمله بسترهای لازم جهت ساماندهی ورزش حرفه‌ای و رونق اقتصاد ورزش می‌باشد.





برنامه عمومی

(برنامه کوتاه مدت و میان مدت)





ورزش مدارس



مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های ورزش مدارس در کشور را با مدل سه شاخگی می‌توان تشریح کرد. در مدل سه شاخگی، پدیده‌های سازمانی و مرتبط با مدیریت در سه دسته عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای بررسی و تحلیل می‌شوند. علت نامگذاری این مدل به سه شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به‌گونه‌ای است که هیچ پدیده یا رویدادی در سازمان / مسأله مورد بررسی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت پذیرد. این مدل یکی از بهترین گزینه‌ها برای آسیب‌شناسی مباحث سیستمی / سازمانی و سطح کلان است. این مدل در این برنامه؛ بر زیرساخت، روساخت و فرایندها در ورزش مدارس کشور متمرکز است.

الف) مسائل مربوط ورزش مدارس به عنوان مبنای ورزش‌های سلامت محور و رقابت محور

مسأله ۱: ضعف در کمیت و کیفیت فضاها و تجهیزات ورزشی مدارس

سرانه فضای ورزش مدارس حدود ۰/۳ مترمربع است؛ نبود ردیف بودجه‌ای برای احداث فضاهای ورزشی مناسب برای دانش‌آموزان، تجهیزات حداقلی ورزش مدارس و استفاده از حیاط مدارس به‌عنوان یک مکان نایمن و بدون

استانداردهای حداقلی برای دانش‌آموزان به ویژه برای دانش‌آموزان دختر، کاهش فضای حیاط مدارس در نقاط شهری و عمدتاً در مدارس غیردولتی و ایجاد آسیب‌های جسمانی ناشی از فعالیت بدنی دانش‌آموزان در حیاط نایمن مدارس و به دور شدن دانش‌آموز از فعالیت بدنی و ورزش، ترس از حضور در برنامه‌های ورزشی و تفاوت سطح آمادگی جسمانی دانش‌آموزان و منزوی شدن برخی از ایشان از جمله مسائل زیربنایی است که اثربخشی و کارآمدی ورزش مدارس را به حداقل می‌رساند. مضافاً یکی از مشکلات اساسی در حوزه ورزش مدارس، عدم ضابطه‌گذاری شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص استانداردهای ورزش مدارس است. این شورا علی‌رغم تصویب شاخص‌های آموزشی در مصوبه ۸۸۶، هیچ استاندارد برای ورزش مدارس از جهت سرانه ورزشی، نسبت دانش‌آموز به معلم ورزش و... تعریف نکرده است. نکته دیگر اینکه نزدیک به ۲ میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی مشغول به تحصیل هستند. اما این شورا تاکنون ضوابط فضا و تجهیزات حاکم بر این مدارس را به تصویب نرسانده است. در صورتی که بر اساس زیرنظام فضا و تجهیزات مصوب آن شورا، مکلف به این کار بوده است. پیامد این امر وضعیت بسیار نامطلوب زیرساخت ورزشی در مدارس غیردولتی است.

مسئله ۲: بی‌توجهی به نداشت نهادی برای ایجاد تحول در ورزش مدارس و عدم استفاده از ظرفیت دیگر دستگاه‌های اجرایی

عدم اهتمام به احداث اماکن ورزشی در نزدیکی مدارس، عدم پیش‌بینی لازم برای استفاده مدارس از فضاهای ورزشی دولتی در ساعات آموزشی مدارس و عدم نگرش و هم‌افزایی نهادی برای اشتراک امکانات و تجهیزات ورزشی با مدارس، ضعف رویکرد سیستمی و ضعف در تفاهم بین‌نهادی و شبکه‌سازی اجتماعی، عدم استفاده از ظرفیت ۳۵۰۰۰ هزار معلم ورزش در استقرار نظام مدیریت استعداد و شناسایی و پرورش استعدادها و ورزشی از دیگر مسائل ورزش مدارس است.

مسأله ۳: عدم نقش آفرینی و ارتباط متقابل مدرسه و محله به ویژه در

حوزه ورزش

«مدرسه محوری» و «مدرسه کانون محله» از شعارهای اصلی سند تحول بنیادین است. بر اساس راهکار (۷-۱) سند تحول بنیادین، باید زمینه‌های لازم برای نقش آفرینی مدرسه به عنوان کانون کسب تجربیات تربیتی محله فراهم شود و بر همین اساس در نقشه راه زیرنظام‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)، برنامه‌هایی همچون بازنگری مقررات و آیین‌نامه‌ها با تأکید بر آیین‌نامه اجرایی مدارس با رویکرد کاهش تمرکز و افزایش اختیارات مدرسه در ارائه خدمات ورزشی، طراحی برنامه عمل و نقشه راه همکاری متقابل آموزش و پرورش و مدارس با سایر سازمان‌ها و مراکز فرهنگی، مذهبی و ورزشی محلات و طراحی سازوکارهای امکان استفاده مشترک مدرسه و محله از فضای مدرسه برای افزایش بهره‌وری فضاهای آموزشی و تربیتی با تأکید بر استفاده مشترک از نمازخانه و امکانات ورزشی به تصویب رسیده‌اند، اما متأسفانه با گذشت چند سال، تاکنون این برنامه‌ها به اجرا درنیامده‌اند. در حالیکه اجرای این برنامه‌ها می‌تواند این خلاء اساسی را پوشش دهد. در همین مصوبه نیز ذیل راهکار (۲-۷) سند تحول بنیادین با موضوع نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله، برنامه‌ای درخصوص ظرفیت‌سازی برای ارتقاء جایگاه مدرسه به عنوان پایگاه اطلاعاتی محله با مشارکت و همکاری سایر دستگاه‌ها و مراکز جهت ارائه خدمات ورزشی در نظر گرفته شده است، که این برنامه نیز متأسفانه تاکنون به اجرا درنیامده است.

مسأله ۴: کمبود معلم ورزش و ضعف در محتوا و برنامه درسی ورزش در مدارس

یکی از شاخص‌های مهم در دسترسی به فرصت آموزش در ورزش مدارس، نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم ورزش است. بالغ بر ۵۰۰ هزار کلاس درس دولتی در کشور وجود دارد با فرض اینکه هر ۱۲ کلاس نیازمند یک معلم ورزش است (هر کلاس درس در هفته ۲ ساعت درس تربیت بدنی و ورزش داشته باشد)، با وضعیت فعلی بالغ بر یکصد هزار کلاس درس از داشتن معلم ورزش بی بهره هستند. با این حال، جذب ۱۵ هزار معلم ورزش طی ۱۰ سال اخیر هرچند از حیث شکلی تغییری در ورزش مدارس ایجاد کرده اما از حیث ماهوی نتوانسته مبنای تحولی در این باره



ایجاد کند که تا حدود زیادی به اشکال‌های مترتب بر دو ساحت دیگر تحولی یعنی محتوا (برنامه درسی) و مدرسه (فضا و تجهیزات) برمی‌گردد. بنابراین اگر، تحول در ورزش مدارس را بر مثلث معلم، محتوا و مدرسه فرض بدانیم در هر ۳ ضلع به ویژه در موضوع محتوا و مدرسه (فضا) با مسائل و چالش‌های جدی مواجهه هستیم.

راهکارها:

۱. تدوین سند ملی ورزش مدارس کشور با هدف تقویت و حمایت از ورزش دانش‌آموزی
۲. بهینه‌سازی و استانداردسازی حیات مدارس به‌عنوان فضای ورزشی ایمن و مناسب برای دانش‌آموزان
۳. امکان استفاده دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان از فضای آزاد و حیات مدارس برای انجام فعالیت بدنی در ساعات غیرآموزشی
۴. امکان برخورداری از عواید حاصل از مالیات بر ارزش افزوده جهت ورزش مدارس و دائمی نمودن حکم ماده ۹۴ قانون برنامه ششم توسعه موضوع ۲۷ صدم درصد از مالیات بر ارزش افزوده برای توسعه ورزش مدارس، همگانی، قهرمانی و بانوان و پهلوانی و زورخانه‌ای و ورزش عشایری و روستایی
۵. مکلف شدن سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور به رعایت ضوابط و استانداردهای ورزشی مقرر در زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری و حسب مورد مقررات شورای عالی آموزش و پرورش در احداث، تکمیل، تجهیز، نوسازی یا بهسازی فضاهای آموزشی کشور
۶. امکان استفاده از زیرساخت‌های ورزشی دستگاه‌های اجرایی برای مدارس در ساعات آموزشی
۷. اولویت در احداث، بهینه‌سازی و مناسب‌سازی فضای آزاد و حیات مدارس به‌عنوان زیرساخت ورزشی ایمن توسط شهرداری‌ها و وزارت ورزش و جوانان
۸. تشویق خیرین و شرکت‌های دولتی به احداث مکان و فضای ورزشی سرپوشیده در حیات مدارس با پیش‌بینی حمایت‌های قانونی از آنها
۹. اعطای تسهیلات و مشوق‌های مالیاتی به بخش غیردولتی در صورت به



اشتراک‌گذاری زیرساخت ورزشی با مدارس

۱۰. پیگیری و الزام در راستای انجام برنامه‌هایی همچون بازنگری مقررات و آیین‌نامه‌ها با تأکید بر آیین‌نامه اجرایی مدارس با رویکرد کاهش تمرکز و افزایش اختیارات مدرسه در ارائه خدمات ورزشی، طراحی برنامه عمل و نقشه راه همکاری متقابل آموزش و پرورش و مدارس با سایر سازمان‌ها و مراکز فرهنگی، مذهبی و ورزشی محلات و طراحی سازوکارهای امکان استفاده مشترک مدرسه و محله از فضای مدرسه برای افزایش بهره‌وری فضاهای آموزشی و تربیتی و نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله و همچنین برنامه ارتقای جایگاه مدرسه به عنوان پایگاه اطلاعاتی محله با مشارکت و همکاری سایر دستگاه‌ها و مراکز جهت ارائه خدمات ورزشی
۱۱. تأمین و توانمندسازی معلمان ورزشی مدارس
۱۲. بازنگری در برنامه درسی ملی و تدوین محتوای درسی مورد نیاز درس تربیت بدنی و ورزش مدارس به گونه‌ای که هر دانش‌آموز در هر پایه تحصیلی با تأکید بر پایه‌های متوسطه مبتنی بر آمایش سرزمینی حداقل یک رشته ورزشی را آموزش ببیند.
۱۳. تأمین تجهیزات و ابزار انتقال محتوا (در مباحث قبلی شرح آن رفت)
۱۴. توانمندسازی معلمان ورزش از طریق دوره‌های آموزشی با استفاده از ظرفیت هیأت‌های ورزشی و عضویت تعداد بیشتر از معلمان ورزشی در مجمع عمومی هیأت‌های مزبور (حداقل ۴ عضو هیأت‌های ورزشی استان‌ها از معلمان ورزش به انتخاب خود آنها باشند).
۱۵. رصد نظام‌مند میزان آمادگی جسمانی دانش‌آموزان و ارائه برنامه ورزشی با امکان استفاده از فضاهای ورزشی مدارس در ساعات غیرآموزشی
۱۶. افزایش تعداد ساعات و اوقات ورزش و ترتیب آن به نحوی که به غیر از ایام تعطیل همه روزه در کلیه مدارس، دانش‌آموزان فعالیت ورزشی را تحت مدیریت و نظارت مدارس به عمل آورند.
۱۷. انجام فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در مدارس در خارج از ساعات آموزشی و ایام تعطیل با امکان استفاده از ظرفیت‌های مردمی مجاز شود.



ورزش همگانی
(همگانی شدن ورزش)



میزان مشارکت مردم ایران در فعالیت‌های بدنی و ورزشی نسبت به میانگین جهانی بسیار پایین است، حدود ۴۸/۹ درصد مردم ایران هیچ‌گونه فعالیت بدنی و ورزشی ندارند و همچنین حدود ۶۶ درصد نیز فعالیت بدنی و ورزشی مؤثری ندارند. از سوی دیگر، توزیع جمعیتی افراد فعال و نیز چاق در استان‌های مختلف کشور رویه یکسانی ندارد و کاملاً از حیث جغرافیایی متفاوت است که برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمینی را می‌طلبد. از حیث دامنه سنی، کم‌تحرك‌ترین افراد در بازه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال قرار دارند. مطابق داده‌های مرکز ملی آمار این مدت زمان فعالیت طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ بدون تغییر به میزان ۱۵ دقیقه بود و در سال ۱۳۹۶ به ۲۷ دقیقه افزایش یافت که می‌تواند ناشی از اثر مداخله حکم حمایتی قانون برنامه ششم توسعه پیش بینی شده از سوی قانونگذار، مبنی بر هزینه کرد بخشی از منابع حاصل از مالیات بر ارزش افزوده برای توسعه ورزش همگانی باشد. این رقم زمانی معنا پیدا می‌کند که میانگین زمان حضور روزانه افراد در شبکه‌های اجتماعی سال ۱۳۹۶ بیش از یک ساعت با پرداخت هزینه به مراتب بسیار کمتر را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، رمز موفقیت ورزش در هر کشوری پشتیبانی مالی و اعمال نظارت مستمر در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های این حوزه است، بدون منابع مالی پایدار و شفافیت و نظارت در موارد مصرف در بخش ورزش، اجرای

سیاست‌های توسعه ورزش با شکست مواجه خواهد شد. در ایران، ورزش همگانی از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌شود، از درآمدهای مالیاتی سهم دارد، از کمک خیرین نیز بهره‌مند است، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار است، رسانه عمومی نیز از این بخش حمایت معنوی می‌کند و به ترویج و تعمیم این بخش می‌پردازد. واقعیت این است که امروزه ورزش ایران فاقد یک نظام استعدادیابی مبتنی بر آمایش ورزش همگانی و قهرمانی می‌باشد. برخی رشته‌های ورزشی و فدراسیون‌های مربوط براساس گرایش‌ها و سلائق فردی مسئولان ورزشی در کشور توسعه یافته‌اند و خود باعث ایجاد مسائل و چالش‌هایی برای مدیریت کارآمد و اثربخش موضوع شده است. در همین راستا، ارتباط ارگانیک نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی به‌عنوان منبع پرورش استعدادها و ورزشی با نظام استعدادپروری ورزش کشور قطع بوده و متأسفانه هیچ سازوکاری برای استعدادیابی و استعدادپروری با رویکرد بین‌بخشی مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه سهم برنامه‌های ورزش همگانی در استعدادیابی نیز نامشخص و مبهم است و برنامه‌ای برای استفاده از ظرفیت بیش از ۲۵۰۰۰ باشگاه ورزشی عمومی و ۳۵۰۰۰ معلم ورزش در حوزه استعدادیابی ورزشی مشاهده نمی‌شود.

الف) مسائل، موانع و چالش‌های مدیریتی (سیاستی و اجرایی)

مسئله ۱: کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و

ارزان ورزش همگانی

در اکثر کشورهای پیشرفته، مشوق‌های قانونی کارآمدی برای حمایت از ورزش همگانی پیش‌بینی شده است، در حالی‌که در ایران این حمایت‌ها فاقد کارآمدی لازم هستند و طی سال‌های گذشته نمودی هدفمند و اثربخش نداشته‌اند. ازجمله این حمایت‌ها می‌توان به مشوق‌های مالیاتی اشاره کرد که متأسفانه در ایجاد انگیزه برای فعالان بخش خصوصی به‌منظور هزینه‌کرد در بخش ورزش همگانی مؤثر نبوده است و اکثر فعالان بخش خصوصی و صاحبان صنایع، علاقه‌مند به سوق دادن بودجه‌های خود به سمت ورزش حرفه‌ای هستند و به دلیل اهداف تبلیغاتی آنها، این نوع گرایش ازسوی بخش خصوصی طبیعی

به نظر می‌رسد. از دیگر مشوق‌های فعال بخش ورزش همگانی، مشوق‌های بیمه‌ای است که متأسفانه سازوکاری ازسوی بیمه‌ها برای کاهش هزینه‌های بیمه‌ای و استفاده از ظرفیت بیمه‌ها برای ترغیب مردم به ورزش و پیشگیری از بیماری‌ها مشاهده نمی‌شود. هرچند، مطابق ماده (۱۳۴) قانون مالیات‌های مستقیم، مؤسسات ورزشی از پرداخت مالیات معاف هستند، اما در این خصوص هیچ نوع اولویتی برای باشگاه‌ها و نوع فعالیت‌های ورزشی پیش‌بینی نشده است. این امر باعث شده تا تراکم باشگاه‌ها در برخی رشته‌ها از قبیل بدنسازی و پرورش اندام وجود داشته باشد و در سوی مقابل در برخی از رشته‌های پایه و مادر در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای مانند ژیمناستیک و دوومیدانی و رده‌های سنی پایه و نیز ویژه بانوان؛ کمبودهای جدی از حیث باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی وجود داشته باشد. مؤسسات ورزشی درحالی از پرداخت مالیات معاف هستند که خدمات آنها مشمول مالیات بر ارزش افزوده می‌شود؛ این یعنی اینکه باشگاه‌دار از پرداخت مالیات معاف بوده و خدمات‌گیرنده که شامل عموم مردم هستند مشمول پرداخت ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده هستند، لکن مطابق ماده (۱۲) این قانون، خدمات بهداشتی از پرداخت مالیات معاف هستند. لذا، ایجاد مالیات بر ارزش افزوده بر خدمات ورزشی و تربیت بدنی از یک سو با روح حاکم بر بند «۳» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح منافات دارد و ازسوی دیگر با گران شدن ورزش می‌تواند موجب کاهش مشارکت مردم در فعالیت‌های ورزشی سلامت‌محور شود.

نکته حائز اهمیت دیگر در این خصوص اینکه در قانون برنامه ششم توسعه و حکم موضوع ماده (۹۴) نقش قوه قانونگذار و همچنین برنامه‌ریزی و پیشنهاد دقیق و به‌جای دولت در راستای ارائه مشوق‌های کارآمد و هدفمند بسیار روشن است (۰/۲۷) درصد از یک واحد درصد مالیات بر ارزش افزوده در راستای توسعه ورزش همگانی؛ زیرا طبق آمار ارائه شده مرکز ملی آمار در خصوص میزان زمان ورزش کردن افراد شرکت‌کننده ۱۵ سال و بالاتر سراسر کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ تغییری حاصل نشد و میزان حضور در فعالیت‌های ورزشی ۱۵ دقیقه محاسبه شد ولی طبق آماری که همین مرکز در سال ۱۳۹۶ ارائه داد میزان حضور در فعالیت‌های بدنی و ورزش افراد ۱۵ سال و بالاتر سراسر کشور از ۱۵ دقیقه به ۲۷ دقیقه افزایش داشت و این افزایش ۱۲ دقیقه‌ای می‌تواند معنادار



باشد و قطع‌به‌یقین ناشی از حکم موضوع ماده (۹۴) است. بنابراین این مورد، یکی از آن نمونه‌های مشوق و هدفمند بوده است.

مسئله ۲: جذاب بودن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای دولت‌مردان و رسانه‌ها

ورزش همگانی در مقایسه با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، از جذابیت کمتری برخوردار است، ورزش همگانی با کمترین تماشاگر و بالاترین شرکت‌کننده همراه است و این درست برخلاف ورزش حرفه‌ای و قهرمانی است که در آن تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش حداقل و تماشاگران آن زیاد است و حضور تماشاگران در این نوع ورزش مرکز توجه مدیران ورزش‌های حرفه‌ای و قهرمانی است و شاید بتوان گفت که استقبال جامعه از ورزش قهرمانی و حرفه‌ای بر رویکرد مدیران ورزش کشور درخصوص اولویت بخشیدن به این نوع ورزش اثر داشته است.

بنابراین، وزارت ورزش و جوانان بیشتر به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و امور مربوط مشغول است. در صورتی که ورزش قهرمانی باید زیر نظر کمیته ملی المپیک باشد و وزارت ورزش و جوانان به سلامت عموم مردم توجه داشته باشد و بتواند با اجرای برنامه‌ها به ترویج و تعمیم ورزش همگانی و تقویت پایه ورزش قهرمانی کمک کند. یکی از دلایل اصلی چنین رویکردی، حضور افراد غیرورزشی در رأس امور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ساختارهای اصلی ورزش کشور مانند وزارت، کمیته ملی المپیک و حتی فدراسیون‌های ورزشی است و بنا به طبع سیاسی خود، تلاش می‌کنند که هم‌راستا و هم‌جهت افکار عمومی حرکت کنند و ندانسته و یا دانسته با پرداختن صرف به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و جاذبه‌های آن و دوری جستن از فراهم‌سازی سازوکار و ساختار مناسب برای نهادینه کردن ورزش همگانی، مردم را به‌جای ورزشکار شدن به سمت تماشاگر و هوادار شدن صرف سوق می‌دهند و در بلندمدت، جامعه فرسوده و سرشار از بیمار می‌شود و با توجه به پیش‌بینی‌های جمعیتی کشور، اگر برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی صورت نگیرد در سال ۱۴۱۵ کشور به سمت سالمندی و بیماری‌های متعدد و افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی می‌رود. ازسوی دیگر، اگر برنامه‌ریزی و اجرای منسجم و یکپارچه‌ای در حوزه ورزش همگانی انجام گیرد و در این راستا بسیج عمومی صورت پذیرد قطعاً از مزایای بی‌شمار این حوزه



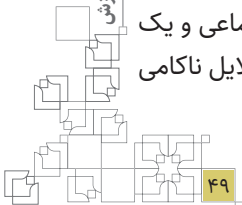
چون افزایش سلامت و نشاط در جامعه، کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی، افزایش بهره‌وری نیروی کار جامعه، قانونمند کردن کنش‌های اجتماعی بر مبنای قواعد رسمی و آیین و رسوم می‌توان بهره‌مند شد.

مسئله ۳: جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر در حوزه ورزش همگانی

یکی دیگر از چالش‌های ورزش همگانی کشور، فعالیت‌های جزیره‌ای نهادها و دستگاه‌های اجرایی فعال در بخش ورزش به‌علت تقسیم کار طولی است که این امر به میزان چشمگیری به کاهش اثربخشی اقدامات انجام شده در راستای توسعه ورزش کشور، منجر شده است. یکی از نتایج فقدان هم‌افزایی میان نهادهای متولی بخش‌های مختلف ورزش کشور، هدررفت سرمایه‌ها و درعین‌حال کمبود بهره‌گیری اثربخش بخش‌های مختلف ورزش کشور نظیر آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شهرداری‌ها، نیروهای مسلح و وزارت ورزش و جوانان از ظرفیت‌ها و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری یکدیگر است. ضمن اینکه کوتاه‌مدت‌نگری در کلان ورزش کشور حاکم بوده و همین امر به فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و پایبندی به اجرای آن منجر شده است.

امروزه در ساختار ورزش ایران، هیچ امکانی برای همکاری بین‌بخشی تعریف نشده است. نه‌تنها نهادهای دولتی فاقد انگیزه لازم برای قرار دادن اماکن ورزشی خود در اختیار یکدیگر هستند، بلکه این همکاری در سطح اماکن ورزشی سطح محلی نیز اتفاق نمی‌افتد. به‌عنوان مثال؛ بسیار تأسفبار است که در یک محله، استخری دولتی وجود داشته باشد و ساکنان یک محله (و حتی کارکنان دولتی ساکن در همان محل) فاقد امتیاز و فرصت لازم برای استفاده از آن مکان ورزشی باشند. البته باید اشاره کرد برخی قوانین و مقررات موجود نیز، زمینه بروز این چالش را فراهم کرده‌اند.

تجربیات موجود در ایران و دیگر کشورها نشان داده است که یک نهاد خاص با امکانات گسترده و توانمند به تنهایی نمی‌تواند موجب افزایش مشارکت مردم در ورزش همگانی شود، زیرا ورزش همگانی یک محصول اجتماعی و یک فرآورده بین‌بخشی و خروجی کل جامعه است؛ بنابراین یکی از دلایل ناکامی



برنامه‌های فعلی، جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر در این حوزه است. اگر یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر مبتنی بر برنامه‌ای منسجم و یکپارچه در حوزه ورزش همگانی تهیه و تدوین شود، که در آن جایگاه و سهم هر کدام از دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نقش تعیین شود تا حدود زیادی از هدررفت منابع ملی جلوگیری می‌کند و اگر هماهنگی دقیق و به‌جایی در این راستا صورت پذیرد و به‌صورت منظم پیگیری شود قطع‌به‌یقین به هم‌افزایی منجر خواهد شد.

مسئله ۴: ضعف وزارت ورزش و جوانان در مدیریت و سیاستگذاری کلان

این حوزه

بر کسی پوشیده نیست که وزارت ورزش و جوانان عالی‌ترین سازمان مسئول ورزش کشور است، بنابراین، برنامه‌های صحیح و اصولی این وزارتخانه می‌تواند موجبات توسعه ورزش همگانی در کشور را فراهم کند. بدین منظور، ضروری است که وزارت ورزش و جوانان به تدوین برنامه راهبردی توسعه ورزش همگانی کشور اقدام کرده و زمینه اجرای مناسب آن را با تدوین برنامه اجرایی توسعه ورزش همگانی کشور با تأکید بر ادارات و سازمان‌های مختلف تابعه فراهم آورد. از سوی دیگر، لازم است که وزارت ورزش و جوانان دست‌یاری به‌سمت سازمان‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش دراز کند تا با همفکری و هماهنگی به طراحی برنامه‌ای ملی در این خصوص اقدام کنند تا هم‌افزایی موجود موجب رشد و گسترش ورزش همگانی در بین اقشار مختلف جامعه شود. همچنین، ضروری است که در این وزارتخانه توجه بیشتری به ورزش همگانی در مقایسه با سایر بخش‌های ورزش صورت پذیرد و از نگاه تک‌قطبی به ورزش کاسته شود. بدین منظور بایستی بودجه بیشتری برای توسعه ورزش همگانی در نظر گرفته شود و موانع پیش‌روی توسعه ورزش همگانی مرتفع شود. نظارت دقیق، همه‌جانبه و کامل بر اجرای برنامه‌های سایر ادارات و سازمان‌های ورزشی سراسر کشور نیز امری ضروری است و با این کار می‌توان بر توسعه ورزش کشور نظارت داشته و در صورت مواجهه با مشکلات خاصی، هرچه سریع‌تر نسبت به رفع آنها اقدام شود. از سوی دیگر، از میان دستگاه‌های اجرایی، تعداد معدودی از دستگاه‌ها مشخصاً مأموریت ارائه خدمات ورزشی به عموم مردم را برعهده دارند که می‌توان



به شهرداری‌ها، فدراسیون و هیأت‌های ورزش همگانی استان‌ها و شهرستان‌ها، فدراسیون و هیأت‌های ورزش روستایی و عشایری استان‌ها و شهرستان‌ها، ادارات کل ورزش و جوانان در استان‌ها و شهرستان‌ها، سایر هیأت‌های ورزشی و نهادهای مرتبط با بسیج ورزشکاران در استان‌ها و شهرستان‌ها اشاره کرد. شواهد نشان می‌دهند؛ نهادهای مذکور فاقد کمترین تعامل و هماهنگی در موضوع اجرای برنامه‌های ورزش همگانی هستند و سازوکار مشخصی برای هم‌افزایی اقدامات اجرایی به‌ویژه در سطح کلان‌شهرها، شهرستان‌ها و روستاها مشاهده نمی‌شود. این تعاملات، معمولاً قائم به فرد بوده و همین موضوع زمینه رفتارهای مقطعی مدیران سطوح مختلف را فراهم کرده است. حتی شورای ورزش همگانی استان‌ها که معمولاً با ریاست استانداران تشکیل می‌شوند فاقد اثربخشی لازم بوده و خروجی‌های پایدار و مشخصی پیرامون عملکرد آنها مشاهده نمی‌شود.

در میان نهادهای متولی ورزش همگانی، فدراسیون ورزش‌های همگانی از ظرفیت بالایی برای خلق ایده‌های جدید و کارآمد در این حوزه برخوردار است که البته بخش بسیاری از توان این فدراسیون در سال‌های اخیر صرف برگزاری مسابقات، دوره‌های آموزشی و درآمدزایی از این طریق شده است. انحلال فدراسیون آمادگی جسمانی و تمایل دو فدراسیون ورزش همگانی و بدنسازی و پرورش اندام به کشاندن گرایش‌های تخصصی آمادگی جسمانی به‌سمت خود، آن هم به‌دلیل اقبال عمومی مربیان و ورزشکاران به این گرایش‌ها، زمینه برخی چالش‌ها و موازی‌کاری‌ها در سال‌های اخیر را فراهم کرد. وجود بیش از ۵۰ انجمن و کمیته تخصصی در فدراسیون ورزش‌های همگانی و فقدان سازوکار مشخص برای پایش تعداد اعضای تحت پوشش این انجمن‌ها و کمیته‌ها، زمینه افزایش حجم شدن بیش از حد این فدراسیون را فراهم کرده و در بعضی مواقع زمینه تداخل عملکرد این انجمن‌ها و کمیته‌ها با هیأت‌های ورزشی استانی را ایجاد کرده است. نکته دیگر اینکه؛ تعداد افراد تحت پوشش برنامه‌های این فدراسیون مشخص نیست و سنج و شاخص خاصی نیز برای پایش آن مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی فدراسیون ورزش‌های همگانی به‌رغم ظرفیت بالای درآمدزایی و برنامه‌ریزی‌های منظم و دوره‌ای برای برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با ورزش همگانی،



از خروجی ملموس و قابل مشاهده‌ای در سال‌های اخیر برخوردار نبوده و حتی در برقراری پیوند میان نهادهای ذی‌نفع حوزه ورزش قهرمانی نیز موفق نبوده است. در این میان، تمرکز فدراسیون‌های ورزش کارگری، ورزش دانش‌آموزی و ورزش دانشجویی بر ورزش قهرمانی این افشار بوده و زمینه انحراف جدی در جهت‌دهی اعتبارات این فدراسیون‌ها را فراهم کرده است. به‌نظر می‌رسد برگزاری انتخابات برای این‌دسته از فدراسیون‌های حاکمیتی و مأموریت‌محور، این تشکل‌ها را از رسالت واقعی خود دور کرده و آنها را به‌سمت نتیجه‌گرایی صرف سوق داده است. در همین راستا؛ نقش فدراسیون ورزش‌های روستایی و عشایری و بازی‌های بومی و محلی هم قابل بررسی است.

به‌طور کلی؛ در حالی‌که از منظر قانونگذار، وزارت ورزش و جوانان متولی و پاسخگویی وضعیت ورزش همگانی کشور است، در واقع فدراسیون‌های حاکمیتی و مأموریت‌محور ورزش کشور مانند فدراسیون ورزش‌های همگانی و فدراسیون ورزش‌های روستایی و عشایری و بازی‌های بومی و محلی که در راستای اجرای سیاست‌های این وزارتخانه و با هدف پر کردن خلاءهای تشکیلاتی تشکیل شده‌اند، تدریجاً به‌سمت قوانین و شرایط حاکم بر فدراسیون‌های المپیک سوق پیدا کرده و این در حالی است که از منظر نهادهای بین‌المللی، الزامی برای این موضوع وجود ندارد.

مسئله ۵: هزینه نشدن بودجه ورزش همگانی در محل مناسب

در حال حاضر، تمرکز برنامه‌های ورزش همگانی کشور، پیش از آنکه موضوع ارتقای سطح سلامت عمومی و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر را دنبال کند؛ برنامه‌هایی نمایشی، تبلیغاتی و در بهترین حالت انگیزشی هستند که توان ایجاد تغییر رفتار در مخاطبان خود را ندارند. برگزاری همایش‌های پیاده‌روی با جمعیت انبوه و با امتیاز پخش مستقیم تلویزیونی، آن هم با هدف اعطای جوایز و خودرو به شرکت‌کنندگان، نمی‌تواند راهکاری اثربخش محسوب شود. براساس آمارهای رسمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بیش از ۶۰ درصد مردم ایران دارای کم‌تحرکی به میزان مصرف کمتر از ۶۰۰ کیلوکالری در هفته هستند. این آمار از احتمال افزایش بی‌رویه بیماری‌های غیرواگیردار در آینده نزدیک، آن هم به‌دلیل فقدان تحرک لازم خبر می‌دهد. بر این اساس،

تزریق بودجه بیشتر به بخش ورزش با هدف پیشگیری از بیماری‌ها، رویکرد عاقلانه‌ای است که با سؤال‌های جدی روبه‌رو است. اینکه تداوم وضعیت موجود ورزش همگانی کشور، تا چه اندازه می‌تواند در ارتقای سلامت عمومی مردم و کاهش بیماری‌های غیرواگیر مؤثر باشد؟ و آیا بودجه دولتی بیشتر، زمینه بهبود این روند را منجر می‌شود؟، تزریق اعتبارات ۲۷٪ درصد از مالیات بر ارزش افزوده در قالب برنامه ششم توسعه تا چه حد توانسته است بر تغییر رفتار و بهبود وضعیت سلامت عمو می جامعه تأثیرگذار باشد؟، سؤال‌های مهمی که پاسخ‌های صریحی برای آنها وجود ندارد و ضرورت تجدیدنظر در رویکردهای فعلی ورزش همگانی کشور را به سیاستگذاران یادآور می‌شود.

آنچه مسلم است در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش با صرفه‌جویی‌های اقتصادی قابل پیش‌بینی و قابل محاسبه‌ای همراه است و بر این اساس سیاستگذاران به دنبال راهکاری برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در این حوزه هستند؛ از دلایل این امر می‌توان به استانداردهای بالا و کیفیت قابل قبول برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی در کشورهای توسعه‌یافته اشاره کرد؛ موضوعی که شرکت‌های بیمه‌ای را به اولین علاقه‌مندان سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش سلامت‌محور تبدیل کرده است. به هر ترتیب در ایران، سنجه استاندارد و قابل محاسبه‌ای برای بررسی میزان اثربخشی ورزش و سهم آن در تولید ناخالص داخلی و همچنین سهم آن در سلامت عمومی وجود ندارد و به همین دلیل رغبتی ازسوی نهادهای حوزه سلامت برای سرمایه‌گذاری در بخش ورزش سلامت‌محور مشاهده نمی‌شود.

نکته دیگر، ورود بخش خصوصی به موضوع ورزش همگانی در قالب باشگاه‌های بدنسازی و تناسب اندام است. شواهد نشان می‌دهد موضوع فعالیت حدود ۷۵ درصد باشگاه‌های ورزشی کشور، بدنسازی و خدمات تناسب اندام است. آماری که در ظاهر خوشایند به نظر می‌رسد، ولی در واقعیت، به ظهور چالش‌های جدیدی در حوزه سلامت و اجتماع منجر شده است؛ علاوه بر برخی از کارکردهای سوءفرهنگی. اجتماعی این قبیل فعالیت‌ها و عدم سنخیت آنها با فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه ایرانی، گزارش مرگ‌های ناشی از مصرف مکمل‌های غیرمجاز، دوپینگ و رواج دارو در باشگاه‌های ورزشی، آن هم توسط مریبان، نگرانی‌ها در این زمینه را افزایش داده و شائبه تبدیل باشگاه‌های

بدنسازي به محیط‌های تهدیدکننده سلامت را بالا برده است. مکانی که باید محل ارتقای سلامت باشد، به دلیل سیاست‌های نادرست و فقدان برنامه کارآمد، به تشکلی کاملاً اقتصادی با کارایی مبهم تبدیل شده است. در همین راستا، اعتباربخشی باشگاه‌های ورزشی از منظر سلامت، تشدید نظارت بر عملکرد آنها و هدفمند شدن تسهیلات و مشوق‌های اعطایی از قبیل معافیت‌های مالیاتی، راهکار اجرایی و تقنینی بسیار مهمی است که می‌بایست در کوتاه‌ترین زمان ممکن طرح‌ریزی و عملیاتی شود.

بودجه دولتی یکی از اهرم‌های مهم دولت در توسعه این ورزش است. در اغلب کشورها بودجه ورزش همگانی بیشتر از سایر بخش‌هاست. این موضوع اهمیت ورزش همگانی را در جوامع بشری نشان می‌دهد. در کشور ما و در بودجه سالانه وزارت ورزش و جوانان نیز بیشترین میزان و درصد به توسعه ورزش همگانی اختصاص داده می‌شود ولی عملکرد، بررسی‌ها و خروجی‌ها نشان می‌دهد که این بودجه در ردیف تعیین شده یا متناسب با اهداف تعمیم ورزش همگانی برای آحاد ملت هزینه نمی‌شود.

مسأله ۶: ضعف شاخص و نظام آماری مدون و مشخص در حوزه ورزش

همگانی

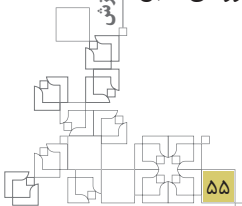
با وجود گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، متأسفانه هنوز آمار دقیق و قابل دفاعی در مورد وضعیت فعالیت بدنی ایرانیان و میزان مشارکت آنها در برنامه‌های ورزش همگانی وجود ندارد. مبنای جمع‌آوری داده‌های آماری نامشخص است و بر این اساس امکان پایش برنامه‌ها و اقدامات اجرایی نیز وجود ندارد. در حال حاضر مهم‌ترین شاخص حوزه ورزش همگانی، «تعداد اقدام‌های انجام شده» است که به‌عنوان مثال؛ برگزاری تعداد جشنواره‌ها یا همایش‌های ورزشی، به ملاکی برای ارزشیابی عملکرد نهادهای متولی ورزش همگانی تبدیل شده است. شاخصی که مبتنی بر اقدام‌ها می‌باشد و هیچ ملاکی برای سنجش پیامدها و درنهایت تأثیر آنها وجود ندارد.

ب) مسائل، موانع و چالش‌های ساختاری

مسئله ۱: مشکلات اقتصادی مردم

بر کسی پوشیده نیست که با وجود اهمیت ورزش برای سلامت جسمی و روحی، فشارهای اقتصادی و مشکلات مختلف موجب شده تا ورزش خیلی در سبد خانوار قرار نگیرد. شرایط نامساعد اقتصادی دلیل بسیاری از افراد برای شرکت نکردن در فعالیتهای ورزشی است. وضعیت خوب اقتصادی باعث شرکت بیشتر افراد در فعالیتهای اوقات فراغت و همچنین فعالیتهای ورزشی تفریحی در اوقات فراغت می‌شود. بر همین اساس واضح است که وضعیت اقتصادی مناسب می‌تواند جوانان و خردسالان یک خانواده را نیز بیشتر درگیر فعالیتهای ورزشی کند. اگر به صورت کلی و عمومی به موضوع نگاه شود، در بسیاری از موارد، انجام فعالیتهای ورزشی مستلزم هزینه فراوانی از سوی ورزشکار خواهد بود. با این تفاسیر، منطقی به نظر می‌رسد که مشکلات اقتصادی گریبانگیر مردم و نیز گران بودن ورزش به نسبت سایر سرگرمی‌های اوقات فراغت مهم‌ترین عامل اقتصادی مؤثر بر توسعه ورزش همگانی کشور باشد.

مطابق مطالعاتی که روی بزرگسالان انجام شده ارتباط معناداری میان عدم انجام رفتارهای مرتبط با سلامتی و سطح پایین وضعیت اقتصادی- اجتماعی وجود دارد. بعضی مطالعات این مسأله را تأیید می‌کند که رفتارهایی شبیه به عدم فعالیتهای فیزیکی و ورزش در افراد، از نظر فراوانی، در میان طبقات پایین اجتماعی - اقتصادی بیشتر است. در چنین مطالعاتی این فرضیه تأیید می‌شود که رفتارهای تهدیدکننده سلامتی مانند عدم فعالیت فیزیکی با منزلت اقتصادی - اجتماعی افراد مرتبط است. در این پژوهش نوجوانان گروه‌های پایین اقتصادی- اجتماعی و مادران و پدران آنها در هر دو جنس دختر و پسر از نظر عدم مشارکت در ورزش، نرخ بالایی را به خود اختصاص داده بودند. به طور کلی طبقات کارگر نسبت به طبقات میانی و بالاتر، کمتر در ورزش مشارکت دارند. البته این امر ممکن است با ارزش اقتصادی مشارکتهای ورزشی قابل تبیین باشد.



مسئله ۲: ضعف ساختاری در ورزش همگانی

در بخش ملی ساختار ورزش ایران، ترافیک نهادهای تصمیم‌گیرنده مشاهده می‌شود و ازسوی دیگر در سطح محلی ارتباطات افقی قطع شده و ورزش دقیقاً در جایی که باید انجام شود یعنی در کف بازار و جامعه، فاقد متولی است و چندین نهاد به‌طور موازی و البته جزیره‌ای وظیفه ارائه خدمات ورزشی به مردم را برعهده دارند. برد سیاست‌های نهاد متولی ورزش یعنی وزارت ورزش و جوانان حداکثر تا سطح میانی است و شهرداری‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای ارائه‌کننده خدمات مستقیم ورزشی به مردم، هرگز مکلف به اجرای این سیاست‌ها در سطوح شهرستانی و محلی نیستند. باشگاه‌های ورزشی خرد که تعداد آنها اکنون به حدود ۲۵۰۰۰ باشگاه رسیده است و به نوعی تجلی فعالیت بخش خصوصی حوزه ورزش محسوب می‌شوند، فاقد ارتباط ارگانیک و نظام‌مند برنامه‌ریزی شده با یکدیگر، سایر نهادها و به‌طور مشخص نظام ورزش هستند.

مشکل دیگر ساختار این است که نهادهای بین‌بخشی و مشورتی‌اش در سطح ملی و حداکثر استانی تمام می‌شوند و در سطح شهرستانی و محلی، هیچ‌گونه نهادهای مشورتی متناظری مشاهده نمی‌شود. این امر بدان معناست که هماهنگی در سطح سیاستگذاری بسیار بالا و در سطح اجرا تقریباً نزدیک به صفر است. خلاصه آنکه ساختار ورزش باید از پایین اصلاح شود و نقش همکاری‌های بین‌بخشی به‌ویژه همکاری‌های سطح محلی بسیار کلیدی و حیاتی است. جایی که کار به خود مردم واگذار می‌شود و ورزش به جایگاه واقعی خود یعنی عامل بهبود مشارکت، سلامت و هویت جمعی ساکنان سطح محلی باز می‌گردد.

مسئله ۳: تغییر سبک زندگی مردم

کاربرد روزافزون تکنولوژی و ماشینی شدن کارها، تأثیرات بسیاری بر کاهش فعالیت بدنی افراد و فقر حرکتی افراد جامعه گذاشته است. دنیای کنونی طی دهه‌های اخیر با سرعت رو به صنعتی شدن و اقتصادی شدن پیشرفته است به نحوی که زندگی انسانی را نیز در بسیاری از جوامع به زندگی ماشینی بدل کرده و یا در حال انجام آن است. به همین سبب زندگی در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته و او را دچار فقر حرکتی کرده و به دنبال این فقر



حرکتی مشکلات عدیده جسمی، روانی و اجتماعی را برای وی پدید آورده است. برائتر گسترش تمدن و صنعتی شدن، هرچند شاهد افزایش رشد اقتصاد و شکوفایی تکنولوژی و ماشینی شدن زندگی بشر هستیم اما به موازات این رشد و ترقی از نقش انسان به عنوان عامل رشد و ترقی کاسته شده است، به طوری که به جای انسان خلاق از ماشین‌های طراح و برنامه‌نویس و سیستم‌های خودکار و رایانه‌ای استفاده می‌شود که پیامد آن کاهش استفاده از نیروی انسانی و زمان کار و افزایش اوقات فراغت انسان‌ها بوده است. در کشور نروژ مشاهده شد که نوجوانان و جوانان بیشتر وقت خود را صرف فعالیت‌های غیرحرکتی از قبیل تماشای تلویزیون، ویدئو و بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند و کمتر به فعالیت‌های جسمانی منظم می‌پردازند.

یکی از این تغییرات، استفاده آحاد مختلف مردم از شبکه‌های اجتماعی است چنانچه طبق داده‌های ارائه شده مرکز ملی آمار، ۵۳ درصد از افراد ۱۵ سال و بالاتر در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و میانگین صرف وقت در سراسر کشور ۱ ساعت و ۴ دقیقه است. از سوی دیگر، ۵۴/۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر در هفته نوشابه مصرف کرده‌اند و سرانه هفتگی نوشابه، ۱/۷ لیوان بوده است. همچنین، ۴۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر اظهار داشته‌اند که به صورت ماهیانه فست‌فود مصرف کرده‌اند و سرانه مصرف فست‌فود این افراد، ۱/۴ بار در ماه بوده است.

این آمارها نشانگر این است که تغییر سبک زندگی و حرکت به سمت کم‌تحركی و همچنین بهره‌مندی از تغذیه نامناسب خود عاملی در جهت عکس ورزش کردن است و در بلندمدت موجب ناهنجاری‌های اسکلتی، ماهیچه‌ای و بیماری‌های متعدد از جمله اضافه وزن، چاقی، بیماری‌های قلبی و بیماری‌هایی از این دست می‌شود.

مسئله ۴: افزایش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی در اوقات فراغت

در یک دهه اخیر، سرعت رشد تکنولوژی افزایش یافته و به تبع آن، میزان استقبال از شبکه‌های اجتماعی روز به روز بیشتر می‌شود. براساس گزارش ارائه شده مرکز ملی آمار در سال ۱۳۹۶، از ۱۰۰ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر که آمارگیری شد، ۵۳ درصد عضو شبکه‌های اجتماعی بودند و از این ۵۳ درصد،



۹۴/۵ درصد از تلگرام، ۴۳/۱ درصد از اینستاگرام، ۲۴/۳ درصد از واتس‌آپ، ۴/۷ درصد از ایمو، ۳/۸ درصد از فیسبوک، ۲/۴ درصد از گوگل پلاس، ۱ درصد از یوتیوب، ۱ درصد از توئیتر، ۰/۹ از وایبر، ۰/۶ از تانگو و ۱ درصد از سایر شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند.

از سوی دیگر، سرانه زمان حضور افراد ۱۵ ساله و بیشتر در شبکه‌های اجتماعی استان‌های منتخب و سایر استان‌ها در یک روز سال ۱۳۹۶ نشان داد که میانگین کل کشور ۱ ساعت و ۴ دقیقه است و برای استان‌های آذربایجان شرقی ۵۱ دقیقه، اصفهان ۵۹ دقیقه، ایلام ۵۴ دقیقه، تهران ۱ ساعت و ۳۱ دقیقه، خراسان رضوی ۵۸ دقیقه، خوزستان ۱ ساعت و ۱ دقیقه، سیستان و بلوچستان ۳۲ دقیقه، فارس ۱ ساعت و ۸ دقیقه، قم ۱ ساعت و ۶ دقیقه، کردستان ۴۶ دقیقه، گیلان ۱ ساعت و ۱۱ دقیقه، لرستان ۱ ساعت و ۱ دقیقه، مازندران ۱ ساعت و ۹ دقیقه، هرمزگان ۱ ساعت و ۱۸ دقیقه، یزد ۱ ساعت و ۴ دقیقه و سایر استان‌ها ۵۴ دقیقه است.

آمار ارائه شده نشان می‌دهد که با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پر شدن اوقات فراغت با ابزارهای جدید و مدرن تکنولوژیکی، عملاً کم‌تحرکی افزایش می‌یابد و میزان گرایش به تحرک و فعالیت بدنی قطع‌به‌یقین کاهش می‌یابد.

مسئله ۵: کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزش همگانی

طبق بند «۳» اصل سوم قانون اساسی، باید تربیت بدنی برای همه رایگان باشد ولی این‌طور نیست و در سال‌های اخیر، ورزش به‌شدت گران شده است. هر فردی برای حضور در برنامه‌های هفتگی ورزشی علاوه بر خرید البسه باید در باشگاه‌های ورزشی یا سالن‌های بدنسازی ثبت نام کند زیرا امکانات، لوازم و تجهیزات فضاهای عمومی و پارک‌ها پاسخگو نیست و در غالب اوقات با وسایلی غیراستاندارد روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر، به دلیل کم بودن سرانه اماکن ورزشی و همچنین کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزشی، میزان میل و انگیزه خود به خود کاهش می‌یابد و با شدت یافتن گرانی و عدم تعادل در وضعیت معیشتی مردم، ورزش به‌راحتی از سبد خانوارها حذف می‌شود و عملاً جزو مقولات غیرضروری زندگی افراد محسوب می‌شود. یکی از راهکارها می‌تواند ارائه یارانه ورزش همگانی یا بن ماهیانه ورزش همگانی به اقشار کم‌درآمد در سراسر کشور باشد.



در پژوهشی که در سال ۱۳۹۵ در شهر تهران انجام پذیرفت. شهروندان تهرانی از زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی ابراز نارضایتی کرده‌اند. به عبارت دیگر شهروندان از وضعیت کمی، کیفی، ایمنی، بهداشت، طراحی و توزیع عادلانه تجهیزات و امکانات ورزشی پارک‌ها و مراکز تفریحی، تعداد سالن‌های ورزشی همجوار و دسترسی مردم به تجهیزات و زیرساخت‌های ورزشی اعلام نارضایتی داشته‌اند.

مسئله ۶: پایین بودن سرانه فضاهای ورزش همگانی

به‌زعم برخی کارشناسان، واگذاری اماکن ورزشی دولتی به شکل اجاره و از طریق مزایده در اجرای ماده (۸۸) قانون بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، شروعی برای رقابت در افزایش نرخ‌ها و قیمت‌های خدمات ورزشی شد، اما چند نکته در این باره حائز اهمیت است؛ نخست اینکه حکم ماده مذکور مقید به عبارت «مجازند» است. به‌علاوه، آیین‌نامه اجرای این حکم قانونی به واگذاری «تمام یا قسمتی از خدمات خود» اشاره دارد. لذا از این حیث، چنین استنباط می‌شود که تکلیفی برای دستگاه‌های متولی از جمله وزارتخانه‌های ورزش و جوانان، آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری درخصوص واگذاری تمام اماکن ورزشی به بخش غیردولتی به‌ویژه برای اقشار نیازمند از قبیل معلولان، سالمندان، زنان و دانش‌آموزان و دانشجویان وجود ندارد. مضاف بر این، ماده (۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳ به «مجاز بودن» دستگاه‌های اجرایی جهت واگذاری «واحدهای مازاد ورزشی» از طریق مزایده اشاره دارد. عبارت «مجاز» بودن در واگذاری و شرط «مازاد» بودن اماکن ورزشی، مبین این نکته است که احکام مصوب موجود در نظام حقوقی کشور، مانع تحقق بند «۳» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن تربیت بدنی برای عموم در تمام سطوح نمی‌باشند. با این حال، فقدان نظام تعرفه‌گذاری و تعیین حدود نرخ خدمات ورزشی به‌گونه‌ای که ورزش در سبد مصرفی خانوار قرار گیرد باعث شده تا مطابق داده‌های منبعث از مرکز ملی آمار کشور، ورزش حتی در شش اولویت نخست اوقات فراغت خانوارهای ایرانی قرار نگیرد.



راهکارها:

۱. تلاش و پیگیری در راستای ایجاد ساز و کار و ساختار لازم در راستای اجرای طرح ملی «ورزش همگانی - سلامت همگانی» که الگوریتم اجرایی شدن این طرح از ایده تا دیده به صورت محتوایی جداگانه ارائه می‌گردد.
۲. آزادسازی کلیه مجموعه‌های بزرگ ورزشی متعلق به دولت به‌ویژه وزارت ورزش و جوانان برای استفاده عموم مردم جهت مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی همگانی مانند دوچرخه‌سواری، دوومیدانی و پیاده‌روی، ورزش صبحگاهی و عصرگاهی به‌صورت رایگان به استناد اصل سوم قانون اساسی موضوع تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح مورد تأکید واقع شود.
۳. نظام‌نامه توسعه و تقویت ورزش کارکنان و خانواده‌های ایشان توسط سازمان اداری و استخدامی به گونه‌ای ابلاغ شود که ضمن تشویق کارکنان به مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی، امکان استفاده از مزایای مربوط پیش‌بینی شود.
۴. آزمون عملی تربیت بدنی و سنجش آمادگی جسمانی را به عنوان یکی از شروط استخدام و جذب نیرو به استثنای معلولان در کلیه دستگاه‌های اجرایی تعیین شود.
۵. به استناد سیاست‌های کلی ابلاغی سلامت و با توجه به نقش ورزش در تأمین سلامت عمومی و نظر به رشد جمعیت سالمندی کشور، بخشی از اعتبارات موضوع ماده ۳۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) موضوع مالیات سلامت توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در قالب برنامه توسعه ورزش همگانی سلامت محور جهت احداث امکان ورزشی و اجرای برنامه‌های ورزشی رایگان برای همه و ارائه مشوق‌های حمایتی برای مشارکت خانواده‌ها، سالمندان و بیماران اختصاص یابد.
۶. سازمان صدا و سیما و متولیان تبلیغات محیطی بخشی از آگهی‌های تبلیغاتی روزانه در زمان مناسب و قبل و حین پخش مسابقات ورزشی را به آگاهی‌بخشی و ترویج آثار و نتایج ورزش و فعالیت بدنی بر سلامت عمومی اختصاص دهند.



۷. نهضت ملی احداث زمین‌های بازی و سالن‌های ورزشی سرپوشیده محله‌محور با اولویت حیاط مدارس یا در مجاورت مدارس تا تأمین حداقل یک متر مربع سرانه فضای ورزشی ایجاد شود.
۸. مکمل‌های ورزشی جزء فرآورده‌های سلامت‌محور محسوب شده و سیاست تأمین، توزیع، پخش و تجویز آن در منحصراً وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز گردد.
۹. امکان استفاده از حیاط مدارس و فضاهای ورزشی در ساعات غیرآموزشی ضمن رعایت اصول تربیتی نسبت به استفاده عموم مردم با اولویت دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان توسط وزارت آموزش و پرورش فراهم گردد.
۱۰. گسترش و توسعه جاده‌های تندرستی ویژه پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری در نقاط شهری و فضای عمومی و بوستان‌ها به‌عنوان برنامه ملی مورد حمایت قرار گیرد.
۱۱. ساختار نهادهای متولی ورزش همگانی در سطح ملی، استانی و منطقه‌ای مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.
۱۲. اعتبار ریالی و برنامه علمی همه فدراسیون‌های ورزشی برای ترویج و تعمیم ورزش همگانی در سطوح مختلف تعیین و مورد رصد و پیگرد قرار گیرد.
۱۳. کلیه باشگاه‌های ورزشی محله‌محور از پرداخت مالیات بر درآمد معاف بوده و با هدف کاهش هزینه شرکت آحاد مردم در فعالیت‌های ورزشی مربوطه و ترویج مشارکت عموم مردم در برنامه‌های ورزشی، کلیه فعالیت‌های ورزشی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌شوند.
۱۴. با هدف ایجاد منابع پایدار برای ورزش همگانی و گسترش زیرساخت‌های ورزشی برای استفاده عموم به‌ویژه در شهرهای کمتربرخوردار، بخشی از عواید حاصل از مالیات بر ارزش افزوده در این حوزه هزینه می‌شود. موضوع ۲۷ صدم درصد حکم ماده ۹۴ قانون برنامه ششم توسعه دائمی می‌شود.
۱۵. ضمن حمایت از فعالیت باشگاه‌داران در سطح محلات، جهت رعایت اصول حرفه‌ای، اخلاقی و عمومی و سلامت‌محور در ورزش، نظارت

- مستمر بر آنها واجد اهمیت ویژه است.
۱۶. انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی عمومی مانند طبیعت‌گردی و کوهنوردی ضمن صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست مورد حمایت قرار گیرد.
۱۷. توسعه زیرساخت‌های ورزشی محله‌محور در شهرها و مناطق روستایی با هدف دسترسی آسان و ارزان به ورزش همگانی مورد حمایت خواهد بود.
۱۸. در راستای عملیاتی کردن بند سوم اصل سوم قانون اساسی «تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح»، کلیه مجموعه‌های بزرگ ورزشی دولتی جهت استفاده عموم مردم برای برخی از فعالیت‌های ورزشی رایگان می‌شود و مدیریت مجموعه‌های ورزشی از شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی با نظارت وزارت ورزش و جوانان خواهد بود. هیأت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی بخشی از برنامه زمانی اماکن ورزشی متعلقه را به صورت رایگان در اختیار عموم مردم قرار می‌دهند.
۱۹. از سوی دیگر، با توجه به پنجره جمعیتی کشور در یکی دو دهه آینده و نرخ باروری کمتر از ۱/۷ در شرایط کنونی و نرخ جمعیتی ۰/۸ و همچنین حرکت به سوی سالمندی، نیاز مبرم به توسعه و تعمیم ورزش سلامت-محور و همگانی کردن ورزش است زیرا باید سلامت عمومی جامعه ارتقا یافته، امنیت ملی حفظ شده و پشتوانه‌سازی لازم برای تربیت منابع انسانی سالم و شاداب برای عزت ایران اسلامی به ویژه در عرصه ورزش مهیا گردد.
۲۰. در راستای عملیاتی کردن بند سوم اصل سوم قانون اساسی «تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح» و همچنین در اجرای بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به منظور آگاهی‌بخشی عمومی و بسترسازی برای افزایش مشارکت اقشار مختلف مردم در برنامه‌های و فعالیت‌های ورزشی در نقاط شهری و روستایی، هدایت و نظارت بر فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی و باشگاه‌ها، مراکز ورزشی محله‌محور، وحدت سیاست‌گذاری و ایجاد هماهنگی

در امور ورزش همگانی، چابک‌سازی و افزایش کارآمدی سازمانی و جلوگیری از موازی‌کاری‌های مربوط، امور ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان با فدراسیون‌های ملی ورزش همگانی، روستایی و عشایری، بدنسازی و پرورش‌اندام، انجمن‌های ورزشی، ورزش دانشگاهی، ورزش دانش‌آموزی و ورزش کارگری ادغام شده و مشروط بر عدم افزایش پست‌های سازمانی، سازمان توسعه ورزش همگانی کشور با شخصیت حقوقی مستقل و بصورت وابسته به وزارت ورزش و جوانان تشکیل می‌شود.



ورزش حرفه‌ای



امروزه در همه جای جهان، ورزش بخش جداناپذیر جامعه و زندگی روزمره است. ورزش ابزاری است منحصر به فرد و ارزشمند برای تندرستی، توسعه پایدار، ارتقای فرهنگ، اقتصاد و آموزش. به علاوه در دنیای کنونی، ورزش از یک فعالیت تفریحی و تفننی تبدیل به صنعتی پررونق و سودآور شده است، به طوری که در کشورهای توسعه یافته پول‌های کلانی روانه این صنعت پر بازده می‌شود. این همه تأکید و توجه مجامع بین‌المللی به ورزش نشانه این است که ورزش به‌عنوان پدیده‌ای با ماهیت چندبُعدی، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر پیشرفت همه‌جانبه جامعه اثرگذار است. با این حال، ورزش هرگز بی‌طرف نیست، ورزش می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی را بیاموزاند یا نیاموزاند، می‌تواند به مردم در ایجاد یک تصویر مثبت از خود و احترام به دیگران کمک کند یا نکند. می‌تواند زندگی اجتماعی را تقویت کند یا نکند. ورزش می‌تواند مردم را گرد هم آورد، دوستی‌ها را تقویت کند، شیوه‌های زندگی مسالمت‌بخش را تقویت کند و غرور شهروندی و مشارکت اجتماعی به وجود آورد، یا می‌تواند حول و حوش خشونت، مواد مخدر، تقلب، رانت، فساد و بردن مسابقه به هر قیمتی حرکت کند. به عبارت دیگر، ورزش مانند شمشیری دولبه است که می‌تواند منجی یا مخرب سلامت فرد و جامعه باشد. بنابراین، حمایت و هدایت مؤثر نهادهای دولتی و حاکمیتی از ارزش‌های مثبت در ورزش نیازی

ضروری و دائمی است. اما این امر به معنای دخالت مستقیم در اداره ورزش حرفه‌ای نیست. در بیشتر کشورهای جهان یکی از اساسی‌ترین سازمان‌های ورزشی، باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای به ویژه باشگاه‌های فوتبال هستند. کشور ما نیز از این امر مستثنا نیست و اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان اشتیاق زیادی به فعالیت‌های اصلی و جنبی فوتبال دارند. به گونه‌ای که حدود ۲۰ درصد از کل ورزشکاران سازمان‌یافته کشور به فعالیت در این رشته ورزشی مشغول هستند. در این وادی، می‌توان گفت باشگاه مهم‌ترین، مؤثرترین و بنیادی‌ترین نهاد ورزش کشور است. زیرا ورزشکار و مربی به‌عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عناصر ورزش در درون باشگاه تربیت شده و به بالندگی می‌رسند. بنابراین برای سامان‌دهی ورزشکاران در دو بُعد سلامت محور و رقابت محور ورزش که جنبه سلامت محور، عمومی‌تر و آمانت‌گونه می‌باشد و جنبه رقابت محور بیشتر جنبه حرفه‌ای‌گری دارد، ایجاد و راه‌اندازی باشگاه‌های عمومی و باشگاه‌های حرفه‌ای و نظام‌مند کردن آنها بسیار حائز اهمیت است.

ازسوی دیگر، قریب به دو دهه است که ورزش ایران در برخی از رشته‌ها به سمت حرفه‌ای شدن پیش رفته، ولی با توجه به مشاهدات و بررسی‌ها به نظر می‌رسد تا حرفه‌ای شدن واقعی و ساختارمند فاصله زیادی دارد، چراکه قریب به یک دهه است که طبق قانون برنامه پنجم و ششم توسعه، پرداخت هرگونه وجهی از محل بودجه کل کشور به هر شکل و به هر نحو به ورزش حرفه‌ای ممنوع است و در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی است. این حکم از زمان تصویب در برنامه پنجم توسعه اجرایی گردیده و با توجه به تصویب مجدد آن در برنامه ششم باز هم ملاک عمل در کمک به ورزش حرفه‌ای است. بر این اساس از سال ۱۳۸۴ موضوع غیردولتی اداره شدن باشگاه‌های ورزشی در سطوح مختلف طرح شده است. واقعیت این است که وضعیت اداره باشگاه‌های ورزشی به‌ویژه دو باشگاه استقلال و پرسپولیس و موضوع واگذاری آنها به بخش خصوصی به داستانی بی‌فرجام شبیه است که هر زمان بوی تازگی می‌دهد. مدت‌هاست که بحث پیرامون این قضیه آغاز شده، اما متأسفانه به سرانجام نرسیده است. به نظر می‌رسد دولت براساس بند (۱۶) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از یک‌سو با واگذاری بخشی از امور خواهان چابک‌سازی خود است و ازسوی به هر دلیل

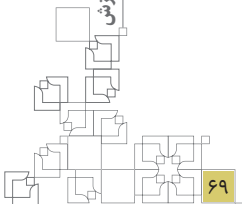
تاکنون موفق به واگذاری باشگاه‌های ورزشی استقلال و پرسپولیس نشده است. در این میان تجربه واگذاری باشگاه‌های ورزشی به بخش غیردولتی نیز چندان خوشایند نیست. اینکه مسأله چیست و چه باید کرد يك بحث جدی است.

مسأله ۱: وجود ابهام و خلاءهای قانونی و حقوقی و تبعیض در اعتباردهی، کمک و هزینه‌کرد باشگاه‌های حرفه‌ای

برخی از باشگاه‌های حرفه‌ای به طور مستقیم به مؤسسات دولتی وابسته‌اند، برخی نیز وابستگی‌هایی به شرکت‌های دولتی دارند؛ این در حالی است که به موجب حکم قانون برنامه پنجم و ششم توسعه، پرداخت هرگونه وجه از محل بودجه عمومی دولت برای این قبیل باشگاه‌ها ممنوع بوده، لیکن نحوه اداره امور آنها از حیث قواعد و ضوابط مدیریتی (موضوع شایسته‌گزینی، ثبات مدیریتی و پرهیز از سلیقه‌نگری) و مالی به‌ویژه ایجاد منابع درآمدی پایدار (پخش تلویزیونی مسابقات، حقوق مالکیت معنوی، برند، حامیان مالی و درآمدهای روز مسابقه) و نحوه هزینه‌کرد (هدر رفت منابع خاصه قراردادهای بازیکنان و مربیان) از حیث حقوقی دارای ابهامات و خلاءهای قانونی است. از سویی مطابق مواد ۲ و ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هرگونه توسعه و یا واگذاری امور فرهنگی نیازمند تصویب قانون است، لذا، موضوعاتی از قبیل حقوق پخش مسابقات ورزشی باشگاهی و ملی، حقوق مالکیت معنوی باشگاه‌ها، نظام حرف و مشاغل ورزش حرفه‌ای، قراردادهای ورزشی، معافیت‌ها یا شمولیت‌های مالیاتی و دیگر حمایت‌های مالی و معنوی نیازمند بستر قانونی است که به رغم مطالبه چند ساله ذی‌ربطان این امر، در حال حاضر با خلاءهای جدی مواجه هستیم و دولت تاکنون نتوانسته زمینه تحقق قانونی این امر را فراهم نماید.

راهکار:

ارائه لایحه نظام جامع باشگاه‌داری ورزش کشور و تصویب احکام قانونی جهت بسترسازی و استقرار نظام باشگاه‌داری حرفه‌ای در کشور



مسأله ۲: واگذاری پرسپولیس و استقلال

هرچند، باید اذعان کرد که واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، تنها بخشی از مسأله نظام باشگاه‌داری کشور است و این موضوع باید در کنار سایر ابعاد مربوط به صورت یک مجموعه حقوقی مدون تحت عنوان نظام باشگاه‌داری ورزش حرفه‌ای کشور به تصویب نهاد قانونگذاری کشور برسد. مع‌الوصف قریب به ۱۵ سال است که برای واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از سوی مجلس و دولت، شیوه‌های مختلفی پیش‌بینی شده است که تاکنون به سرانجام نرسیده است. باید گفت که بدون فراهم شدن زیرساخت‌های درآمدزایی باشگاه‌ها و تعیین ضوابط حقوقی و قانونی نظام باشگاه‌داری موضوع واگذاری دو باشگاه ورزشی مذکور و حتی دیگر باشگاه‌های ورزشی موضوعه صرفاً رهاسازی آنها تلقی می‌شود و لذا خصوصی‌سازی بدون رفع موانع و مسائل مربوط ضامن موفقیت نخواهد بود. عدم شفافیت صورت‌های مالی، وجود بندهای مشروط و فاقد اظهارنظر در صورت‌های مالی، عدم ثبت همه دارایی‌ها و بدهی‌های دو باشگاه، وجود بدهی‌های عدیده بلا تکلیف، عدم تعیین تکلیف نهایی ادعاهای حقوقی به طرفیت دو شرکت، عدم تثبیت وضعیت مالکیت اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول دو شرکت نظیر ساختمان مرکزی و ورزشگاه‌های تحت بهره‌برداری فقدان سند ثبتی مالکیت ساختمان‌ها و ورزشگاه‌ها برای دو باشگاه با وجود مجوز هیأت وزیران مبنی بر انتقال مالکیت دو ورزشگاه به نام دو شرکت، عدم ثبت اموال در دفاتر قانونی دو شرکت، عدم ثبت برند در همه مصادیق فعالیتی برای دو باشگاه، عدم تغییرات ثبت اساسنامه، سرمایه و سهامداران در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری، ثبت برند فعالیتی در برخی از حوزه‌ها به نام اشخاص حقیقی به جای شرکت و فقدان بستر مناسب برای ایجاد درآمد پایدار و تأمین حقوق آنها از جمله موانع سد راه واگذاری دو شرکت است.

بنابراین می‌توان اذعان کرد که با خصوصی‌سازی و واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی، لزوماً مسائل و مشکلات مبتلا به آنها برطرف نخواهد شد و واگذاری باشگاه‌ها با همین ساختار و در وضعیت موجود، می‌تواند بقای این دو باشگاه مردمی را به مخاطره بیندازد. از این رو ضروری است جهت سامان بخشیدن به مالکیت و مدیریت دو باشگاه موارد زیر مورد توجه قرار گیرد.



نخست. توجه به نقش و جایگاه متفاوت هواداران باشگاه در مقایسه با مشتریان یک شرکت

روابط میان هواداران و باشگاه، چیزی متفاوت از روابط معمول میان یک شرکت و مشتریانش است. هواداران باشگاه فوتبال، ذی نفعی کلیدی محسوب می‌شوند که مشارکتشان در باشگاه به اعلام وفاداری نسبت به تیم محدود نمی‌شود، بلکه آنها به صورت فعالانه در زمان مسابقات از تیم حمایت می‌کنند و در مسائل مالی باشگاه نیز به طرق مختلف کاملاً اثرگذار هستند. لذا، ثبت باشگاه‌های فوتبال در قالب شرکت سهامی خاص، مشارکت هواداران باشگاه‌ها را به میزان زیادی محدود می‌سازد. مهم‌ترین پیامد آن عدم حضور هواداران یا نمایندگان آنها در جلسات مجمع عمومی و به تبع آن پاسخگو نبودن هیأت‌مدیره شرکت در قبال این ذی‌نفعان کلیدی خواهد بود. از این رو ضروری است باشگاه‌های فوتبال در قالب شرکت سهامی عام ثبت شوند تا هواداران تیم‌ها نیز بتوانند بخشی از سهام باشگاه را در اختیار داشته باشند. تحقق این مهم مستلزم فراهم کردن شرایط و الزامات پذیره‌نویسی و عرضه اولیه سهام این باشگاه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران یا فرابورس است که در حال حاضر این باشگاه‌ها برخی از الزامات مربوطه را دارا نیستند.

با سهام‌داری هواداران، مدیران باشگاه برای عملکرد بهتر تحت فشار قرار می‌گیرند و باید نسبت به این ذی‌نفعان کلیدی پاسخگویی داشته باشند. در سایر کسب‌وکارها، سهام‌داران در صورت مشاهده عملکرد نامناسب مدیران، سهام خود را می‌فروشند و از شرکت خارج می‌شوند و به تبع آن با کاهش قیمت سهام شرکت، مدیران نیز تحت فشار قرار می‌گیرند؛ اما فروش سهام باشگاه، برای هواداران متعصب آنکه به دنبال پیشرفت و شکوفایی باشگاه محبوب خود هستند، به هیچ‌وجه راهی برای اعمال کنترل و نظارت بر مدیران آن نیست؛ از این رو باید مکانیسم‌هایی طراحی کرد که صدای هواداران و درخواست‌های ایشان، در تصمیمات مختلف باشگاه انعکاس یابد. برای اثربخش‌تر کردن نقش هواداران در حاکمیت شرکتی باشگاه‌های فوتبال، بایستی کانون‌ها یا اتحادیه‌های هواداری حرفه‌ای تأسیس شود و وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون فوتبال بر فعالیت آن نظارت مستمر داشته باشند. آنچه از این مبحث می‌توان استنباط کرد این است که ماهیت این دو باشگاه و فعالیت آن و نفوذ و اثرگذاری آن در



سطح جامعه و نقش متقابل هوادار - باشگاه چنین وانمود می‌کند که باشگاه می‌بایست به صورت سهامی عام اداره شود.

دوم. مهیا نمودن بسترهای قانونی و اقتصادی لازم برای تأمین مالی باشگاه‌ها

درست است که فوتبال چیزی فراتر از یک کسب‌وکار است و باشگاه‌های فوتبال علاوه بر دستاوردهای مالی برای جامعه، نوعی سرمایه فرهنگی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سلامت‌محور دارند؛ اما این بدان معنا نیست که درآمدزایی و سودآوری در اولویت نیست. به ویژه پس از خصوصی‌سازی، حداقل برای مالکان باشگاه‌ها، اهداف اقتصادی در مقایسه با اهداف اجتماعی و ورزشی در اولویت قرار خواهند گرفت. اقتصاد فوتبال در کشور ما تقریباً بحرانی است و باشگاه‌های فوتبال به جای درآمدزایی بیشتر محل هزینه تلقی می‌شوند. عوامل متعددی در شکل‌گیری این شرایط تأثیرگذارند که بخش عمده آن به زیرساخت‌های معیوب اقتصادی و قانونی باز می‌گردد. در وضعیتی که هنوز مسئله حق پخش تلویزیونی، کپی‌رایت محصولات باشگاه‌ها و بلیت‌فروشی در استادیوم‌ها حل نشده است، نمی‌توان مجاری مطمئنی برای تأمین مالی باشگاه‌ها پیش‌بینی کرد. اگر باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس در این شرایط و بدون تأمین کانال‌های تأمین مالی مشخص واگذار شوند، خریداران بیشتر با هدف سامان دادن به هزینه‌های تبلیغاتی و کسب شأن اجتماعی برای خود، اقدام به خرید باشگاه‌ها می‌کنند و بعید نیست در صورت مواجهه با بحران‌های مالی و یا رسیدن به هدف شخصی خود، به سبب کاهش انگیزه فعالیت، از هزینه‌ها بکاهند. سرانجام تأکید می‌شود خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی تنها به معنای واگذاری مالکیت یک باشگاه از دولت به بخش خصوصی نیست، بلکه مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که باشگاه‌ها به واسطه آن می‌توانند به صورت مستقل فعالیت نمایند، بقای خود را حفظ کنند و سودآور باشند و در ضمن آن به عنوان بخشی از هویت ملی و فرهنگی کشور نیز به انجام فعالیت‌های اثربخش بپردازند. آنچه مشخص است اینکه در حال حاضر هیچ‌یک از الزامات و اقدامات ضروری مذکور در مورد باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس صورت نگرفته است و در صورت خصوصی‌سازی بدون برنامه و مطالعه، احتمالاً با نسخه فوتبالی



پدیده نیشکر هفت‌تپه مواجه خواهیم شد. در این شرایط ممکن است دولت با خصوصی‌سازی از بار مسئولیت سنگین این باشگاه‌ها به صورت موقت رهایی یابد، اما بی‌شک بحران‌های اجتماعی و امنیتی احتمالی در آینده برای دولت و جامعه مشکل‌ساز خواهد بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت، واگذاری دو باشگاه مستلزم رعایت موارد زیر است:

۱. اصلاح اساسنامه و تبدیل آن‌ها به شرکت سهامی عام،
۲. تعیین تکلیف اموال، املاک و ساختمان‌های دو باشگاه،
۳. تعیین تکلیف در خصوص درآمدهای رسانه‌ای ناشی از پخش مسابقات ورزشی و حقوق مالکیت معنوی باشگاه‌ها،
۴. طراحی سازوکارهای کنترلی و نظارتی جهت رفع نگرانی‌های اجتماعی. امنیتی ناشی از واگذاری دو باشگاه.
۵. با این حال، نظر به برخی الزامات حقوقی و اسناد بالادستی به نظر می‌رسد تعیین تکلیف سطوح مالکیت، مدیریت و سرمایه‌گذاری دو شرکت مذکور (ضمن امکان تسری و لزوم تسری به دیگر باشگاه‌های ورزشی کشور) مبتنی بر سناریوها و راهکارهای ذیل قابل بحث است.

بررسی الگوها و شیوه واگذاری دو باشگاه

راهکار ۱: پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی (با حفظ مالکیت دولت)

در این روش، مدیریت باشگاه ورزشی برای مدت معین (مثلاً ۴ یا ۵ و ۱۰ ساله یا کمتر و بیشتر) به اشخاص حقیقی یا حقوقی از طریق مزایده رقابتی یا مذاکره واگذار می‌شود. مدیریت بنگاه (در قبال بهای پیمان و انجام خدمت) در اختیار پیمانکار است و مالکیت در اختیار دولت می‌ماند.

هرچند، این روش تاکنون چندان در خصوص واگذاری بنگاه‌های دولتی به کار گرفته نشده است، اما شیوه اداره کنونی دو باشگاه بسیار به این راه‌حل نزدیک است. با این تفاوت که مدیر یا سرپرست باشگاه منصوب از سوی وزارت



ورزش و جوانان است و نه تنها بهای پیمان را پرداخت نمی‌کند، بلکه مدیر باشگاه می‌تواند بابت انجام خدمت، حق الزحمه از دولت دریافت کند، وزارت می‌تواند از کارکنان دولتی به صورت مأمور به خدمت در باشگاه استفاده کند. با این حال، این شیوه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برنامه ششم توسعه مورد تأکید قانونگذار واقع شده است. همچنین، نظر به شرایط خاص حاکم بر این دو بنگاه با کارکردهای متفاوت و با توجه به تجربه تلخ واگذاری باشگاه‌های ورزشی به بخش خصوصی و فقدان بستر و زیرساخت مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد برای باشگاه و انگیزه گذرا و دفعی اشخاص حقیقی و حقوقی برای ورود به عرصه فوتبال و کسب ارزش اجتماعی از قبل فعالیت رسانه‌ها، واگذاری از طریق پیمان مدیریت می‌تواند برای کوتاه‌مدت تا حدود زیادی راهگشا باشد. به علاوه، در وضعیت کنونی اداره این باشگاه‌ها برای دولت هزینه‌ای ندارد (به جهت ممنوعیت پرداخت هرگونه وجه از محل بودجه عمومی به ورزش حرفه‌ای، نداشتن هرگونه ساختمان و املاک دولتی و هزینه نگهداری مربوط و پرداخت اجاره از سوی باشگاه‌ها جهت استفاده از اماکن دولتی و نظر به گزارش دیوان محاسبات در خصوص عدم استفاده باشگاه‌ها از منابع دولتی در سال‌های اخیر). لذا، مهم‌ترین استدلال برای واگذاری این باشگاه‌ها این است که بخش غیردولتی بهتر از دولت می‌تواند به اداره بنگاه بپردازد، لذا اگر این ادله را بپذیریم (با توجه به مسدود بودن امکان فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از حقوق باشگاه‌های ورزشی در کشور) آنگاه می‌توان گفت راه حل مطلوب، پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی است و پیمانکار انگیزه لازم را برای مدیریت و کسب درآمد برای اداره باشگاه (عمدتاً از دو طریق جذب اسپانسر و سامانه‌های پیامکی حمایت هواداران) خواهد داشت. با همه این اوصاف، این روش در صورتی مناسب است که اولاً زمان واگذاری محدود به دوره دولت‌ها (چهارساله) شود و با پایان دولت، مدت مدیریت نیز منوط به تمدید یا اظهار نظر دولت جدید باشد. ثانیاً اخذ ضمانت و تعهد در این روش بسیار مهم است، زیرا امکان ایجاد دین و تعهد برای سال‌های بعد در این دو باشگاه وجود دارد و همان‌طور که تاکنون نیز اتفاق افتاده است،

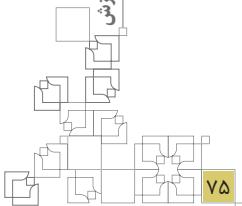
بسیاری از مدیران این دو باشگاه با واگذاری مسئولیت، حجم انبوهی از بدهی را نیز به یادگار گذاشته‌اند.

الف) نقاط قوت

این روش تقریباً مشابه وضعیت فعلی است که هیأت‌مدیره یا مدیرعامل از طرف دولت تعیین می‌شود، با این حُسن که اولاً انتخاب تیم مدیریت از طریق روش‌های علمی و مزایده است؛ ثانیاً دولت در قبال هزینه‌ها و تعهدات مسئولیتی ندارد و ثالثاً نتایج تیم‌ها تبعاتی را برای دولت در پی نخواهد داشت. به علاوه، نگرانی‌های اجتماعی ناشی از واگذاری تمام و کمال دو باشگاه تا حدود زیادی مرتفع می‌شود، دولت در قبال اداره دو باشگاه نه تنها وجهی پرداخت نمی‌کند، بلکه می‌تواند بهای پیمان را نیز دریافت کند و صرف ایجاد و توسعه زیرساختی باشگاه کند و امکان بازگشت به سیستم دولتی و یا فسخ قرارداد در صورت عملکرد ضعیف، امکان تغییر تیم مدیریت و امکان تداوم حمایت‌های مادی و معنوی از تیم توسط دولت برای دولت فراهم می‌شود.

همچنین، با توجه به اینکه واگذاری باشگاه در شرایط کنونی اقتصاد کشور نمی‌تواند ضامن موفقیت باشگاه باشد و می‌بایست زیرساخت‌های درآمدزایی باشگاه (از جمله حق پخش تلویزیونی، بلیت‌فروشی، تبلیغات محیطی و...)، فراهم شود، پیمان مدیریت از طریق آگهی مزایده عمومی می‌تواند یکی از گزینه‌های واگذاری باشگاه باشد.

با توجه به اینکه دو باشگاه فاقد هرگونه املاک و دارایی‌های نامنقول هستند و به‌زعم مسئولان وزارت ورزش و جوانان، واگذاری این دو بنگاه صرفاً شامل نام و برند باشگاه است، در این وضعیت و نظر به نبود بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و هزینه‌های بالای تیم‌داری و باشگاه‌داری، خریدار بنگاه انگیزه مانا و پایداری برای اداره دو باشگاه نخواهد داشت، مگر آنکه خریدار به صورت گذرا و مقطعی به هدفش برسد. از سوی دیگر، واگذاری از این طریق برای دولت نیز ایجاد ارزش افزوده اجتماعی و اقتصادی می‌کند، از این حیث که بدون صرف هزینه و بلکه با دریافت بهای پیمان به اهداف مدنظر نائل می‌شود.



ب) نقاط ضعف

با توجه به تغییر مدیران وزارت ورزش و جوانان، امکان ایجاد چالش بین پیمانکار و مسئولان وزارت در هر دوره متصور است. لذا، مدت زمان قرارداد، می‌تواند هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف این روش باشد. در صورت محدود شدن به طول عمر یک دولت، امکان انجام کارهای زیربنایی وجود ندارد. در صورت بلندمدت بودن نیز ممکن است با تغییر دولت‌ها مشکلاتی در این زمینه بروز پیدا کند. بنابراین، بخش خصوصی و پیمانکار انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت ندارند، مگر آنکه شروط در پیمان‌نامه ذکر شوند.

راهکار ۲: اجاره به شرط تملیک

در این روش باشگاه به شرکت غیردولتی سهامی خاص یا سهامی عام از طریق مزایده عمومی برای مدتی معین واگذار می‌شود. واگذارکننده شروطی پیش‌بینی می‌کند و پس از انجام شروط مربوط، مالکیت باشگاه در اختیار مستأجر قرار می‌گیرد.

قرارداد اجاره به شرط تملیک، قراردادی است که به موجب آن مورد معامله اجاره داده می‌شود و در آن شرط می‌شود که مالکیت مورد معامله در پایان مدت اجاره در صورت انجام تمامی شروط عقد و پرداخت همه اقساط مال‌الاجاره توسط مستأجر، به نام او انتقال یابد. این قرارداد از جمله نهادهای حقوقی است که با آنکه سابقه فقهی ندارد و در قانون مدنی ذکر نشده، ولی در اجاره به شرط تملیک، تصرف مستأجر به دلیل مالکیت و نسبت به منافع عین مستأجره دارای وجه قانونی بوده و صحیح است. به عبارت دیگر، قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌تواند قراردادی برای واگذاری اموال منقول و غیرمنقول توسط فروشنده به خریدار تلقی گردد مشروط بر اینکه چنانچه مبلغ قرارداد در اقساط معین شده مسترد گردد، خریدار مالک اموال مزبور خواهد شد. این عقد از یک‌سو با اجاره هماهنگی دارد و از سوی دیگر با عقد بیع، زیرا تملیک منافع در ابتدای آن ظهور پیدا می‌کند و در پایان منجر به تملیک عین می‌گردد. لذا، انتخاب این روش از این حیث که شروط مندرج در قرارداد به نحوی ضامن اجرای موفق واگذاری است، مثبت ارزیابی می‌شود. لکن، آنچه به عنوان شرط قرارداد اجاره به شرط تملیک به عنوان سبب مملک قطعی در نظر



گرفته می‌شود، معمولاً پرداخت وجه تقسیطی قرارداد است، لذا، شاید احداث استادیوم و ساختمان باشگاه و... اساساً عوض مناسبی در يك قرارداد معوض نباشد، مگر آنکه قانونگذار بدین طریق اتخاذ تصمیم نماید. به علاوه، در صورت تعیین شروط مبنی بر پرداخت وجه، قانونگذار می‌تواند دولت را مکلف به تأمین زیرساخت‌های نامبرده از قبل وجوه حاصل از واگذاری نماید، اگرچه مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری در سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی قید شده‌اند.

از سوی دیگر، این روش عمدتاً برای واگذاری دارایی‌ها و اموال منقول و غیرمنقول به کار می‌رود، اما برای واگذاری بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در آیین‌نامه اجرایی روش‌های واگذاری مصوب ۱۳۸۸ نیز مورد تأکید واقع شده است.^۱ لذا، در صورت عدم پذیره‌نویسی باشگاه‌های ورزشی در فرابورس، این شیوه منطقی‌ترین شیوه واگذاری به بخش خصوصی است، با وجود این پیشنهاد می‌شود در قرارداد اجاره، بندی نیز به اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی و همچنین فراهم نمودن شرایط پذیره‌نویسی در فرابورس اضافه گردد تا در یک بازه زمانی مشخص، بخشی از سهام شرکت در قالب سهام خرد به فروش برسد و به مرور زمان از تمرکز مالکیتی کاسته و زمینه برای نظارت عمومی بر عملکرد مدیران باشگاه‌ها فراهم شود.

الف) نقاط قوت

. شروط ضمن قرارداد ضامن انجام موفق واگذاری است.
. امکان فسخ در صورت عدم اجرای تعهدات وجود دارد.

ب) نقاط ضعف

امکان بهره‌برداری از مزایای دوره مالکیت برای خریدار وجود دارد و در

۱. ماده (۵). در صورت حصول يك یا چند شرط از شرایط زیر، بنا به پیشنهاد سازمان و در چارچوب قرارداد پیشنهادی سازمان، هیئت واگذاری مجوز اجاره به شرط تملیک را اعطا می‌نماید. دستورالعمل و نمونه قرارداد اجاره به شرط تملیک توسط سازمان تهیه خواهد شد.

الف) بنگاه يك شرکت مشاور و دانش‌پایه با دارایی‌های فیزیکی و مالی محدود بوده و ارزش آن عمدتاً دارایی‌های غیرفیزیکی باشد.

ب) ارزش خالص دارایی‌های بنگاه منفی باشد.

ج) پس از دو نوبت آگهی و برگزاری مزایده در بورس یا خارج از بورس، خریداری وجود نداشته باشد.

د) به استناد گزارش توجیهی، روش اجاره به شرط تملیک در مقایسه با سایر روش‌ها دارای اولویت باشد.

صورتی که خریدار مسئولیت‌پذیر نباشد، می‌تواند مبالغ پرداختی خود (حتی شاید رقمی بیشتر) را به روش‌های مختلف با استفاده از فرصت‌هایی که از مالکیت موقت باشگاه به دست آورده است، جبران نماید و در پایان دوره با عدم تحقق شرایط مورد نظر، باشگاه را با مشکلات عدیده به دولت برگرداند.

راهکار ۳: برگزاری مزایده عمومی از سوی سازمان خصوصی‌سازی

در این روش پس از قیمت‌گذاری از سوی سازمان خصوصی‌سازی، باشگاه ورزشی از طریق آگهی عمومی به شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام یا شرکت سهامی تعاونی عام صاحب صلاحیت و اهلیت واگذار (فروش) می‌شود. انتخاب این راه‌حل مسبوق به سابقه‌ایست که ختم به نتیجه نشد؛ از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳ این دو باشگاه به عنوان دو شرکت در اختیار سازمان خصوصی‌سازی قرار داشتند که می‌بایست به بخش غیردولتی واگذار می‌شدند. در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ نیز این واگذاری به دولت تکلیف شده بود که سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ این موضوع به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت. چهار مزایده برگزار شد که سه مزایده اول مورد استقبال واقع نشد و در مزایده چهارم با تغییر در روش‌ها و رویکردها ضمن اعلام حضور بیشتری و ثبت‌نام خریدار، سرانجام کمیته اهلیت (با عضویت وزیر دادگستری و وزیر اقتصاد) برگزار شد و رأی به عدم اهلیت خریدار صادر نمود. در آن اثنا، ۱۳۰ نفر از نمایندگان مجلس نیز در نامه‌ای خواستار لغو واگذاری آن‌ها شدند و دولت نیز در قالب مصوبه هیأت وزیران این دو باشگاه را در سال ۱۳۹۴ از فهرست اولویت واگذاری‌ها خارج کرد و به فهرست شرکت‌های سلامت، آموزش و فرهنگ اضافه کرد که می‌بایست از طریق ارائه لایحه به مجلس تعیین تکلیف می‌شدند. لکن، آذرماه ۱۳۹۷ به درخواست وزارت ورزش و جوانان و پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد مواد (۲) و (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷. هیأت محترم وزیران با لغو تصویب‌نامه ۱۳۹۴، رأی به واگذاری شرکت‌های فرهنگی - ورزشی استقلال ایران و پیروزی (پرسپولیس) داد. با این حال، واگذاری از این طریق با توجه به سوابق موجود محل نگرانی است؛ مطابق گزارش تفریح بودجه ۱۳۹۶ دیوان محاسبات کشور، «واگذاری شرکت‌هایی همچون پالایش نفت کرمانشاه، نیشکر هفت‌تپه،



هیکو اراك و ماشین‌سازی تبریز، ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز و املاك ائل‌گلی به دلیل فقدان اهلیت و تخصص کافی توسط خریدار، باعث بروز ضرر و زیان به بیت‌المال گردیده است»^۲، «سازمان خصوصی‌سازی در برخی موارد، بنگاه را به قیمت ۷۰ درصد کمتر از قیمت کارشناسی واگذار کرده است، در مواردی نیز دارایی‌های بنگاه ارزیابی نشده‌اند یا کمتر از ارزش واقعی ارزیابی شده‌اند و در پاره‌ای موارد، اقدام به واگذاری‌های در سال ۱۳۹۷ مطابق قیمت کارشناسی سال ۱۳۹۴ صورت گرفته و از این طریق موجب ضرر و زیان به بیت‌المال و بعضاً چالش‌ها و مسائل اجتماعی و امنیتی شده است»^۳.

الف) نقاط قوت

با توجه به اینکه این نوع واگذاری مقدمات و تشریفات کمتری نسبت به واگذاری در فرابورس دارد، بنابراین تسریع در واگذاری و خصوصی‌سازی باشگاه از این طریق محتمل است و در مدت زمان کمتری این اتفاق می‌افتد. همچنین، امکان واگذاری به شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام در این روش وجود دارد و لذا، امکان مداخله هواداران دو باشگاه نیز فراهم است.

ب) نقاط ضعف

امکان واگذاری تام به شخص حقیقی خاص یا شرکت سهامی خاص وجود دارد و موفقیت باشگاه در این شرایط عمدتاً قائم به فرد خواهد بود و نقشی برای هواداران به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و اصلی دو باشگاه متصور نخواهد بود. در واقع موفقیت و عدم موفقیت و حیات و ممات باشگاه به شخص مالک باشگاه بستگی دارد و قطعاً در این صورت وابستگی به شخصیت حقوقی دولت بسیار ارزشمندتر و مطلوب‌تر است. با توجه به فقدان بستر مناسب اقتصادی و کسب درآمد برای باشگاه‌ها و نیز نداشتن اموال و دارایی‌های نامنقول، در صورت بروز مشکلی برای مالک باشگاه به تبع آن موجودیت باشگاه نیز به خطر می‌افتد.

۲. گزارش تفریح بودجه ۱۳۹۶، دیوان محاسبات کشور.
۳. همان.

- تعیین مواردی همچون اهلیت به عنوان مانعی جدی برای واگذاری باشگاه (حتی در صورت بررسی اهلیت هنوز این نگرانی وجود دارد که اگر «اهل» خریداری نماید و بعد از مدتی به «نااهل» واگذار نماید).
- عدم شفافیت کامل صورت‌های مالی، گزارشات و دارایی و بدهی باشگاه مانع واگذاری از این طریق خواهد بود و به علاوه، کشف قیمت را مشکل می‌نماید.
- به مخاطره افتادن بقای باشگاه‌ها در صورت شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی و سیاسی برای شرکت‌های مالک باشگاه.
- احتمال رانت و فساد در واگذاری با توجه به سابقه واگذاری شرکت‌ها از این طریق طی سنوات اخیر (بر اساس گزارش تفریح بودجه ۱۳۹۶ کل کشور) وجود دارد و مضافاً اینکه تعیین تکلیف این دو باشگاه در گذشته به سازمان خصوصی‌سازی محول شد، اما منجر به نتیجه مطلوب نشد.

راهکار ۴: واگذاری تدریجی - ترکیبی

در این روش، در مرحله اول، سازمان خصوصی‌سازی ۴۵ درصد سهام شرکت را از طریق مزایده (آگهی عمومی) واگذار می‌کند و در یک بازه زمانی سه‌ساله، ۴۵ درصد باقی سهام از طریق فرابورس عرضه می‌شود. ۱۰ درصد سهام در اختیار وزارت ورزش و جوانان می‌ماند.

شیوه منطقی و کارآمدی به نظر می‌رسد، اما زمانبر است و تجارب مشابه در سایر صنایع نشان داده است که سهام‌داری دولت حتی به میزان ۱۰ درصد، فرصت اعمال نفوذ از سوی مقامات دولتی در اموری نظیر انتخاب هیأت مدیره، مدیر عامل و... را مهیا می‌سازد و از کارایی سایر ارکان مالکیت و انگیزه سرمایه‌گذاری ایشان می‌کاهد. هرچند حفظ سهام ۱۰ درصدی برای دولت می‌تواند به حفظ حاکمیت ملی کمک کند، لکن سهم ۱۰ درصدی وزارت ورزش و جوانان از سهام باشگاه می‌تواند به نوعی سهام ممتاز تلقی شده و به تداوم دخالت دولت در باشگاه و بی‌انگیزگی سایر سهام‌داران غیردولتی بینجامد. مضافاً اینکه ناکارآمدی احتمالی در کسب نتایج و عملکرد باشگاه را ممکن است به دولت و دخالت دولت در امور داخلی باشگاه ربط دهند که این نیز به صلاح نیست، هر چند



عکس آن نیز صادق است و موفقیت باشگاه می‌تواند موفقیت دولت جلوه داده شود. از سوی دیگر، واگذاری مرحله دوم با فاصله زمانی سه‌ساله از این حیث که اکثریت سهام در این بازه زمانی در اختیار دولت است، جذابیت و انگیزه سرمایه‌گذاری مالک سهام ۴۵ درصد نخست را کاهش می‌دهد.

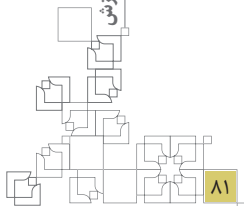
اما، بزرگ‌ترین اشکال این روش این است که در نهایت باشگاه سهام‌دار عمده ندارد (مگر اینکه خریدار بلوک ۴۵ درصدی نخست، بلوک ۴۵ درصدی بعدی را هم خریداری کند) ضمن اینکه واگذاری تلفیقی موضوعی تجربه نشده در دنیا می‌باشد و توجیه حقوقی ندارد، اگر قرار است باشگاه از طریق مزایده یا فرابورس یا هر طریق دیگری واگذار شود، بهتر این است که به یکی از این طریق واگذاری صورت گیرد، مگر آنکه پس از واگذاری باشگاه از طریق مزایده و تعیین یک بازه زمانی مشخص، این الزام به وجود آید که بخشی از سهام آن در بازار سهام (بورس یا فرابورس) پذیرش شود تا امکان مشارکت هواداران فراهم شود.

الف) نقاط قوت

- اطمینان از نقش و حضور ارکان حاکمیت در اداره دو باشگاه که باعث کاهش نگرانی‌های اجتماعی می‌شود.
- هم‌زمانی مالکیت شخصیت حقوقی متمول و مالکیت هواداران می‌تواند باعث هم‌افزایی اجتماعی - اقتصادی در موفقیت باشگاه شود.

ب) نقاط ضعف

- زمانبر بودن مراحل واگذاری و عدم تعیین تکلیف مالک باشگاه در بازه زمانی نسبتاً طولانی می‌تواند به روند برنامه‌ها و فعالیت‌های باشگاه آسیب زند.
- تجربه اجرایی و پشتوانه حقوقی برای این شیوه وجود ندارد.
- ممکن است با چند پاره شدن سهام باشگاه، چندگانگی در روش واگذاری و احتمال تداوم دخالت دولت در امور باشگاه به بی‌انگیزگی مالک غیردولتی و عدم سرمایه‌گذاری آن بینجامد.



راهکار ۵: واگذاری از طریق فرابورس

در این روش که در قانون بودجه ۱۳۹۸ نیز آمده است و دولت در سال مالی منتهی به آن به تکلیف قانونی مزبور عمل نکرد مقرر بود ابتدا ۵ درصد از سهام باشگاه برای کشف قیمت در بازار پایه عرضه شود و سپس ۵۱ درصد به صورت بلوکی و باقی سهام به صورت خُرد از طریق فرابورس واگذار شود.

با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و سیاسی و در صورت تمایل به حفظ مالکیت دولت در این مقطع زمانی (مادامی که بستر و زیرساخت مناسب برای فعالیت باشگاه‌ها فراهم نیست)، روش پیمان مدیریت بهترین الگو است چه آنکه واگذاری (مالکیت) باشگاه‌های ورزشی در گذشته سرانجام تلخی را در پی داشتند. با این حال، برای واگذاری مالکیت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، به نظر می‌رسد پذیرش سهام دو باشگاه مذکور در بازار سهام (فرابورس) یکی از بهترین راهکارها و منطقی‌ترین راه‌حل برای خصوصی‌سازی آنهاست مشروط به آنکه نظام جامع باشگاه‌داری مستقر گردد و الزامات و ملاحظات قانونی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی موضوع مدنظر واقع شود. این شیوه واگذاری از این حیث که موجب شفاف‌سازی دارایی‌ها و صورت‌های مالی و گزارشات مربوط می‌شود، امکان رانت و فساد در واگذاری بنگاه به حداقل می‌رسد و کشف قیمت مناسب و رقابت بهتر برای خریدار میسر می‌شود. مضافاً اینکه هم امکان حضور سرمایه‌گذار کلان اقتصادی وجود دارد و هم شرایط سهام‌دار شدن، تصمیم‌گیری و مشارکت هواداران دو باشگاه به عنوان سرمایه‌های واقعی دو باشگاه فراهم است که می‌تواند رضایت اجتماعی را در پی داشته باشد. با وجود این با توجه به شمار بالای هواداران به نظر می‌رسد افزایش سهام عرضه اولیه از ۵ درصد تا ۱۰ و حتی ۱۵ درصد سهام باشگاه که به کشف قیمت آن منجر می‌شود نیز قابل تصور است. نکته حائز اهمیت اینکه با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی این باشگاه‌ها و پیشگیری از سوءاستفاده مالک و مدیر باشگاه و احتمال نارضایتی‌های عمومی و اجتماعی از نحوه عملکرد و اداره باشگاه‌ها و سهولت امکان ورود حاکمیت به این حوزه، ضروری است اساسنامه دو باشگاه به گونه‌ای تنظیم شود که امکان بررسی صلاحیت هیأت مدیره باشگاه‌ها توسط وزارت ورزش و جوانان و دیگر نهادهای ذی‌ربط وجود داشته باشد (همانند مدل مورد استفاده در خصوص تأیید صلاحیت هیأت مدیره بانک‌ها توسط بانک مرکزی).

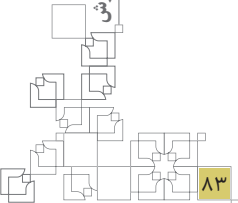


الف) نقاط قوت

- کشف قیمت سهام باشگاه، افزایش شفافیت مالی و بهبود شاخص‌های حاکمیت شرکتی تحت تأثیر الزامات فرابورس برای پذیره‌نویسی میسر است.
- امکان رقابت شفاف بین متقاضیان خرید بلوکی سهام و امکان خرید و فروش سهام توسط هواداران باشگاه‌های ورزشی و ایفای نقش مؤثر هواداران به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در اداره باشگاه‌ها و امکان خرید و فروش سهام باشگاه برای هواداران (به میزان سهام خرد عرضه شده در فرابورس) فراهم می‌شود.
- امکان بررسی صلاحیت و اهلیت متقاضیان خرید بلوک‌های عرضه شده، تسهیل ارزیابی عملکرد مدیران با استناد به قیمت سهام باشگاه‌ها در فرابورس وجود دارد.
- احساس تعهد و هویت‌بخشی به حامیان جهت حمایت قوی‌تر، حرفه‌ای و منطقی‌تر از باشگاه محبوب خود ایجاد می‌شود.
- منع انحصار در مالکیت و اداره باشگاه‌ها و امکان مشارکت عامه در سرنوشت باشگاه فراهم می‌شود.

ب) نقاط ضعف

- نداشتن شرایط و الزامات اولیه برای واگذاری از طریق فرابورس (برای مثال باشگاه استقلال به صورت شرکت سهامی خاص ثبت شده است در حالی که شرط ورود عرضه از طریق فرابورس، عام بودن سهامی بنگاه است که البته با اصلاح اساسنامه قابل رفع است).
- زمانبر بودن واگذاری کامل دو باشگاه که می‌تواند سبب ایجاد وقفه در برنامه‌ها و فعالیت‌های دو باشگاه شود.
- نامناسب بودن وضعیت بازار بورس و فرابورس
- وجود موانع قانونی و عدم بسترسازی لازم برای فعالیت مستقل باشگاه‌های ورزشی



جمع‌بندی مسأله ۲ و راهکارها؛

با این حال، نظر به وضعیت روز بازار بورس و فرابورس و عدم بسترسازی لازم برای فعالیت اقتصادی باشگاه و وجود برخی موانع و پاره‌ای ملاحظات به نظر می‌رسد در تعیین تکلیف این امر تمرکز بر واگذاری مدیریت با امکان سرمایه‌گذاری توسط بخش غیردولتی با حفظ مالکیت بنگاه توسط دولت می‌تواند راهکاری کوتاه‌مدت و منطقی تلقی گردد. هرچند این نیز نیازمند اجازه قانونگذار است.

مسأله ۳: قراردادهای حرفه‌ای ورزشی به ویژه در رشته فوتبال

نظام اداری و مالی ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور فاقد ضابطه مشخص و مدون قانونی به‌ویژه در حوزه منابع و مصارف مالی است. مطابق بندهای «۷» و «۱۱» قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و ماده (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری، فدراسیون‌های ورزشی و کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک به‌عنوان نهاد یا مؤسسات عمومی غیردولتی شناخته می‌شوند که عهده‌دار وظایف و خدماتی هستند که جنبه عمومی دارد و می‌بایست بیش از پنجاه درصد بودجه سالیانه آنها از محل منابع غیردولتی تأمین گردد.

از یک سو، کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک دارای ردیف متفرقه و مستقل در قوانین بودجه سنواتی هستند و مشخص نیست بیش از ۵۰ درصد بودجه سالیانه آنها از کجا و چگونه و تا چه میزان تأمین می‌شود و از سوی دیگر فدراسیون‌های ورزشی از محل اعتبارات وزارت ورزش و جوانان و کمیته‌های مزبور هر ساله اعتباراتی به‌صورت کمک دریافت می‌کنند. مطابق یک برآورد، بیش از ۶۰ درصد بودجه وزارت ورزش و جوانان در قالب کمک به هیأت‌های ورزشی (که ماهیت حقوقی و نحوه اداره و تشکیلات آنها در نظام قانونگذاری نامشخص است) و به فدراسیون‌های ورزشی هزینه می‌شود. در حالی که میزان بودجه و نیز درآمد سالیانه و نحوه هزینه‌کرد منابع مزبور (ارزی یا ریالی) این نهادها چندان قابل محاسبه، ارزیابی، بازرسی و ردیابی نیست.

بررسی‌های ضمنی نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش این هزینه‌ها و درآمدهای فدراسیون فوتبال، نتایج کسب شده فوتبال ایران در راهیابی به جام جهانی، المپیک و نتایج تیم ملی در جام ملت‌های آسیا و همچنین نتایج



باشگاه‌ها در لیگ قهرمانان آسیا سیر نزولی دارد. ازسوی دیگر، وضعیت قرارداد بازیکنان و مربیان داخلی و خارجی در هر دو سطح فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها^۴ و همچنین مربیان خارجی با فدراسیون در مدت ۲۰ سال اخیر و به‌ویژه ۱۰ سال اخیر و تعهدات باشگاه‌ها و فدراسیون در قبال قراردادهای منعقد شده بسیار اسفناک است.

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، تاکنون نزدیک به ۳۰ میلیون دلار (حدود ۶۷۰ میلیارد تومان) علیه فدراسیون فوتبال و باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال (به‌عنوان شرکت‌های فرهنگی ورزشی دولتی تابعه وزارت ورزش و جوانان) حکم صادر شده است. این درحالی است که مجموع احکام صادره شده علیه فوتبال کشور چیزی حدود ۴۷ میلیون دلار است که سهم سایر باشگاه‌ها حدود ۱۷ میلیون دلار است.

جدول ۱. جریمه‌ها و بدهی‌های فوتبال ایران توسط فیفا و CAS در ۱۰ سال اخیر^۵

جریمه‌های تیم‌های ملی فوتبال	۶/۳۳۷ میلیون یورو به‌علاوه ۴۵۰ هزار دلار	حدود ۱۸۱ میلیارد تومان
باشگاه پرسپولیس تهران	۱۳/۶۵ میلیون دلار	حدود ۳۰۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان
باشگاه استقلال تهران	۸/۵ میلیون دلار	حدود ۱۸۷ میلیارد تومان
مجموع	۶/۳۳۷ میلیون یورو ۲۲/۶ میلیون دلار	حدود ۶۶۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان



۴. که عمدتاً دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی یا دارای سهام دولتی‌اند.
۵. مبالغ برحسب دلار ۲۲۵۰۰ تومان محاسبه شده است.

راهکارها:

۱. کلیه فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی که دارای صورت‌های مالی منفی هستند یا دارای بدهی مالیاتی می‌باشند از جذب مربیان و بازیکنان خارجی منع شوند.
۲. کلیه قراردادهای فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی با مربیان و بازیکنان و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی صرفاً پس از تأیید دفتر حقوقی وزارت ورزش و جوانان رسمیت دارد، در غیر این صورت تصرف غیرقانونی در اموال عمومی تلقی می‌گردد.
۳. وزارت ورزش و جوانان، کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک با همکاری فدراسیون‌های ورزشی مکلف به تدوین قراردادهای تیپ برای حوزه‌های گوناگون ورزش هستند و هرگونه انعقاد قرارداد توسط نهادهای مزبور و زیرمجموعه‌های آنها باید بر مبنای آن انجام شود.
۴. هرگونه کمک مالی به فدراسیون‌ها صرفاً پس از تقدیم و انتشار عمومی صورت‌های مالی حسابرسی شده قبلی و مبادله موافقت‌نامه فی‌مابین طرفین انجام شود.
۵. وزارت ورزش و جوانان برای قراردادهای سقف مالی تعیین نماید و قرارداد بالاتر از سقف معین شده ممنوع شود و در صورت احراز تخلف توسط باشگاه، پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده به دو برابر مبلغ پرداخت شده جریمه گردند.
۶. از پاداش‌هایی که توسط بازیکنان باشگاه‌ها و تیم ملی دریافت می‌شود مستند به ماده (۱۱۹) قانون مالیات‌های مستقیم، مالیات اضافی اخذ شود.
۷. قراردادهای بازیکنان و مربیان صرفاً به صورت ریالی منعقد گردد.
۸. صورت مالی باشگاه‌ها و فدراسیون فوتبال طبق استانداردهای مربوط اعم از کلیه دریافت‌ها، پرداخت‌ها و پاداش‌ها ثبت و به صورت شفاف اعلان عمومی شود.

مسئله ۴: پرخاشگری و خشونت در فوتبال

فوتبال، با توجه به ماهیتش به همان نسبت که توان همگرایی و اتحاد

ملی را دارد، می‌تواند به اتفاق و دوقطبی اجتماعی بینجامد. در واقع، فوتبال (بیش از هر رشته ورزشی دیگری) هرگز بی‌طرف نیست؛ می‌تواند ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی را بیاموزاند یا نیاموزاند، می‌تواند به مردم در ایجاد یک تصویر مثبت از خود و احترام به دیگران کمک کند یا نکند. می‌تواند زندگی اجتماعی را تقویت کند یا برعکس، می‌تواند مردم را گرد هم آورد، دوستی‌ها را تقویت کند، شیوه‌های زندگی سلامت‌بخش را آموزش دهد و غرور شهروندی و مشارکت اجتماعی به‌وجود آورد، یا می‌تواند حول و حوش پرخاشگری، خشونت، مواد مخدر، تقلب، رانت، فساد و پیروزی در مسابقه به هر قیمتی حرکت کند.

خشونت در فوتبال از جمله مهم‌ترین ناهنجاری‌های حوزه ورزش است که بیش از سایر ناهنجاری‌ها، روح ورزش را آزرده کرده است و می‌تواند مانعی برای مشارکت عموم مردم در این‌گونه برنامه‌ها و فعالیت‌ها باشد. در این باره در دو دهه اخیر کنش‌هایی از سوی حاضران در میادین ورزشی اقصی نقاط کشور، به ویژه تماشاگران مسابقات فوتبال سر زده است که می‌توان از آنها تحت عنوان رفتارهای پرخاشگرایانه و خشونت‌آمیز یاد کرد. این اقدامات از یک‌سو سطح امنیت اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از سوی دیگر، پلیس و سازمان‌های دیگر را با چالش‌های امنیتی روبه‌رو می‌کند.

قدمت پدیده خشونت در فوتبال با عمر این ورزش پرتطرفدار برابری می‌کند. استفاده از قدرت بدنی، آمیختگی بازی با نوعی احساس تنش و هیجان زیاد میان بازیکنان برای غلبه بر حریف و کسب پیروزی و برخی دیگر از عوامل، ورزش فوتبال را با نوعی خشونت درونی و ذاتی همراه کرده است. گسترش روزافزون این ورزش در جامعه به دلایل متغیر و تأثیر آن برگستره اجتماع خود به تشدید حساسیت و سپس خشونت در آن دامن زده است. این امر به ویژه با فرایند حرفه‌ای شدن فوتبال و کسب جایگاه و اهمیت اقتصادی و سیاسی آن رشد بیش‌تری داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان در بسیاری از کشورها پدیده خشونت در فوتبال را یکی از مسائل اساسی و بحث‌انگیز آنها دانست. تماشاگران ورزش اعم از بینندگان و خوانندگان و یا کسانی که در میادین ورزشی برای دیدن مسابقات حاضر می‌شوند، بی‌شک بخش عمده‌ای از مردم به ویژه نوجوانان و جوانان را در جهان ورزشی امروز تشکیل می‌دهند که در حال حاضر پاره‌ای از جوامع فوتبال بالاخص تماشاگری عرصه رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زای اجتماعی شده است.



شعارهای هنجارشکنانه، فحاشی، ورود مواد محترقه، سلاح‌های سرد و مواد مخدر به داخل ورزشگاه‌ها، پرتاب اشیا از سوی تماشاگران، شکستن صندلی‌های ورزشگاه‌ها و تخریب سکوها، آسیب به تأسیسات و تجهیزات ورزشگاه‌ها، شکستن شیشه‌های اتوبوس‌ها و تخریب آنها، درگیری فیزیکی تماشاگران، مصدومیت تماشاگران و کشته شدن آنها در ورزشگاه‌های فوتبال ایران حاکی از فضای ناامن برای تماشاگران، هواداران، ورزشکاران، مربیان، داوران و سایر افراد حاضر در آنهاست.

الف) راهکارهای مدیریتی (در حین رویداد)

جدول ۲. راهکارهای مدیریتی (در حین رویداد)

دستگاه مسئول	راهکارهای مدیریت و کنترل
وزارت ورزش و جوانان	تعبیه ورودی و خروجی مجزا و پیش‌بینی جایگاه استقرار ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، نوجوانان و معلولان
سازمان لیگ فدراسیون فوتبال	برگزاری مسابقات حساس و جنجال‌آفرین تیم‌های سپاهان، تراکتورسازی، استقلال و پرسپولیس در ابتدای فصل مسابقات
فدراسیون فوتبال ایران و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	برگزاری بازی‌های تیم ملی در شهرهای مختلف کشور جهت کاستن از آثار دوقطبی‌سازی فوتبال در جامعه و تقویت حس همبستگی و اتحاد ملی و حذف «نام شهر» از عنوان باشگاه‌ها جهت کاستن از اثر دوقطبی‌سازی ناشی از فوتبال و تقویت اثر هویت‌ساز ملی (حتی‌المقدور از پسوند «ایران» استفاده شود مانند سپاهان ایران به جای سپاهان اصفهان، تراکتورسازی ایران به جای تراکتورسازی تبریز و پرسپولیس ایران و استقلال ایران)
سازمان بازرسی کل کشور فدراسیون فوتبال ایران	حذف جرائم نقدی باشگاه‌ها به واسطه پرخاشگری و خشونت هواداران (اخذ جریمه نقدی از سوی سازمان مجری مسابقات ورزشی (که در بخشی خود نیز مسئول حفظ نظم و امنیت است) سبب ایجاد تعارض منافع می‌شود)؛ اخذ جرائم نقدی به لحاظ حقوق داخلی فاقد وجهت قانونی است
وزارت ورزش و جوانان فدراسیون فوتبال	افزایش نرخ بلیت مسابقات بعدی تماشاگران باشگاه خاطی و کاهش نرخ بلیت مسابقات بعدی تماشاگران منضبط (گاهاً مشاهده می‌شود برخی افراد باشگاه‌ها را تهدید می‌کنند که اگر مقداری پول به آنان ندهند در بازی‌های خانگی در ورزشگاه حضور پیدا می‌کنند و شروع به فحاشی و سنگ‌پراکنی می‌کنند که این امر باعث جریمه باشگاه‌ها شود و به نوعی از باشگاه‌ها اخاذی می‌شود)
سازمان لیگ فدراسیون فوتبال نیروی انتظامی	اختصاص ۱۰ درصد از درآمدهای حاصل از بلیت فروشی مسابقات ورزشی به نیروی انتظامی جهت تربیت نیروی متخصص تأمین نظم در اماکن ورزشی (یا تربیت پلیس ورزشی)
سازمان برنامه و بودجه وزارت ورزش و جوانان	الزام شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی و مالکان دیگر استادیوم‌های ورزشی به تأمین و تجهیز زیرساخت‌های ضروری از محل درآمدهای اختصاصی و اعتبارات ۲۷٪. درصد از مالیات بر ارزش‌افزوده سهم ورزش (از جمله ورودی و خروجی مجزا برای تردد تماشاگران دو تیم، دوربین‌های مداربسته، شماره‌گذاری صندلی و فروش الکترونیکی بلیت، سرویس‌های بهداشتی و اغذیه فروشی)

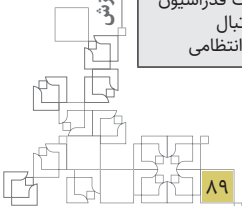


برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش

دستگاه مسئول	راهکارهای مدیریت و کنترل
دادستانی کل کشور شورای تأمین استان	ممانعت از برگزاری مسابقات مهم ورزشی در اماکن فاقد تسهیلات، امکانات و زیرساخت‌های ضروری (از جمله فقدان ورودی و خروجی مجزا برای تردد تماشاگران دو تیم، فقدان دوربین‌های مداربسته، شماره‌گذاری صندلی و فروش الکترونیکی بلیت، سرویس‌های بهداشتی و اغذیه‌فروشی)
دادستانی کل کشور	استقرار دادسرای ویژه ورزش جهت رسیدگی به جرائم عمومی ورزشکاران، مربیان، مدیران و عوامل مرتبط با باشگاه
دادستانی کل کشور	حضور نماینده دادستانی به عنوان ناظر عمومی در مسابقات ورزشی و ارائه گزارش حوادث و رخدادهای غیرورزشی به مقامات قضایی
شورای امنیت کشور و شورای تأمین	پیش‌بینی کمیته امنیتی - انتظامی تأمین امنیت در اماکن ورزشی وابسته به شورای امنیت کشور و شورای تأمین استان
مجمع عمومی فدراسیون فوتبال	تدوین و تصویب اساسنامه کانون هواداران باشگاه‌ها و بررسی صلاحیت عمومی و اخلاقی مسئولان کانون و سرمشوق‌های باشگاه
مجمع عمومی فدراسیون فوتبال	بازبینی آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال و ترسیم نقش باشگاه‌ها، کانون هواداران در تأمین امنیت تماشاگران و اموال آنها
نیروی انتظامی جمهوری اسلامی	استقرار مأموران پوششی در وسایط نقلیه عمومی، استقرار مأموران به شکل محسوس و نامحسوس در میان تماشاگران
سازمان صدا و سیما	برجسته‌سازی و تجلیل از نکات مثبت دربی‌ها مانند برخورد‌های جوانمردانه، رفتار صمیمانه و متواضعانه توأم با همدلی و همراهی
وزارت ورزش و جوانان سازمان صدا و سیما	معرفی نمایندگان تماشاگران نمونه با ذکر دلیل انتخاب و تجلیل از رفتارهای شایسته آنان
فدراسیون فوتبال	اعلام فوری محرومیت برای بازیکنان، کادر فنی و تماشاگران خاطی و محرومیت مربیان و بازیکنان تحریک‌کننده خشونت تماشاگران، محرومیت تماشاگران خاطی و آشوبگر از ورود به استادیوم‌ها برای مدت طولانی، برگزاری مسابقه در زمین بی‌طرف برای مدت معین، تعلیق حضور تماشاگران در بازی‌های خانگی برای مدت مشخص
فدراسیون فوتبال	صدور شناسنامه صلاحیت عمومی، روانی و اخلاقی برای بازیکنان، مربیان و کادر فنی جهت فعالیت در لیگ برتر و کسر نمره یا ابطال آن به ازای هرگونه اقدام خلاف شئون فرهنگی، ورزشی و اخلاقی
فدراسیون فوتبال پژوهشگاه علوم ورزشی	برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت مدیریت رویدادها و مسابقات ورزشی و مهارت‌افزایی و توانمندسازی مدیران و مسئولان ادارات ورزش و جوانان سراسر کشور، باشگاه‌ها و هیئت‌های ورزشی
فدراسیون فوتبال سازمان لیگ	استفاده از تکنولوژی VAR توسط داوران مسابقات ورزشی جهت کاهش اشتباهات داور
فدراسیون فوتبال سازمان لیگ	اجرای ضابطه ۹۰- ۱۰ (۹۰ درصد سکوها در اختیار هواداران تیم میزبان باشد و ۱۰ درصد مابقی به هواداران تیم میهمان برسد) توسط سازمان لیگ فدراسیون فوتبال
سازمان لیگ فدراسیون فوتبال نیروی انتظامی	بازنمودن درب ورزشگاه‌ها و استادیوم‌های ورزشی حداکثر ۲ ساعت قبل از شروع مسابقه (جهت کاهش زمان حضور تماشاگران در استادیوم و خستگی ذهنی و جسمی آنها)



برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش



ب) راهکارهای زمینه‌ای (پیش از رویداد)

جدول ۰۳. راهکارهای زمینه‌ای (پیش از رویداد)

دستگاه مسئول	راهکارهای مدیریت و کنترل
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ساماندهی مطبوعات ورزشی از طریق استقرار شعبه نظارت بر مطبوعات ورزشی وابسته هیئت نظارت بر مطبوعات
شورای عالی فضای مجازی	مدیریت فضای مجازی و هواداران در شبکه‌های مجازی
پلیس فتا و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	ممانعت از فعالیت سایت‌های پیش‌بینی و شرط‌بندی مسابقات ورزشی
سازمان صدا و سیما	ارتقای شورای هماهنگی ورزش صدا و سیما به شورای سیاستگذاری جهت تعیین خط‌مشی برنامه‌های ورزشی
سازمان صدا و سیما	ممنوعیت ایجاد و تبلیغ سامانه‌های پیش‌بینی مسابقات ورزشی از سوی صدا و سیما
سازمان صدا و سیما	جلوگیری از سوگیری و ممانعت از حضور افراد دارای سابقه پرخاشگری، خشونت و مجری برنامه‌های ورزشی صدا و سیما
سازمان صدا و سیما	مد نظر قرار دادن صلاحیت‌های روانی و اخلاقی میهمانان و کارشناسان برنامه‌های ورزشی، ممانعت از حضور افراد دارای سابقه پرخاشگری، خشونت و جنجال‌آفرین در برنامه‌های صدا و سیما و استفاده از مجریان و کارشناسان دارای نفوذ کلام در توده‌ی مردم جهت ترویج فرهنگ هواداری
سازمان صدا و سیما	مکلف شدن صدا و سیما به تهیه و پخش نماهنگ‌ها و تیزرهای آموزشی با ساختار و محتوایی مناسب و جذاب برای نشان دادن آسیب‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی رفتارهای نامناسب و خشونت‌آمیز تماشاگران و زمینه‌سازی برای اصلاح فرهنگ تماشای مسابقه در ورزشگاه‌ها از محل درآمدهای حاصل از پخش آگهی‌های بازرگانی
سازمان صدا و سیما	ممانعت از پرداختن به حواشی جنجال‌برانگیز نظیر شایعات، کری‌خواندن‌های بازیکنان و مربیان تیم‌ها برای همدیگر و اشتباهات داوری در حق هر یک از تیم‌ها



برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش

ورزش قهرمانی



مسئله ۱: ضعف حاکمیت ملی در ورزش ملی و حرفه‌ای (فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها)

مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری، فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی می‌بایست بیش از ۵۰ درصد از بودجه خود را از بخش غیردولتی تأمین کنند و این وابستگی شدید به منابع عمومی و پاسخگو نبودن آنها در قبال اعتباری که از وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک دریافت می‌کنند و ضعف نظارت بر آنها، محل نگرانی و از چالش‌های جدی حوزه ورزش کشور است.

اینک با کدام ادله می‌توان پذیرفت که وزارت ورزش و جوانان، بیش از ۶۰ درصد (بیش از ۶۷۶ میلیارد تومان) بودجه جاری خود را به‌عنوان کمک و اعانه در اختیار فدراسیون‌های ورزشی (نهادهای عمومی غیردولتی) و هیأت‌های تابعه (با ماهیت حقوقی نامشخص) قرار دهد و مضافاً اماکن و زیرساخت‌های تابعه را که از محل بودجه عمومی کشور احداث شده‌اند بدون طی تشریفات مربوط به این نهادها و مؤسسات واگذار کنند اما در تمکین به اجرای برخی از قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران از جمله «منح به‌کارگیری بازنشستگان» و «ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» اهمال کنند. از سوی دیگر، هرگاه که بحث نظارت بر عملکرد آنها و نحوه هزینه‌کرد این مبالغ مطرح است آن را به دخالت دولت در ورزش و امور داخلی فدراسیون‌های مربوطه تعبیر کرده و

فدراسیون بین‌المللی مرتبط را به حمایت می‌طلبند و در مقابل قوانین، ارزش‌ها و حاکمیت ملی می‌ایستند و فدراسیون بین‌المللی مربوطه را بالاترین مرجع در امر پاسخگویی می‌دانند.

راهکارها:

۱. بررسی و بازنگری در ساختار کلان و خرد ورزش کشور و چابک‌سازی این ساختار
۲. تصویب اساسنامه کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی
۳. استقرار نظام حکمیت و داوری در ورزش کشور

مسئله ۲: وجود شبکه‌های فساد و رانت در ورزش کشور و عدم شفافیت در اداره منابع مالی و انسانی ورزش کشور

فساد، پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد، اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است؛ همانطور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان، وضعیت سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی تفاوت دارد. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشور در حال توسعه، وارث نظام اداری ناکارآمد و توأم با فساد در دستگاه حکومتی و دولتی و زیر نظام‌های آن بوده است. طبعاً بخشی از فساد امروزی بازمانده نظام‌های پیشین و بخشی نیز معلول عملکرد و شرایط گریزناپذیر سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. براساس گزارش سازمان جهانی شفافیت در سال ۲۰۱۵، ایران در بین ۱۷۶ کشور جهان از نظر میزان سالم بودن (نبود فساد) در رده ۱۳۰ قرار دارد. به‌عبارتی از نظر وقوع فساد در رتبه ۴۷ قرار گرفته است. فساد واقعه‌مدرنی نیست، بلکه خصوصیتی از جامعه بشری است. فساد عاملی مخرب جهت ایجاد نابرابری درآمد و فقر است.

فساد در صنعت ورزش مقوله‌ای پیچیده و شایع است که تمامیت ورزش به‌عنوان یک نهاد را تهدید می‌کند. منافع گروه‌های سیاسی، تجاری و فردی در سرتاسر صنعت ورزش، فرصت‌های گسترده‌ای برای بروز تخلف فردی و سازمانی در بخش‌های انتفاعی و غیرانتفاعی ورزش ایجاد می‌کند. فسادهایی که در ورزش به‌خصوص در بخش حرفه‌ای اتفاق می‌افتد، ممکن است توسط افراد



مختلفی صورت گیرد، مانند ورزشکاران، مربیان، داوران، مدیران باشگاه‌ها، افراد دولتی درگیر در ورزش، حامیان مالی، حقوقدان‌های ورزشی، رؤسای فدراسیون‌ها و انجمن‌های ورزشی، اعضای کمیته‌ها و سازمان‌های ورزشی، برگزارکنندگان مسابقات ورزشی، مأموران مالیاتی، مقامات اداری مسئول، ناظران، تماشاگران و حتی برخی از داوطلبان که در ورزش فعالیت دارند.

مهمترین اشکال فساد در ورزش شامل دوپینگ، شرط‌بندی، تبانی، سوءاستفاده اخلاقی، فروش رأی و رانت‌خواری می‌شود. فساد مالی هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و سوءاستفاده از موقعیت و استفاده غیرقانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی است. به عبارت خلاصه، فساد مالی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است. فساد اخلاقی نیز هرگونه رفتار، گفتار یا عملکردی خارج از عرف و ارزش‌های پذیرفته شده یک جامعه، تعریف می‌شود. فساد اخلاقی به معنای استفاده از روابط نامشروع و غیرقانونی برای رسیدن به اهداف شخصی در سازمان است که اغلب به معنای شروع‌کننده یا تسهیل‌کننده فساد مالی نیز است. البته مرز مشخصی بین این دو نوع فساد نمی‌توان قائل شد، چرا که هر دو می‌توانند معلول و علت یکدیگر نیز باشند. از آنجا که ورزش، تجارت و صنعتی است با مبادلات مالی بسیار بالا، در نتیجه، ارتباط پیچیده‌ای با منافع سیاسی و خصوصی احزاب و افراد مختلف دارد. ضمن اینکه بیشتر معاملات و تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه، پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد و این فرصت و بستری مناسب برای فساد در این بخش را فراهم می‌کند. با توجه به پول، رقابت و قدرتی که در ورزش درگیر است و همچنین روابطی که بین مدیران ورزشی، سیاسیون، رسانه‌ها، حامیان مالی و مراکز قدرت وجود دارد، فساد تهدید همیشگی در ورزش است.

چندشغله بودن مدیران ورزشی و فساد اداری، از شایع‌ترین انواع فساد سال‌های اخیر ورزش کشور ایران است. اخیراً، موضوع فساد در فوتبال به ویژه پشت‌پرده‌های آن، جذب بازیکن‌های خارجی توسط باشگاه‌های دولتی یا شبه دولتی، رواج پدیده‌های چون مربی-دلال، مدیر-دلال، در حالی که شغل «مدیربرنامه» امری رایج در ایران و دنیاست ولی در کنار این موارد روشن و شفاف، تیرگی‌های زیادی در نقل و انتقالات مربیان و بازیکنان لیگ دسته‌های مختلف فوتبال ایران وجود دارد که منجر به تضییع حقوق بیت‌المال می‌شود و



پرونده‌های ویلموتس (سرربی تیم ملی فوتبال ایران) و استراماچونی (سرربی تیم استقلال تهران) از این دست موضوعات است که باید در جای خود به دقت بررسی و موشکافی شود.

راهکارها:

۱. تعیین سامانه شفافیت مالی و اداری در وزارت ورزش و جوانان و سایر نهادهای ورزشی.
۲. اصلاح شرایط احراز مسئولان نهادهای ورزشی کشور
۳. بهره‌گیری از پیشکسوتان و قهرمانان و جوانان متخصص و مجرب و توانمند دارای رویکرد جهادی و انقلابی

مسئله ۳: ضعف در دیپلماسی ورزش و محکومیت، محرومیت و تعلیق

ورزش ملی و باشگاهی

ورزش ابعادی چندوجهی دارد، بنابراین مدیریت کلان ورزش کشور نیاز به مدیرانی با شاخص‌های حداکثری و ممتاز دارد. از سوی دیگر، ورزش در واقع کالایی غربی است و فدراسیون‌های جهانی و در رأس آن کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) بر ورزش جهان نظارت و مدیریت می‌کنند، بنابراین اگر قرار است که ورزش ایران در عرصه بین‌المللی کارایی و اثربخشی لازم را داشته باشد و به رشد و شکوفایی مورد نظر دست یابد باید به قدرت روابط بین‌المللی و چانه‌زنی‌های تعاملی به عنوان فرصتی اثربخش و دارای ارزش افزوده نگاه کند. این موارد در حالی مطرح می‌شود که بخشی اعظمی از مدیران ورزش کشور در سطوح ملی و استانی از اداره کردن کارکنان تحت امر خویش و ساماندهی، بسیج، رهبری و نظارت و کنترل آن‌ها عاجزند چونکه مدیریت سنتی جای مدیریت نوین را گرفته است و بجای بینش‌مندی و دانش‌مندی فضای مدیریت ورزش ایران آکنده از سلیقه‌محوری، ساده‌انگاری، سطحی‌نگری و روزمرگی است. از سوی دیگر، بخش اعظمی از این رخدادهای، از جمله تعلیق فدراسیون جودو ایران، مهاجرت ورزشکاران، سلب میزبانی‌ها و محکومیت در پرونده‌های بین‌المللی ورزش به ویژه در رشته فوتبال به دلیل سوءمدیریت مدیران ورزش کشور در فعالیت‌های داخلی و مشکلات اساسی آن‌ها در کسب کرسی‌های مهم بین‌المللی و ضعف در دیپلماسی ورزش است. ناتوانی مدیران ایرانی در



دیپلماسی بین‌المللی در حالی به معضلی بزرگ تبدیل شده که در روزهای سخت به‌جای کمک به ورزش و ورزشکاران ایرانی، در ناکامی آن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند. سال‌هاست برخی از کشورها به‌دلیل درگیری‌های منطقه‌ای و عقیدتی و با نظر کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های جهانی، در مسابقات بین‌المللی با همدیگر روبه‌رو نمی‌شوند. در این وضعیت، مدیران ورزش ایران به‌جای مذاکره و چانه‌زنی در عرصه بین‌المللی برای حل این مشکلات، در حال چانه‌زنی در عرصه داخلی برای انتصاب مدیران سفارشی، بی‌کارنامه و یا از به سخنی دیگر، مدیران تکراری، چرخشی و همیشه در صحنه ولی عاری از کارایی و اثربخشی هستند.

راهکارها:

۱. تعیین وظیفه در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در کشورهای قدرتمند ورزشی برای حمایت از دیپلماسی ورزشی با امکان استقرار پست اختصاصی
۲. شاخص و معیار قرارداد دادن تخصص در حوزه امور بین‌الملل ورزش جهت انتخاب و انتصاب مدیران ورزش کشور در سطح ملی
۳. حمایت از کسب کرسی‌های مؤثر بین‌المللی ورزش
۴. ایجاد کنفدراسیون ورزشی کشورهای حوزه تمدنی
۵. حمایت از احیای بازی‌های همبستگی اسلامی و امکان‌سنجی بازی‌های اوپک

مسئله ۴: افزایش مهاجرت و ترک تابعیت ورزشکاران ایرانی

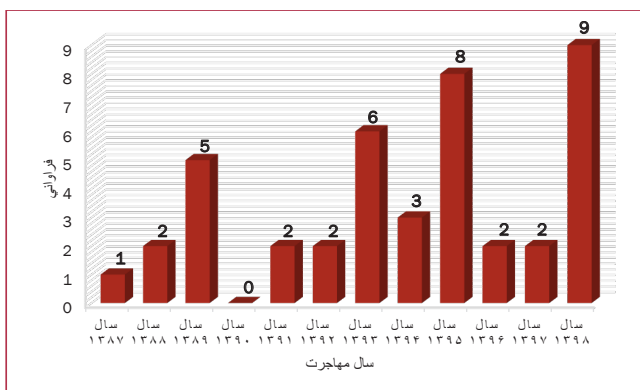
مهاجرت ورزشکاران مسئله‌ای است که با توجه به اثرگذاری فرهنگی-اجتماعی موضوع و پرداختن جریان‌های رسانه‌ای و افکار عمومی به آن و پذیرش تابعیت بیگانه دارای اهمیت است؛ به‌ویژه آنکه این موضوع ابزاری است که در جنگ نرم دشمن علیه ملت ایران و بالاخص تضعیف روحیه امید و اعتماد به نفس جوانان و نوجوانان این سرزمین به‌کار می‌رود.

علل مهاجرت ورزشکاران را می‌توان در دو دسته کلی عوامل مدیریتی (وضعیت اقتصادی کشور و به تبع آن ورزش، پرداختن افراطی مدیران ورزش



به رشته فوتبال و کم‌اعتنایی به سایر رشته‌های ورزشی مدال‌آور، بی‌توجهی مسئولان به مسائل معیشتی ورزشکاران، فقدان نظام جامع بیمه‌ای و رفاه اجتماعی ورزشکاران ناشی از نبود نظام باشگاه‌داری، نبود لیگ‌های حرفه‌ای و منسجم و کارآمد در رشته‌های ورزشی المپیک، کیفیت و کمیت حداقلی امکانات، زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی در برخی رشته‌های ورزشی، پشت خط ماندن ورزشکاران و اختلاف‌نظر با مسئولان فدراسیون یا کادر فنی) و عوامل سیاسی (تلاش منافقین و معاندین جمهوری اسلامی ایران برای مهاجرت ورزشکاران ایران) دسته‌بندی کرد.

جدول ۴. توصیف وضعیت مهاجرت ورزشکاران ایرانی در ۱۲ سال اخیر



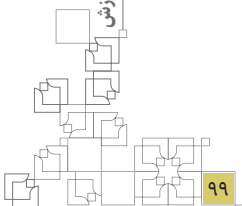
جدول ۵. توصیف وضعیت ورزشکاران مهاجرت کرده ایرانی در رشته‌های مختلف طی دو دهه گذشته

رشته	تعداد ورزشکاران	جنسیت		توضیحات
		مرد	زن	
جودو	۷	۷	-	مربی تیم ملی جودو ایران نیز در سال ۲۰۱۹ مهاجرت کرد.
تکواندو	۵	۳	۲	سرمربی تیم ملی تکواندو ایران در سال ۲۰۱۳ ایران را ترک نمود و در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹ به‌عنوان بهترین سرمربی مرد جهان در رشته تکواندو شناخته شد. تکواندوکار مهاجرت‌کرده ایرانی زیر پرچم کشور آذربایجان موفق به شکست تکواندوکار تیم ملی کشورمان شد و در نهایت مدال المپیک ۲۰۱۶ برزیل را کسب کرد.
قایقرانی	۵	۲	۳	-
ژیمناستیک	۴	۴	-	-
شطرنج	۴	۱	۳	علاوه بر چهار نفر مطروحه، در یکسال اخیر دو ورزشکار آقا و دو ورزشکار خانم از تیم ملی خداحافظی کردند و یک داور خانم نیز مهاجرت کرده است.
کشتی	۳	۳	-	کشتی‌گیر مهاجرت کرده ایرانی زیر پرچم کشور آذربایجان موفق به کسب مدال المپیک ۲۰۱۶ برزیل شد.
غریق نجات	۲	۲	-	-
معلولین و جانبازان	۲	۲	-	-
فوتبال	۱	۱	-	-
شمشیربازی	۱	۱	-	-
کاراته	۱	۱	-	-
بوکس	۱	۱	-	-
هندبال	۱	۱	-	-
تیر و کمان	۱	۱	-	-
مجموع	۳۸	۳۰	۸	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش.



برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش



راهکارها:

آنچه ورزشکاران و استعداد‌های برتر ورزشی هر کشوری را به ماندن در وطن ترغیب می‌کند، ارائه انگیزاننده‌های درونی و بیرونی به ورزشکاران است که از آن جمله می‌توان به تسهیلاتی نظیر اشتغال، قانون سرباز قهرمان برای آقایان، ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط، تسهیلات مسکن و... اشاره کرد و در سایه آموزش و تربیت صحیح ورزشکاران از بدو شروع فعالیت و همچنین توسعه شاخص‌های زندگی فردی و اجتماعی و در اختیار قرار دادن امکانات حرفه‌ای و آشنا نمودن آنها با قوانین، مقررات و اصول حقوقی حرفه‌ای می‌توان کمک کرد تا با فراغ بال به بارور کردن استعداد‌های ورزشی خود بپردازند و برای میهن افتخارآفرینی کنند.

بنابراین در ذیل راهکارهایی ارائه می‌شود:

- سطح‌بندی ورزشکاران مدال‌آور المپیک، قهرمان جهان و قهرمان بازی‌های آسیایی و ارائه تسهیلات براساس امتیازات کسب شده
- ارائه تسهیلات بانکی مصوب در حوزه مسکن، اشتغال و ازدواج برای قهرمانان مشمول قانون سرباز قهرمان به میزان دو برابر افراد غیرورزشکار
- ارائه تسهیلات ویژه مسکن به قهرمانان متأهل
- ارائه تسهیلات زمین به ارزش معاملاتی و تسهیلات بانکی جهت احداث و تکمیل تأسیسات ورزشی به ورزشکاران المپیک و قهرمانان جهان در رشته‌های ورزشی هدف و نیز واگذاری حق بهره‌برداری و یا مالکیت اماکن و تأسیسات ورزشی تکمیل شده و نیمه‌تمام به آنها (تشویق سرمایه‌گذاری نخبگان ورزشی در کشور)
- عضویت دارندگان مدال المپیک در مجمع عمومی فدراسیون ورزشی رشته مربوطه به مدت چهار سال و عضویت دائمی دارندگان مدال طلای المپیک در مجامع فدراسیون‌ها
- معافیت ورزشکاران مشمول قانون سرباز قهرمان از مالیات بر ارزش‌افزوده برای حداقل چهار سال و اخذ تعهد مبنی بر پرداخت اصل بدهی مالیاتی و جریمه‌ای آن در صورت پذیرش تابعیت بیگانه



- ایجاد الزامات و بایسته‌های قانونی و حقوقی جهت متعهد نمودن ورزشکاران حوزه قهرمانی با توجه به میزان سرمایه‌هایی ملی که حداقل طی یک دوره چندساله برای آنها در ورزش هزینه شده است. از جمله: کسب تعهد از ورزشکاران تیم‌های ملی مبنی بر ارائه خدمت مدیریتی یا آموزشی در حوزه ورزش مربوطه به میزان مدت زمان عضویت در تیم‌های ورزشی ملی جمهوری اسلامی ایران
- تصویب قانون «نظام جامع باشگاهداری» و «نظام ورزش حرفه‌ای» برای رونق بخشی به فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای که در هفت رشته قابلیت سرمایه‌گذاری دارد و منجر به تأمین مالی و معیشتی و امور بیمه‌ای و رفاه اجتماعی ورزشکاران نخبه در این رشته‌ها خواهد شد^۶
- اصلاح نظام «جذب و تربیت مربی» و «سامانه پرورش مدیران ورزشی» در راستای ایجاد یک آینده ورزشی روشن برای قهرمانان فعلی
- تصویب سند حفظ کرامت و حمایت از قهرمانان ملی ورزشی کشور
- تدوین و تصویب سند جامع ارتقای نظام مربیگری در ورزش
- اصلاح حکم قانونی ممنوعیت کمک به ورزش حرفه‌ای (موضوع ماده ۹۴) قانون برنامه ششم توسعه) و اصلاح ضوابط قانونی مربوط به نحوی که با تأیید و تصویب شورای عالی ورزش کشور امکان حمایت دولت از باشگاه‌های حرفه‌ای فعال در ورزش‌های پایه و مدال‌آور فراهم گردد
- مکلف نمودن صندوق حمایت از قهرمانان^۷ و پیشکسوتان جهت پرداخت مستمری و بیمه‌های اجتماعی کلیه قهرمانان رشته‌های ورزشی از سن ۱۷ سال و بالاتر به مدت ۱۰ سال
- مکلف نمودن وزارت ورزش و جوانان به هزینه‌کرد ۵۰ درصد از اعتبارات موضوع کمک‌های فنی و اعتباری برای ورزشکاران رشته‌های کشتی، وزنه‌برداری، جودو و ...
- اصلاح قانون سرباز- قهرمان در راستای ارائه تسهیلات و مشوق‌های حمایتی جدید از سوی دولت

۶. تدوین نظام بازنشستگی از ورزش قهرمانی در دنیا با عنوان Sport Career Transition شناخته می‌شود و اغلب کشورها از چارچوب سیاستی روشنی در این زمینه برخوردار هستند.
 ۷. المپیک، جهانی و آسیایی.

- استقرار نظام آمایش سرزمینی در ورزش قهرمانی و ملی کشور و اصلاح ساختار فدراسیون‌ها و منطقی‌سازی اندازه ورزش کشور
- تثبیت و ارتقای جایگاه و ورزش قهرمانی و ملی به قدرت اول منطقه مطابق هدف سند چشم انداز ۱۴۰۴



ورزش بانوان



برنامه ریزی ورزش کشور به دور از تبعیض جنسیتی در همه بخش ها و مبتنی بر مسأله محوری و ارائه راهکارها ارائه شد و بانوان به عنوان نیمی از جامعه ایران سهمی بزرگی در این برنامه ریزی داشته اند. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع ورزش بانوان، تلاش شد که یک بخش ویژه به این حوزه اختصاص داده شود که با توصیف و بیان مسائل ورزش بانوان آغاز و ارائه راهکارها خاتمه می یابد.

همچنین ورزش بانوان یکی از حوزه های کلان سرشار از مشکل، مانع و چالش است که تمرکز دولت را به این حوزه در کوتاه مدت و بلندمدت می طلبد. بیش از نیمی از جمعیت کشورمان را بانوان تشکیل می دهند و این قشر نیز به کرات ثابت کرده اند که در ابعاد مختلف جامعه از جمله: اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می توانند به خوبی نقش آفرینی کنند. به یقین، یکی از عرصه های بی بدیل برای ظهور و شکوفایی استعداد های ناب این قشر از جامعه و پرچم داری فرهنگ و آیین و ارزش های ملی کشور، حضور با اقتدار بانوان در میادین ورزشی است.

با بررسی مختصر تاریخچه ورزش بانوان در ایران درمی یابیم که در ۱۵ سال اخیر رشد چشمگیری به خود گرفته است و امید است که در آینده به جایگاه مطلوب و متناسب خود برسد هر چند که در این راه مسائل، موانع و چالش های فراوانی پیش رو است.

جدول ۶. توصیف وضعیت بانوان ورزشکار ایرانی در تاریخ المپیک

المپیک	تعداد بانوان ایرانی	تعداد کل ورزشکاران ایران	درصد حضور بانوان	کسب مدال
۱۹۶۴ - توکیو	۴	۶۱	۶/۵٪	-
۱۹۷۶ - مونترال	۴	۸۰	۵٪	-
۱۹۹۶ - آتلانتا	۱	۱۸	۵/۵٪	-
۲۰۰۰ - سیدنی	۱	۳۵	۲/۸٪	-
۲۰۰۴ - آتن	۱	۳۸	۲/۶٪	-
۲۰۰۸ - پکن	۳	۵۴	۵/۵٪	-
۲۰۱۲ - لندن	۸	۵۴	۱۴/۸٪	-
۲۰۱۶ - ریو	۹	۶۴	۱۴٪	۱ (برنز)

جدول ۷. مقایسه عملکرد بانوان اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸

سال	آمار	تعداد ورزشکار بانوی اعزامی	طلا	نقره	برنز	مجموع
۲۰۰۶	۲۵	۲۵	-	-	۲	۲
۲۰۱۰	۸۶	۸۶	۱	۴	۹	۱۴
۲۰۱۴	۵۸	۵۸	۲	۷	۷	۱۶
۲۰۱۸	۹۹	۹۹	۱	۱۰	۶	۱۷

مسائل، موانع و چالش‌های پیش روی ورزش بانوان

- عوامل اجتماعی
- عوامل فرهنگی
- عوامل خانوادگی
- عوامل امکاناتی

مسائل اجتماعی

- ضعف در اطلاع‌رسانی و تبلیغات
- کمبود الگوهای موفق
- بی توجهی برخی مسئولان
- حمایت حداقلی رسانه‌های جمعی



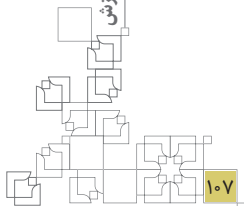
- ترس از آسیب‌های جسمی ناشی از ورزش
- ضعف در حمایت مراکز آموزشی (مدارس - دانشگاه‌ها) از مسائل ورزشی
- حمایت اندک دوستان و همراهی و مشارکت آنها در فعالیت‌های ورزشی

مسائل فرهنگی

- ترس از آسیب رسیدن به اعتقادات مذهبی
- نامناسب بودن فضای فرهنگی نهادهای ورزشی
- احساس ناامنی در محیط‌های ورزشی
- وجود فرهنگ مردم‌محوری در جامعه ورزش
- وجود تفکر مبتنی بر تأثیرات منفی ورزش بر ظاهر زنان
- ضعف مشارکت نهادهای عمومی در ورزش بانوان
- مسائل خانوادگی
- مخالفت والدین یا همسر
- ترس والدین از افت تحصیلی دختران
- وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده

مسائل امکاناتی

- عدم دسترسی آسان، ارزان و سریع به اماکن و فضاهای ورزشی
- نداشتن اسپانسر
- کمبود و گرانی وسایل ورزشی زنان
- نامناسب بودن وقت فعالیت اماکن ورزشی
- عدم سرمایه‌گذاری لازم پیرامون توسعه اماکن و فضاهای ورزشی بانوان
- گران و پرهزینه بودن شرکت در فعالیت‌های ورزشی



برنامه

طرح ملی فراگیری و ارتقای ورزش بانوان از طرح‌های مهم دولت در راستای همگانی شدن ورزش در بین بانوان و افزایش ورزشکاران و قهرمانان سازمان یافته این بخش است.

بنابراین برنامه‌های ذیل جهت انجام طرح فوق لازم‌الاجراست:

۱. توانمندسازی و بهسازی نیروی انسانی ورزش بانوان
۲. ایجاد نظام جامع آموزش و تربیت مدرس ورزش بانوان مبتنی بر کلاس‌بندی
۳. ارتقای ایمنی و امنیت اماکن و فضاهای ورزشی بانوان با تأکید بر سالم‌سازی
۴. رشد و گسترش رشته‌ها و مواد مسابقات ورزشی ویژه بانوان بر اساس موازین اسلامی و ارزش‌های انقلاب
۵. برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرای لیگ‌ها و مسابقات ورزشی بانوان با حفظ شعائر اسلامی
۶. افزایش و گسترش فضاهای ورزشی خاص بانوان در سطح محلات



منابع و زیرساخت‌ها

اقتصاد و مدیریت استعداد در ورزش



الف) اماکن و فضاهای ورزشی

بدون تردید، وجود زیرساخت‌ها و اماکن و فضای مناسب و بهینه ورزشی و دسترسی آسان به آنها، سنگ بنای توسعه ورزش در همه ابعاد مدارس، همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی است. میزان سرانه فضای ورزشی کشور حدود $0/65$ متر مربع (یک گام بلند) می‌باشد که $0/15$ متر مربع آن را فضای سرپوشیده تشکیل داده است،^۸ $0/50$ متر مربع متعلق به اماکن روباز است که حدود 57 درصد از این رقم را زمین‌های خاکی تشکیل می‌دهند. کسر زمین‌های خاکی از کل نشان می‌دهد میزان سرانه فضای ورزشی کل کشور حدود $0/4$ متر مربع (نیم گام) است، این در حالی است که این میزان در کشورهای توسعه‌یافته از 2 تا 8 متر مربع متغیر است. فضاهای ورزشی روباز روستایی عمدتاً خاکی بوده و میزان سرانه فضای سرپوشیده ورزشی روستاییان کمتر از $0/4$ متر مربع (مساحت یک وجب \times یک وجب) است، به‌عنوان نمونه، سرانه فضای سرپوشیده ورزش روستایی خوزستان به‌عنوان خطه قهرمان‌خیز کشور که شدیداً مورد تهاجم ریزگردها نیز است (یعنی با توجه به شرایط جوی امکان

۸. درحالی بیشتر رشته‌های مدال‌آور ورزشی مربوط به رشته‌های ورزشی سالنی (سرپوشیده) است. برای نمونه: ۱۱ مدال از مجموع ۱۲ مدال کسب شده کاروان ورزشی ایران در رقابت‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن و حدود ۴۰ مدال از مجموع ۵۷ مدال کسب شده در رقابت‌های آسیایی در رشته‌های سالنی (سالن‌های سرپوشیده ورزشی) کسب شدند.

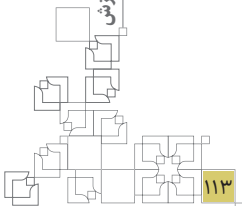
فعالیت در اماکن روباز وجود ندارد) حدود ۰/۰۰۶ متر مربع (کمتر از مساحت کف يك كفش (۲۰×۳ cm) است. در بخش شهری؛ کمترین میزان سرانه متعلق به شهرنشینان تهرانی با ۰/۰۳ متر مربع (کمتر از يك مساحت يك وجب× يك وجب) و بالاترین میزان به شهرنشینان سمنانی با ۰/۲ متر مربع (حدود ۰/۵ متر × ۰/۵ متر) است. سهم بخش خصوصی از سرانه فضای ورزشی کشور حدود ۲۴ دسی‌متر مربع (مساحت ۴ انگشت يك دست) است. از منظر دیگر، ۹۲ درصد از تعداد اماکن ورزشی سرپوشیده و مطلوب در مناطق شهری احداث شده‌اند و سهم روستاییان تنها ۸ درصد است؛ بر این اساس، تقریباً به‌ازای هر ۱۸/۰۰۰ نفر روستایی و هر ۴/۳۰۰ نفر شهرنشین يك سالن سرپوشیده ورزشی وجود دارد. به‌علاوه، حدود ۲۵/۰۰۰ باشگاه ورزشی خرد در اقصی نقاط کشور به آموزش، ترویج و تعمیم تربیت بدنی و ورزش مشغول هستند که به توسعه و تقویت مهارت‌های حرکتی و بدنی، کسب سلامت عمومی و ایجاد نشاط اجتماعی می‌تواند از منظر اقتصادی به افزایش سرانه مصرف کالاها، تولیدات و تجهیزات ورزشی و حمایت از اشتغال و کارآفرینی غیرمستقیم کمک می‌کند. همچنین، افزایش سلامت عمومی و تقویت قوای جسمانی، بهره‌وری نیروی کار را به‌دنبال دارد که این نیز از منظر اقتصادی حائز اهمیت است. وجود ۲۵ هزار باشگاه ورزشی محله‌محور دارای مجوز و فعالیت بیش از ۶۰ هزار نفر مربی و باشگاه‌دار در این حوزه نشان می‌دهد که بخش خصوصی، با وجود فقدان حمایت‌های مالی و حقوقی از سوی دولت، علاقه‌مند و مشتاق به سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه است. بنابراین، بخش خصوصی توانسته برای هر ۳۵۰۰ نفر ایرانی يك مکان ورزشی ایجاد کند، اگرچه این موضوع تا رسیدن به مطلوب فاصله دارد اما رشد ۱۰۰ درصدی تعداد باشگاه‌های محله‌محور طی پنج سال اخیر نشان می‌دهد مشارکت بخش غیردولتی در این حوزه فرصتی ارزشمند را ایجاد کرده است که می‌بایست ضمن نظارت و رصد فعالیت‌های مربوط مورد حمایت نظام حکمرانی قرار گیرند.

ازسوی دیگر، احداث بی‌رویه «زمین‌های چمن مصنوعی» طی سال‌های اخیر و توسط برخی دستگاه‌های اجرایی ازجمله شهرداری‌ها، وزارت آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان، محل تأمل جدی است زیرا فاقد کارایی لازم و کافی برای اشاعه ورزش همگانی هستند و آگاهانه یا ناآگاهانه سبب هدررفت

منابع مالی بسیاری می‌شوند. احداث بی‌رویه این همه زمین چمن مصنوعی در مقابل بی‌توجهی به ساخت اماکن سرپوشیده چندمنظوره، با توسعه و تعمیم ورزش همگانی در تعارض آشکار است. درحقیقت، سیاست حاکم در ورزش همگانی این است که آن‌دسته از فعالیت‌های ورزشی که مردم با هر سن و جنسیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی که می‌توانند به آن بپردازند، تشویق و حمایت شوند. اما نگاهی عمیق به استفاده از این‌گونه طراحی‌های ورزشی، نشان می‌دهد که استفاده و بهره‌وری از این اماکن حداقلی است (چه در زمینه افراد و اشخاص استفاده‌کننده و چه در زمینه نوع ورزش به‌کارگرفته شده). به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های موجود، توجیه اقتصادی و ورزشی برای تأسیس و ساخت زمین‌های چمن مصنوعی به‌جای توسعه اماکن ورزشی مناسب‌تر مثل سالن‌های ورزشی چندمنظوره وجود ندارد و به صرف تنها مزیت زمین چمن مصنوعی یعنی هزینه ساخت کمتر نمی‌توان بر معایب بی‌شمار آن (ازجمله؛ کوتاهی عمر، استفاده حداقلی به لحاظ زمانی، نوع ورزش و نوع شرایط جوی و اشخاص و افراد) چشم‌پوشی کرد. ضمن اینکه توصیه می‌شود زیرساخت‌های ورزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که اولاً امکان استفاده عموم و آحاد مردم فراهم شود، در ثانی اماکن و زیرساخت‌های ورزشی تک‌بعدی و تک‌ورزشی نباشند تا افزایش بهره‌وری امکان فعالیت دیگر ورزش‌ها میسر شود. ثالثاً در کنار هزینه احداث این‌گونه اماکن ورزشی، به جنبه استقبال عامه مردم برای مشارکت در برنامه‌های ورزشی و نیز درآمدزایی ناشی از فعالیت بخش خصوصی نیز توجه شود. مع‌هذا، با توجه به استفاده حداقلی از زمین‌های چمن مصنوعی چه در زمینه افراد و اشخاص و چه در زمینه نوع فعالیت‌های ورزشی درگیر، ضرورت ممانعت و بازنگری در احداث زیرساخت‌های مناسب ورزشی از سوی وزارت ورزش و جوانان و سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی و جلوگیری از ساخت بی‌شمار زمین‌های چمن مصنوعی به‌جای سالن‌های سرپوشیده چندمنظوره ورزشی و به تبع آن هدررفت بیت‌المال و بودجه‌های ورزشی بیش از پیش احساس می‌شود.

ورزشی
برای
مردم

برنامه پیشنهادی آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش



جدول ۸. سرانه اماکن و فضاهای ورزشی به تفکیک استان‌ها

ردیف	استان	سرانه cm ^۲			سرانه cm ^۲			
		بخش خصوصی	ادارات دولتی	وزارت ورزش و جوانان	کل	سرپوشیده	روپاز	
۱	آذربایجان شرقی	۵۳۱۳	۲۸۴	۷۹۷	۴۲۳۲	۷۵۶۳	۱۷۰۰	۵۸۶۳
۲	آذربایجان غربی	۴۵۳۲	۱۶۵	۱۲۳۳	۳۱۳۴	۵۶۳۷	۱۵۹۳	۴۰۴۴
۳	اردبیل	۱۱۴۶۱	۴۵۱	۱۱۲۶	۹۸۸۴	۱۲۰۶۳	۲۴۰۷	۹۶۵۶
۴	اصفهان	۲۳۶۶	۵۱	۱۳۹۹	۲۹۱۶	۶۶۶۸	۱۷۱۹	۴۹۴۹
۵	البرز	۱۴۴۷	۰	۰	۱۴۴۷	۱۸۵۶	۵۱۳	۱۳۴۳
۶	ایلام	۶۸۶۳	۱۴۳	۱۰۹۴	۵۶۲۶	۸۲۷۹	۲۴۹۸	۵۷۸۱
۷	بوشهر	۸۳۰۱	۱۶۵	۲۱۵۵	۵۹۸۱	۹۰۲۰	۱۷۷۳	۷۲۴۷
۸	تهران	۴۰۷۶	۶۶۰	۱۴۱۶	۲۰۰۰	۴۲۵۸	۱۵۲۱	۲۷۳۷
۹	چهارمحال و بختیاری	۴۰۲۰	۵۷۹	۷۰۲	۲۷۳۹	۶۳۳۸	۲۱۱۴	۴۲۲۴
۱۰	خراسان جنوبی	۸۰۰۸	۳۰۰	۳۱۱۶	۴۵۹۲	۱۰۷۷۵	۴۵۲۷	۶۲۴۸
۱۱	خراسان رضوی	۴۳۰۰	۱۴۲	۶۶۸	۳۴۹۰	۷۳۰۱	۷۹۵	۶۵۰۶
۱۲	خراسان شمالی	۶۶۴۱	۲۰	۱۲۲۰	۵۴۰۰	۸۹۳۳	۲۰۷۲	۶۸۶۱
۱۳	خوزستان	۷۷۵۸	۴۱۴	۳۹۸۲	۳۳۶۱	۸۵۲۲	۱۷۱۰	۶۸۱۲
۱۴	زنجان	۶۰۸۳	۲۸۰	۶۴۷	۵۱۵۸	۷۶۴۹	۱۹۴۶	۵۷۰۲
۱۵	سمنان	۱۲۸۳۱	۷۰۶	۳۸۵۳	۸۲۷۲	۱۴۳۶۷	۳۶۴۵	۱۰۷۲۲
۱۶	سیستان و بلوچستان	۵۰۱۷	۱۷۰	۱۳۲۳	۳۵۲۴	۵۵۹۷	۱۰۲۴	۴۵۷۳
۱۷	فارس	۸۵۰۵	۲۷۲	۱۱۶۹	۷۰۶۵	۹۹۳۱	۱۶۶۱	۸۲۷۰
۱۸	قزوین	۷۶۱۹	۳۹۶	۱۹۲۶	۵۲۹۷	۸۷۰۷	۱۸۹۴	۶۸۱۴
۱۹	قم	۵۲۴۳	۴۰۰	۲۴۹۷	۲۳۴۷	۶۱۷۶	۲۱۷۸	۳۹۹۸
۲۰	کردستان	۲۹۳۲	۶۹	۳۵۹	۲۵۰۳	۴۹۹۴	۱۴۲۹	۳۵۶۵
۲۱	کرمان	۴۸۲۱	۱۹۴	۱۰۲۳	۳۶۰۴	۶۷۷۱	۱۲۹۹	۵۴۷۲
۲۲	کرمانشاه	۸۰۱۹	۴۱۶	۱۷۱۱	۵۸۹۱	۸۵۰۵	۱۸۶۹	۶۶۳۶
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	۷۵۷۲	۷۵	۱۰۶۴	۶۴۳۲	۱۸۳۳۸	۲۵۸۴	۱۵۷۵۴
۲۴	گلستان	۵۶۸۳	۲۳۱	۵۲۱	۴۹۳۳	۶۷۸۴	۱۸۰۵	۴۹۷۹
۲۵	گیلان	۶۳۱۶	۷۱۰	۱۲۵۹	۴۳۴۷	۶۹۹۰	۱۷۱۴	۵۲۷۶
۲۶	لرستان	۴۶۲۳	۴۷	۹۸۵	۳۵۹۱	۵۴۹۵	۱۳۰۶	۴۱۸۹
۲۷	مازندران	۱۰۷۹۷	۲۲۸۱	۱۳۱۷	۷۲۰۰	۱۲۳۰۶	۳۷۱۴	۹۵۹۲
۲۸	مرکزی	۸۰۵۰	۱۰۰۱	۲۷۳۷	۴۳۱۳	۹۹۸۵	۲۷۵۳	۷۲۳۱
۲۹	هرمزگان	۱۰۷۳۰	۲۵۹۰	۳۱۰	۵۰۲۹	۱۴۸۹۳	۲۲۰۰	۱۲۶۹۳
۳۰	همدان	۵۷۰۲	۴۴۵	۱۴۱۶	۳۸۴۱	۸۴۸۴	۲۳۲۹	۶۱۵۵
۳۱	یزد	۸۴۸۶	۶۸	۲۴۳۸	۵۹۸۰	۱۱۱۸۸	۲۷۰۱	۸۴۸۷



برنامه پیشنهادی آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در حوزه تربیت بدنی و ورزش

برنامه‌ها:

۱. واگذاری مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی با حفظ مالکیت دولت
۲. جذب سرمایه‌گذاری برای توسعه زیرساخت‌های ورزشی توسط بخش غیردولتی
۳. امکان استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای ایجاد زیرساخت‌های ورزشی توسط بخش غیردولتی
۴. پیش‌بینی منابع حاصل از فروش اوراق برای برخی نهادها از جمله فدراسیون‌ها و شهرداری‌ها جهت تکمیل و توسعه زیرساخت‌های ورزشی کشور
۵. تمرکز بر احداث و تکمیل مجموعه‌های چندمنظوره سرپوشیده و استادیوم‌های بزرگ به جای هدر رفت منابع از طریق احداث استادیوم‌های ۵ تا ۱۵ هزار نفره کم‌بهره
۶. توسعه زیرساخت‌های ورزشی در مناطق روستایی و شهرهای کم‌برخوردار توسط وزارت ورزش و جوانان و جذب خیرین ورزش‌یار
۷. افزایش سرانه فضای ورزشی به ۱ متر مربع تا پایان دولت سیزدهم

ب) اقتصاد ورزش

نامگذاری سال ۱۳۹۸ با عنوان «رونق تولید»، سال ۱۳۹۹ تحت عنوان «جهش تولید» و سال ۱۴۰۰ با عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» با وجود قرارگیری در تنگناهای اقتصادی و تحریم‌های سخت و ظالمانه دشمنان، بیانگر ضرورت توجه به توان داخلی و بسیج عمومی برای عبور از مشکلات است. نامگذاری این دو سال با محوریت تولید، افق و تکلیف جدیدی پیش‌روی فعالان تولید و صنعت و هم‌چنین اقشار مختلف مردم نهاده است. با توجه به آنکه تولید یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی است، باید برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی، این موضوع عملیاتی شود. از سوی دیگر، حمایت از تولید ملی مهمترین مؤلفه برای کارآفرینی و بهبود وضعیت اقتصادی هر حوزه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین در تمامی بخش‌های



بزرگ و کوچک کشور از جمله حوزه ورزش نیز می‌بایست نسبت به طرح‌ها و برنامه‌هایی که هموارکننده مسیر رونق اقتصادی و توسعه تولید خواهند بود، توجه مضاعفی شود.

یکی از بزرگ‌ترین مزایای رونق تولید در حوزه ورزش، فراهم شدن بستر لازم برای تأمین کالاها، محصولات، تجهیزات و لوازم ورزشی مورد نیاز است، محصولاتی که در سایه تولید آن، فرصت‌های متعددی برای اشتغال‌زایی و ایجاد کسب و کار فراهم می‌شود. قطعاً با حمایت مردم و مسئولین از تولید داخلی، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی حوزه کسب و کار و اشتغال در ورزش مرتفع می‌شود.

از سوی دیگر، صنعت ورزش دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم در بهبود و رشد وضعیت اقتصادی کشورها و افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش هزینه‌های بهداشتی - درمانی، کاهش آمار بزهکاری و... است؛ به طوری که سهم صنعت ورزش از GDP در برخی از کشورهای پیشرفته به بیش از ۲ درصد می‌رسد و جایگاه این صنعت در بین دیگر صنایع ارتقاء یافته است. مسابقات جام جهانی همانند گذشته، سرعت توسعه اقتصادی کشورهای میزبان را تسریع کرده است. جام جهانی ۲۰۱۸، اقتصاد کشور روسیه را با بیش از ۲۰ میلیارد دلار تقویت کرد که بیش از ۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور (تولید ناخالص داخلی) محسوب می‌شود. همچنین، تأثیر جام جهانی بر تولید ناخالص داخلی روسیه بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، ۲۰ میلیارد دلار بود که معادل ۱/۱ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور است. دولت روسیه افزایش تولید ناخالص داخلی را برای مدت ۱۰ سال از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ بین ۲۶ و ۳۰/۸ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده است. جام جهانی روسیه سالانه ۳۱۵ هزار شغل در آن کشور ایجاد می‌کند و هنوز هم می‌تواند تا ۵ سال آینده بر اقتصاد روسیه تأثیر بگذارد.

هم‌چنین، بازی‌های المپیک به کشور برزیل کمک کرد تا رکوردهای گردشگری در سال ۲۰۱۶ را به دست آورد. کشور برزیل در طی ۱۲ ماه توانست از ۶/۶ میلیون گردشگر خارجی استقبال کند که این رقم ۴/۸ درصد افزایش نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. درآمد حاصل از گردشگری در سال ۲۰۱۶، کلاً ۶/۲ میلیارد دلار آمریکا بوده که نسبت به سال قبل ۶/۲ درصد رشد داشته است. اشتغال‌زایی، ۸۲ درصد از رشد اقتصادی محلی ریو را به خود اختصاص



داده است.

از سوی دیگر، سهم ورزش در تولید ناخالص داخلی کشورمان در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۵/۰٪، ۶/۰٪ و ۸/۰٪ ذکر شده است.^۹ هرچند این ارقام جای بحث جدی دارد.

تحولات گوناگون طی چند دهه اخیر به خصوص در بخش صنعت و فناوری، بر رابطه بین اقتصاد و ورزش تأثیر گذاشته است، چنانکه امروز حجم پول در گردش، در بخش صنعت اوقات فراغت به طور عام و در بخش ورزش به طور خاص، ورزش را به یکی از شیوه‌های کسب درآمد ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده که چشم‌پوشی از آن امکان‌پذیر نیست؛ پس بی‌دلیل نیست که ورزش به عنوان صنعتی پرسود در بسیاری از کشورها مورد توجه واقع شده است و حامیان مالی بسیاری به سوی آن هجوم آورده‌اند.

در کشورهای پیشرفته تقریباً به ازای هر هزار نفر، ۲۰ نفر در بخش ورزش شاغل می‌شوند و در ایران این رقم به ازای هر هزار نفر حدوداً ۸ نفر است. سطح مشارکت فعال مردم کشورهای پیشرفته در ورزش بیش از ۶۰ درصد است؛ اما در ایران به کمتر از ۱۰ درصد می‌رسد.

سهم ایران از صادرات کالاها و محصولات ورزشی تقریباً برابر با صفر است این در حالی است که ۷۰ درصد از کالاها و محصولات موجود در بازار وارداتی هستند. از سوی دیگر، کشورمان ظرفیت سرمایه‌گذاری تا یک میلیارد دلار در صنعت ورزش ایران را داراست ولی عملیاتی کردن این امر ظاهراً دشوار قلمداد می‌شود.

این در حالی است که سهم ورزش در رونق اقتصادی کشور و کسب و کارها و رشد اشتغال ناچیز بوده و لازم است در راستای ارتقای نقش صنعت ورزش در رونق اقتصادی کشور بازنگری اساسی صورت پذیرد.



۹. گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷، جلد سوم: حوزه بخشی (۲)

آثار اقتصادی ورزش

شاید نتوان به سادگی اثرات گسترده ورزش را که به صورت فزاینده‌ای بر ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأثیرگذار است، برشمرد. ایجاد اشتغال، بهبود سلامت (کاهش هزینه‌های درمان)، افزایش غرور ملی، افزایش به‌زیستی (کیفیت زندگی)، کاهش میزان جرم و جنایات و بزهکاری، کاهش مصرف مواد مخدر و سیگار، افزایش امید به زندگی، رشد اقتصاد منطقه‌ای و بهبود چهره کشورهای در عرصه بین‌المللی و جهانی از جمله تأثیراتی است که ورزش در جامعه بر جای خواهد گذاشت.

در این راستا، نقش اقتصادی ورزش را می‌توان در دو گروه تأثیرات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. در بررسی تأثیرات اقتصادی مستقیم، به ورزش به عنوان تفریح و یا فعالیت جسمانی نگریسته می‌شود. بدین ترتیب، اثراتی همچون تولید کالاها و خدمات ورزشی، صادرات و واردات، هزینه‌های خانوار، ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات، پوشش رسانه‌ای، اشتغال و جذب گردشگر و حامیان مالی را در پی خواهد داشت. اثرات اقتصادی غیرمستقیم ورزش نیز سبب ارتقای سلامتی و کاهش هزینه‌های درمان و به تبع آن، توسعه برنامه‌های ملی و نیروی کار می‌گردد و در کاهش هزینه‌های درمانی خانوار و دولت دخالت اساسی دارد. همچنین، این امر موجب کاهش غیبت کارکنان و افزایش عملکرد و بهره‌وری آنها می‌شود.

با توجه به اثرات گسترده ورزش و فعالیت بدنی، سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند منافع و فواید مثبت بی‌شمار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره را برای جوامع به‌دنبال داشته باشد. در عصر حاضر، دیگر نمی‌توان از اهمیت اقتصادی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ورزش و تفریحات سالم در جوامع چشم‌پوشی کرد؛ بنابراین، بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری در ورزش و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی، مسأله‌ای مهم برای اقتصاد کشورها می‌باشد. قرن ۲۱، بدون صنعت ورزش غیرقابل تصور است و این صنعت با تولید و عرضه محصولات مصرفی و غیرمصرفی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی، در پیشبرد اهداف ورزش و تفریحات سالم نقش به‌سزایی دارد و رواج ورزش و تفریحات سالم (در عصر حاضر) در کشورهای توسعه یافته سبب رونق هرچه بیشتر این صنعت شده است.



علاوه براین، صنعت ورزش با تمام جنبه‌های اقتصادی آن از جمله رسانه‌های گروهی، پوشاک، غذا و غیره توانسته است سهم عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی کشورها را به دست آورد؛ به طوری که سهم صنعت ورزش از تولید ناخالص داخلی در برخی از کشورهای پیشرفته، بیش از دو درصد گزارش شده و جایگاه این صنعت را در بین دیگر صنایع ارتقا بخشیده است.

برنامه‌ها:

۱. توسعه اقتصاد دانش بنیان در ورزش مبتنی بر فناوری و تکنولوژی روز دنیا
۲. توجه به محیط قانونی و ساختاری اقتصاد ورزش
۳. توجه به اسپانسرینگ و حمایت از تولیدات و کالاها و تجهیزات ورزشی داخلی
۴. ایجاد تسهیلات مالی و معنوی برای اشخاص حقیقی و حقوقی در ورزش
۵. استقرار نظام ارائه خدمات بهینه ورزشی
۶. سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در حوزه ورزش همگانی
۷. توسعه کمی و کیفی اماکن و فضاهای ورزشی
۸. برنامه‌ریزی برای درآمدزایی از رویدادهای ورزشی
۹. تحول در درآمدزایی باشگاه‌های ورزشی
۱۰. توجه به عوامل مدیریتی در اقتصاد ورزش
۱۱. توسعه متوازن ورزش بانوان و آقایان در رده‌های سنی مختلف



مدیریت استعداد های ورزشی



مدیریت استعداد برای منابع انسانی، مدیران و سازمان مفید است. معیارهای جامع و صحیح مدیریت استعداد تضمین می‌کند که افراد با توانایی‌ها و استعداد‌های خاص خود به شغل‌های متناسب منصوب شوند و خدمات آنان به صورت منصفانه جبران شود. مسیروتوسعه آنان شفاف است و فرصت‌های بیشتر و بهتری برای آنان فراهم می‌شود. مدیریت استعداد ابزاری برای مدیران فراهم می‌کند که آنان را در فهم اینکه چه انتظاراتی باید از افراد داشته باشند پشتیبانی می‌کند و این درک، منجر به بهبود روابط مدیر و افراد می‌شود. به این ترتیب، سازمان بازده بالایی از سرمایه‌گذاری در مدیریت استعداد به دست می‌آورد؛ ضمن آنکه دیدی روشن از سبد استعداد موجود خود پیدا می‌کند و منافع حاصل از یک نیروی کار با انگیزه و چالاک را برداشت می‌کند.

مدیریت استعداد ممکن است از همان ابزار مدیریت منابع انسانی استفاده نماید با این تفاوت که روی بخش به نسبت کوچکی از نیروی کار تمرکز دارد که به وسیله عملکرد فعلی و قابلیت‌های آینده‌شان به عنوان استعداد شناسایی می‌شوند.

مدیریت استعدادها در ورزش به شناسایی افراد برای رسیدن به سطح نخبگی سرعت می‌بخشد و موقعیتی را فراهم می‌کند که افراد مستعد به وسیله آن به بالاترین سطح عملکرد خود دست پیدا کنند. همچنین، سبب

می‌شود مربیان وقت خود را صرف تمرین دادن افراد مستعدتر و توانا تر در آن رشته کنند. مدیریت استعداد در ورزش باعث صرفه جویی در وقت، افزایش کارآیی و بازده مربیان، افزایش روحیه رقابت جویی و بهبود کیفیت ورزش، افزایش اعتماد به نفس ورزشکار و علمی شدن تمرینات ورزشی می‌شود. به سبب کثرت ورزشکاران علاقه‌مند به فعالیت در هر رشته ورزشی و محدودیت امکانات و سرمایه‌گذاری، و از سوی دیگر بالابودن هزینه‌های زمانی و مالی تربیت ورزشکاران زبده و نیز به منظور افزایش ضریب اطمینان کسب موفقیت، باید افراد برتر در هر رشته ورزشی طی فرایند مدیریت استعداد شناسایی و هدایت شوند. یکی از الگوهای مدیریت استعداد در ورزش، الگوی فیلیپس و روپر (۲۰۰۹) بود که مشتمل بر جذب، گزینش، بکارگیری، توسعه و نگهداشت استعداد است.

امروزه، ارزش و اهمیت مدیریت استعدادهای ورزشی، نگرشی نوین و جدید را در علوم ورزشی بالأخص در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای ایجاد نموده که سرمایه‌گذاری در این بخش را در کشورهای پیشرفته مقرون به صرفه نموده است. پستوانه‌سازی تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف ورزشی به ویژه در رشته‌های پایه و پرمدال تنها از مسیر تبیین فرایند مدیریت استعداد و نخبه‌گزینی قابل اجرا و امکان‌پذیر است.

کشف و شناسایی استعدادهای ورزشی و هدایت صحیح و علمی آنان به سمت رشته‌هایی که امکان رشد و پیشرفت آنان را هموارتر می‌سازد، یکی از مهمترین وظایف سازمان‌های ورزشی بالأخص فدراسیون‌ها است. دسترسی آسان جمعیت جوان کشور به امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نیروی انسانی ماهر ورزشی و ابزارهای پیشرفته ورزشی به منظور شناخت و ارتقای توانایی‌های جسمانی، روانشناختی و مهارتی با نگاهی عدالت محور به ورزش قهرمانی از وظایف مهم وزارت ورزش و جوانان است که در بند ۷ وظایف وزارت در حوزه ورزش و در قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان به صراحت قید شده است.

فلذا، دولت سیزدهم در حوزه تربیت بدنی و ورزش، نگاه دقیق، عمیق و کارشناسی‌شده‌ای به اصل مبنایی مدیریت استعداد مبتنی بر آمایش سرزمینی رشته دارد که به تفکیک استان‌ها و رشته‌های ورزشی صورت می‌پذیرد.





برنامه ویژه (برنامه بلندمدت)



آبر پروژه ملی «شهر ورزش»

(مبتنی بر هدفمندی‌سازی و تعمیق ورزش مدارس و در راستای پیشرفت و رشد ورزش قهرمانی)

بیان مسأله:

با توجه به پنجره جمعیتی کشور و نرخ باروری کل ایران که از ۶/۸ در سال ۱۳۶۰ به کمتر از ۱/۷ در سال ۱۳۹۹ تنزل پیدا کرده است و همچنین نرخ رشد جمعیتی که به کمتر از ۰/۸ رسیده است. بنابراین در طی ۱۵ تا ۲۰ سال آینده، جمعیت کشور به سوی سالمندی پیش‌روی می‌کند و یکی از حوزه‌هایی که از این پنجره جمعیتی و نرخ رشد منفی جمعیتی متضرر می‌شود ورزش کشور است. از این حیث، ورزش نیاز مبرم به نیروی جوانی و منابع انسانی در سنین پایه برای پشتوانه‌سازی دارد. فلذا باید از هم‌اکنون برای ورزش ایران در دهه‌های آینده برنامه‌ریزی کرد زیرا ورزش بر مدار ورزشکار می‌چرخد و اگر در هر رشته ورزشی، ورزشکاری وجود نداشته باشد که تربیت شود و به مهارت و نخبگی در عرصه‌های رقابتی برسد عملاً آن ورزش به حالت تعطیل و یا نیمه

تعطیل درخواهد آمد.

نکته حائز اهمیت دیگر، با توجه به ضعف مفرط ورزش ایران در عرصه بین‌الملل و نداشتن کرسی‌های مؤثر در نهادهای بین‌المللی ورزشی و عدم بهره‌مندی از این ظرفیت در چانه‌زنی عرصه بین‌الملل ورزش؛ ورزش ایران در گام اول انقلاب و به ویژه در یک دهه اخیر از این موضوع متضرر شده است و در اکثر رشته‌ها از جمله رشته‌های ورزشی ملی چون کشتی و وزنه‌برداری و رشته‌های پرهودار و استراتژیکی چون فوتبال با چالش‌های متعددی مواجه شده است. همان‌طور که رشته‌های کشتی و وزنه‌برداری در یک دهه گذشته در آستانه کنار گذاشتن از المپیک قرار داشته است و این تفکر کماکان ادامه دارد این در حالی است که کشتی از ۱۴ سهمیه بخش آقایان المپیک ۲۰۰۸ پکن به ۱۲ سهمیه در المپیک ۲۰۲۱ توکیو تقلیل یافته است (سهم ایران کسب ۶ سهمیه در کشتی آزاد و ۵ سهمیه در کشتی فرنگی بوده است) و در رشته وزنه‌برداری نیز کاهش یافته است.

از سوی دیگر، برخی رژیم‌های جعلی و متخاصم جهت منزوی کردن ورزش ایران در عرصه بین‌الملل، اقدام به استخدام ورزشکاران سایر کشورها در رشته‌های ملی و همچنین مدال‌آور ایران داشته است که نیازمند دواندیشی و برنامه‌ریزی دقیق جهت نحوه مواجهه منطقی با این مسأله است.

اقدام ملی:

ابرپروژه ملی «شهر ورزش» در راستای پشتوانه‌سازی سیستماتیک مدیریت جامع استعداد ورزش ایران در حوزه‌های ورزشکار، مربی، مدیر و ... است و بر مبنای افق انقلاب اسلامی و داشتن ایران قوی و مبتنی بر مطالعات تطبیقی، پشتوانه‌سازی‌های علمی، جلسات کارشناسی و برنامه‌ریزی کلان برای آینده ایران اسلامی ترسیم و تهیه شده است.

هدف طرح این است که با الگوبرداری از کشورهای پیش‌رو در حوزه ورزش و مبتنی بر سه حوزه سیاست، ساختار و تامین منابع مالی و بومی‌سازی آن؛ ورزش را به عنوان یک حرفه یا شغل برای استعدادهای نخبه ایران تعریف نموده به طوری که از ۸ تا ۱۲ سالگی (پایه دوم ابتدایی تا ششم ابتدایی) عمل استعدادیابی که گام اول مدیریت استعداد در حوزه ورزش است انجام گیرد و



با توجه به آکادمی‌های تخصص و مرکز ملی هر رشته ورزشی در شهر ورزش، این دانش‌آموزان مستعد حوزه ورزش را بورسیه نمود که در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال بتوانند به صورت همزمان به تحصیل خود در حوزه ورزش بپردازند و هم به لحاظ شغلی، مالی و معیشتی تأمین باشند و به عنوان ورزشکاران نخبه رشته‌های ورزشی مختلف از حیث فنی، شخصیتی و ... برای آینده ایران اسلامی تربیت شوند تا در آوردگاه‌های بین‌المللی ورزش به عنوان سفیران ایران اسلامی حضور یابند و با افتخارآفرینی موجب ارتقای غرور و عزت ملی ایرانیان شوند و پرچم جمهوری اسلامی را برافراشته نگهدارند. یکی از مهمترین موضوعات این طرح، جدای از شناسایی استعداد، مراحل گزینش، تربیت، حفظ و نگهداشت فرد تا پایان عمر و بهره‌مندی ورزش کشور از ظرفیت‌ها و توانمندی است. نکته حائز اهمیت دیگر، رشته‌های ورزشی اولویت‌دار برای نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در این طرح در ۵ حوزه ملی - هویتی، استراتژیک، مدال‌آور و رزمی تقسیم شده است که رشته‌های هر حوزه به قرار زیر است:

رشته‌های ورزشی ملی - هویتی:

پهلوانی و زورخانه‌ای - کشتی - وزنه‌برداری

رشته‌های ورزشی واجد ارزش:

تیراندازی، تیر و کمان - شنا، شیرجه - سوارکاری

رشته‌های ورزشی استراتژیک و پرتعداد:

فوتبال - والیبال - بسکتبال - هندبال

رشته‌های ورزشی پایه و مدال‌آور:

دومیدانی - قایقرانی - دوچرخه‌سواری - ژیمناستیک - شمشیربازی

رشته‌های ورزشی رزمی:

تکواندو - بوکس - کاراته - ووشو - جودو



